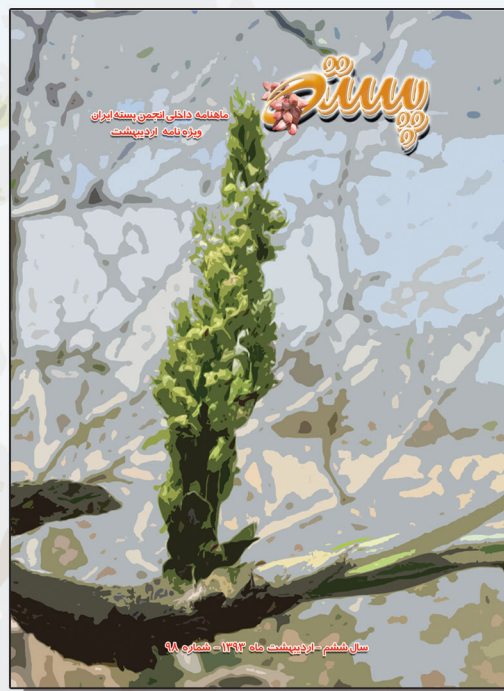




- ۸ سرمقاله
- ۹ در تولید پسته سال خوبی در پیش داریم
- ۱۲ اخبار
- ۱۴ گزارشات انجمن
- ۱۸ خلاء ۷۰ ساله در صنعت پسته ایران پر شود
- ۱۹ در این هفت سال قدم‌های بزرگی برداشتیم
- ۲۳ باغبانی و فروش پسته ایران مشکل ساختاری دارد
- ۲۴ بر خورد غلط با نرخ ارز، پایه‌های تولید را از بین می‌برد!
- ۲۶ نگاهی به مسئله آب
- ۲۸ دولت بزرگ ناتوان از اصلاحات اقتصادی است
- ۳۰ توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛ راهی برای خروج از رکود
- ۳۲ تولید بخش صنعت ۲۰ درصد کوچک شد!
- ۳۵ نقش موثر تشکل‌های غیردولتی در توسعه صنعت پسته آمریکا
- ۳۶ مشکل اصلی پسته ایران آفلاتوکسین نیست!
- ۳۸ بخش خصوصی روی پای خودش بایستد
- ۴۰ ضرورت توانمند سازی بخش تولید در کشاورزی ایران
- ۴۲ فضایی برای توسعه باغات نمی‌بینم
- ۴۶ وزارت نیرو تخلف کرده؛ نه مردم!
- ۴۸ خودکفایی هدف نیست!
- ۴۹ صادرکنندگان رتبه بندی شوند
- ۵۰ تصمیم‌گیران دولتی به صنعت پسته حساس شدند



ماهنامه داخلی انجمن پسته ایران

* دفتر کرمان

تلفن: ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۶-۸ نمابر: ۰۳۴۱-۲۵۳۵۲۶۹

* دفتر تهران

تلفن: ۰۸۸۹۴۷۳۰۰، ۰۸۸۹۴۷۴۰۰ - ۰۲۱ نمابر: ۰۸۸۹۴۷۳۸۴ - ۰۲۱

سایت: www.iranpistachio.org

پست الکترونیکی: info@iranpistachio.org

انجمن پسته ایران در قبال صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در آگهی‌ها، هیچگونه مسئولیتی ندارد. استفاده از مطالب با ذکر مأخذ مجاز است.

سر مقاله

انجمن پسته و چالش های بازار سموم دفع آفات و ترکیبات تغذیه ای

موجود در این آشفته بازار و آگاهی رسانی نتایج به اعضا بعهدہ گیرد. در این راستا انجمن از کلیه تولیدکنندگان و واردکنندگان ترکیبات و نهاده های شیمیایی که در باغات پسته مصرف می شود دعوت به مشارکت می نماید. این همکاری در مرحله نخست شامل تدوین آیین نامه های نمونه برداری و آزمون مواد عرضه شده در بازار و نظارت در مراحل اجرایی این پروژه می باشد. نتایج این بررسی ها می تواند در معرفی کالاهای با کیفیت به اعضا موثر باشد. یادآور می گردد که در سالیان گذشته انجمن پسته ایران تنها در یک مورد و آن هم در مورد ترکیباتی که تحت عنوان اسیدهیومیک در بازار وجود داشت اقدام به بررسی اولیه اسیدهیومیک های موجود در بازار نمود که نتایج، نشان از تفاوت فاحش بین کالاهای اصل و با کیفیت و کالاهای بی کیفیت و شاید تقلبی دارد.

بر این اساس و تا اجرایی شدن پیشنهاد فوق، انجمن پسته ایران به کلیه باغداران عضو توصیه می کند که بدون توجه به تبلیغات، در خرید این مواد به سابقه و پیشینه عرضه کنندگان کالا توجه کنند و با مشورت از افراد مورد وثوق، سره را از ناسره تشخیص دهند. انجمن پسته ایران اعتقاد راسخ دارد که این اقدام یک فعالیت زیربنائی در تولید پسته محسوب می شود که نتیجه آن علاوه بر باغداران پسته، شرکتهای معتمد تولید کننده و واردکننده سم و کود کشور را نیز منتفع خواهد ساخت.

مهدی آگاه

رییس کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران

یکی از انتظاراتی که از سوی بخش بزرگی از اعضای انجمن و بویژه باغداران مطرح می شود "موضوع بازار سم و کود" و وضعیت آشفته نظارت بر عرضه این نهاده ها و کیفیت نهاده های موجود در بازار است.

در سال های پیش از انقلاب سموم و ترکیبات تغذیه ای توسط شرکت های خصوصی به کشور وارد و زیر نظر سازمان حفظ نباتات در وزارت کشاورزی به کشاورزان عرضه می شد. در جریان انقلاب شکوهمند اسلامی نیروهای جوان و عدالتخواه دست به دولتی کردن فراگیر بخش های بازرگانی و تولیدی کشور زدند. از این پس و برای قریب سی سال واردکننده، عرضه کننده و ناظر، هر سه نهادهای انحصاری دولتی بودند و عملاً جنبه نظارت صورت تشریفاتی به خود گرفت.

در سال های اخیر، مقام معظم رهبری با اشراف به ناکارایی و رواج فساد در موسسات بزرگ دولتی دستور خصوصی سازی را صادر فرمودند. مجریان این دستور که عمدتاً همان جوانان انقلابی می باشند امروز دیگر سنن پختگی و عاقبت اندیشی را سپری می کنند. طبیعی است که در این مرحله نیز اشتباهاتی از سوی ایشان ولی این بار در جهت تفریط صورت گیرد. حاصل امر آنکه، کمبود نیروهای کارآمد و بازرگانان باتجربه برای پاسخگویی به نیازهای خصوصی سازی، ممکن است ورود افراد بی تجربه و بعضاً سودجو را در این جبهه تسهیل کرده باشد.

انجمن پسته ایران می تواند و باید نقش فعالی در حفظ حقوق باغداران عضو از طریق بررسی سموم و ترکیبات تغذیه ای

در جلسه اعضای انجمن پسته ایران مطرح شد:

در تولید پسته سال خوبی در پیش داریم

تن به کشورهای CIS مثل روسیه، حدود ۹۵۰۰ تن به ۱۵ کشور اصلی اتحادیه اروپا، ۹۶۰۰ تن به کشورهای خاورمیانه و ۸۳۰۰ تن نیز به شبه قاره هند صادر شده است.

فیضی خاطر نشان کرد: بیشترین صادرات، مربوط به پسته خندان با صادراتی حدود ۱۰۰ هزار تن بوده است. صادرات پسته ناخندان حدود ۱۸ هزار تن، مغز پسته ۶۴۰۰ تن و مغز سبز پسته هم حدود ۱۷۰۰ تن بوده است.

بازار داخل مصرف خوبی دارد

عضو دیگر هیات مدیره انجمن پسته ایران نیز در این نشست با بیان این که از اول مهر ۹۲ تا آخر بهمن طبق آمار گمرک ۶۸ هزار تن پسته صادر شده و اگر با پوست حساب کنیم ۷۵ هزار تن تا آخر بهمن صادر شده است، گفت: در مورد اسفند هنوز آمار گمرک ایران منتشر نشده است ولی آمار گمرک رفسنجان می گوید که هفت هزار تن پسته از رفسنجان صادر شده است که رقم بسیار خوب و قابل توجهی بوده است.

سید محمود ابطحی با اشاره به روند معمول صادرات پسته ایران گفت: حدود ۳۰ درصد پسته از رفسنجان صادر می شود. بنابراین از اول مهر ۹۲ تا پایان سال می توانیم بگوییم حدود ۱۰۰ هزار تن پسته صادر شده است.

او با تاکید بر این که صحبت هایش در خصوص تولید ۹۲-۹۳ است، در مورد مصرف داخل، برآورد کرد: حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار تن پسته در داخل مصرف شده که امسال میزان مصرف نسبت به سال گذشته خیلی بیشتر بوده است. او با اشاره به ممنوعیت صادرات پسته در اسفند ۹۱ گفت: به خاطر مسائلی که سال گذشته اتفاق افتاد، زمستان ۹۲ فشار روی تقاضا نبود. یعنی آجیل فروشی ها یک دفعه پسته زیادی نمی خریدند، ولی به دفعات خرید می کردند و تا آخر سال هم خرید کردند.

ابطحی ادامه داد: اتفاق دیگری که در بازار داخل افتاد مساله ی قیمت بود. در بازار داخل قیمت پسته بر خلاف سایر آجیل ها، از سال گذشته کمتر هم بود. مثلاً قیمت تخمه ژاپنی از ۱۰ هزار تومان به ۲۰ هزار تومان رسیده بود یا تخمه آفتابگردان قیمتش نسبت به سال گذشته ۲ برابر شده بود. این عوامل باعث شد که زمستان گذشته بازار داخل بازار خوبی باشد.

عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران خاطر نشان کرد: آجیل فروش ها، در پایان اسفند، موجودی ندارند و همین الان هم که اینجا نشستیم ایم آجیل فروش ها، تقاضای خرید دارند و پیش بینی کرد تا آخر سال محصولی،



شرایط را به سمت رکود بیشتر بردند. در نتیجه این رکود بیشتر شد و عدم تقاضا، افت قیمت ها را در پی داشت. دوم اینکه دولت آقای روحانی در شش ماه گذشته تصمیم غیرکارشناسی نگرفته است. البته برخی از تصمیمات دولت از نظر اقتصاددانان و برخی از بزرگان قابل انتقاد است ولی اینکه تصمیماتی گرفته شود که یکدفعه شوکی به جریانات بازار وارد شود، این موضوع نبوده است.

او با بیان این که دولتمردان می گویند زمانی که ما دولت را تحویل گرفتیم تورم کشور بالای ۴۰ درصد بود، افزود: صحبت خود مسئولین این است که در یک فضای با تورم ۴۰ درصدی، هیچ کار اقتصادی امکان پذیر نیست و این فضای پر تنش، فضایی نیست که کسی بخواهد در آن کار اقتصادی انجام دهد.

او ادامه داد: دولت یازدهم در سال اول بنا را بر کنترل تورم، افت قیمت ها و حداقل جلوگیری از افزایش قیمت ها گذاشته است. پیش بینی خود دولت این است که در سال ۹۳ تورم را به زیر ۲۵ درصد بیاورد. او تاکید کرد: به لطف خدا و همتی که همه ی دست اندرکاران صنعت پسته داشتند، تا اینجا وضعیت پسته از بقیه محصولات بهتر است و امیدواری برای بهتر شدنش وجود دارد.

سال گذشته ۱۲۷ هزار تن پسته صادر شد

در ادامه دبیرکل انجمن پسته ایران نیز با ارایه آمار صادرات سال گذشته، گفت: سال محصولی گذشته یعنی از مهرماه ۱۳۹۱ تا پایان شهریورماه ۱۳۹۲، مقدار ۱۲۷ هزار تن پسته صادر شده که عمده آن- حدود ۶۲ هزار تن- به شرق دور بوده است.

حمید فیضی افزود: حدود ۱۹ هزار تن به بازارهای ترکیه و امارت که عمدتاً صادرات مجدد است، حدود ۱۵ هزار

ماهانامه پسته- نشست اعضای انجمن پسته ایران در فروردین ماه سال جاری در محل اتاق بازرگانی کرمان تشکیل شد.

رئیس هیات مدیره انجمن پسته ایران در این نشست گفت: سال ۹۳ از این جهت که سال پایان دوره هیأت مدیره و هیأت امنا انجمن پسته ایران و سال پایان دوره فعالیت هیأت نمایندگان دوره هفتم اتاق است، مهم و سرنوشت ساز است.

محسن جلال پور با بیان این که همه ی نگاه دست اندرکاران و فعالین صنعت پسته به انجمن پسته ایران است، افزود: بنا به درخواست شماری از اعضا برای تشکیل جلسات هم اندیشی و همفکری در خصوص چالش ها و ابهامات صنعت پسته در سال پیش رو، این جلسه تشکیل شده است.

جلال پور تاکید کرد: ما به عنوان فعالان اقتصادی آن هم در صنعتی مثل صنعت پسته، باید یک نمای کلی از وضعیت اقتصاد کشور داشته باشیم تا بتوانیم وضعیت صنعت خودمان را ترسیم کنیم و بدانیم که در چه جایگاهی قرار داریم.

او ادامه داد: بنا به گفته آقای دکتر پسران آنچه که الان وضعیت اقتصاد کشور دارد، مهلک ترین، خطرناک ترین و بدترین نوع بیماری است که در یک اقتصاد می تواند اتفاق بیفتد که به آن رکود تورمی می گویند. از یک طرف این تورم نیاز به آرامش دارد تا بازار کنترل شود و از سوی دیگر اگر بخواهند تورم را کنترل کنند، کاری برای رکود نمی شود کرد.

او با اشاره به کاهش قیمت ها در چند ماه اخیر، گفت: اگر چه اتفاق خوبی است اما به هیچ وجه نشان از این نیست که این بیماری علاج شده است؛ بلکه ناشی از دو مساله است. بعد از انتخاب آقای روحانی تقاضا تا اندازه زیادی کنترل شده و عملاً مردم با صبر و نخریدن ها،



مصرف داخل حدوداً ۳۵ تا ۴۰ هزار تن خواهد بود. ابطحی با بیان این که امسال بازار داخل مصرف خوبی دارد، افزود: حدود ۷ تا ۸ هزار تن مغز فقط برای گز مصرف می‌شود. می‌گویند حدود ۳ تا ۴ هزار تن پسته در سوهان مصرف می‌شود. اخیراً در کلوچه‌هایی که در شمال هست پسته هم دارند مصرف می‌کنند. ابطحی در پاسخ به این سوال که پیش بینی شما برای موجودی امروز پسته چقدر است، گفت: برآورد من این است که اگر تا الان چیزی حدود ۱۲۰ تا ۱۲۵ هزار تن پسته در داخل و خارج مصرف شده باشد و اگر ۲۰ هزار تن پسته از سال گذشته موجود داشتیم، فکر می‌کنم چیزی حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار تن پسته تا آخر شهریور ۹۳ موجودی داریم.

برای بازار پسته خارج از کشور مشکلی نمی‌بینم

دیگر عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران نیز در این نشست با بیان این‌که برای بازار صادراتی پسته مشکلی نمی‌بینم، گفت: در اول سال محصولی، حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تن پسته‌ای که بطور معمول به هنگ کنگ و چین صادر می‌شد، به دلایلی نظیر مشکلات کشتیرانی، جلو افتادن عید چینی‌ها و... اتفاق نیفتاد.

محمدحسین آقامحمدحسینی با اذعان به این‌که شاید از محصول ۹۲ یک سوم میزان همیشگی به خاور دور صادرات صورت گرفت، ادامه داد: بعد از عید چینی‌ها، بازار چین از پسته خالی بود و صادرات خیلی خوبی از اواسط بهمن تا آخر اسفند به خاطر کمبودهایی که در بازار خاور دور بود، مخصوصاً پسته دهن بست اتفاق افتاد.

آقامحمدحسینی افزود: آن موقع در بازارهای دنیا، جای پسته خالی بود. در اروپا مرتب سراغ پسته را می‌گرفتند ولی به امید پایین آمدن قیمت‌ها همه دست نگه داشتند. در چین، هند و در روسیه همه منتظر بودند که قیمت بسیار بالای اول محصول به یک نقطه پایین‌تری برسد بعد شروع به خرید کنند. تا آنجایی که می‌توانستند دست نگه داشتند و پسته پایین آمد و خدا را شکر که خیلی هم پایین نیامد.

او ادامه داد: در آمریکا رقیبی داریم که سیاست‌های خوبی دارد. بر خلاف ما که ۳۰ تا ۴۰ نفر صادرکننده و ۱۰۰ هزار کشاورز هستیم، صادرکننده‌های آن‌ها حدود ۵ تا ۶ نفر هستند و تعهدی که نسبت به مشتریان‌شان دارند خیلی خوب است. آمریکایی‌ها همیشه بر این موضوع تأکید دارند و می‌گویند قیمتی که ما اول سال می‌گذاریم تا آخر سال آن را نگه می‌داریم. چون آن‌ها قدرت فروش ۶ ماهه و ۹ ماه و حتی یک ساله را هم دارند.

او با اشاره به نوسانات شدید قیمتی در سالیان گذشته گفت: گاهی قیمت پسته روی ۶، ۷ یا ۸ هزار دلار می‌رفت، ولی یکمتر به ۵۵۰۰ دلار برمی‌گشت. این نوسانات نه برای پسته‌داران خوب بود نه برای تاجران

و نه برای مصرف‌کنندگان و نه مشتریان ما در اروپا. در گذشته در مقطع‌هایی که پسته ارزان می‌شد همه برای فروش هجوم می‌آوردند و برعکس وقتی که پسته درخواست داشت و ما می‌توانستیم صادر کنیم همه نگه می‌داشتند. این اتفاق الان نمی‌افتد چون کشاورزان به خاطر قیمت خوب پسته تحمل‌شان بهتر شده است و پسته را بیش‌تر می‌توانند نگه دارند. ما انتظارمان از کشاورزان این است که از الان تا مهرماه که پسته و چین بعدی محصول به دست می‌آید، پسته را بتدریج به صادرکننده‌ها برسانند.

او با بیان این‌که انتظار افت شدید قیمت پسته را نخواهیم داشت، افزود: شاید هم اصلاً افت قیمت پسته را نداشته باشیم.

آقامحمدحسینی در توصیف وضعیت بازارهای خارج گفت: بازار روسیه شروع به خرید کرده است. بازار اروپا همانطور که بوده، هست، یعنی نه شدت و نه رکودی دارد. او با بیان این‌که قیمت مغز پسته نسبت به تمام محصولات کشاورزی مخصوصاً "مغزیات" گران‌تر است، اظهار داشت: قیمت پسته تقریباً دو برابر دیگر مغزهاست. درحالی‌که مغز بادام ۶ تا ۷ دلار است، مغز پسته ۲۰ دلار است. گران‌ترین مغزی که در بازار داریم گردوی فرانسه است که حدود ۱۲ دلار است.

آقامحمدحسینی ادامه داد: به خاطر رکودی که در اروپا وجود دارد متأسفانه سال گذشته فقط چیزی حدود ۹۵۰۰ تن به اروپا صادر کردیم که این خیلی رقم پایینی است. قبل از آن رقمی حدود ۱۷ هزار تن صادرات به اروپا داشتیم. او خاطر نشان کرد: بازارهای خوب اروپا مثل اسپانیا را چند سالی است که از دست داده‌ایم و مصرف‌شان پایین آمده که متأسفانه امسال در ایتالیا هم این اتفاق افتاده است.

آقامحمدحسینی ادامه داد: اگر چیزی حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار تن پسته مانده باشد، تا مهر نباید در قیمت پسته خصوصاً از نظر دلاری افت داشته باشیم. اما از نظر ریالی دست سیاستمداران است و از دست ما خارج است و نمی‌توانم در موردش چیزی بگویم.

استراتژی می‌خواهیم

دیگر عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران نیز با بیان اینکه برای ۵۰ هزار تن پسته‌ای که موجود داریم، هیچ مشکلی نخواهیم داشت، گفت: کمیته مشترکی از صادرکننده‌ها، باغداران، فراوری‌کننده‌ها و تاجران داخلی تشکیل شود و یک استراتژی مشخص برای فروش محصول سال آینده در بازارهای بین‌المللی پیدا کنیم.

مجید بازیان ادامه داد: نمایندگانی از باغداران حضور داشته باشد که حرفشان در استان خریدار دارد و باغداران را متوجه کنند که چه زمانی بفروشند، چه زمانی پسته را نزد خودشان نگه دارند؛ تا جنس سرازیر بازار نشود و قیمت‌ها شکسته نشود.

او با بیان این‌که بازار پسته را در سالی که در پیش است نمی‌توانیم به حال خودش رها کنیم و آن را به عرضه و تقاضا بسپاریم، گفت: ما یک رقیب به نام آمریکا داریم که برای فروشش قطعاً برنامه دارد.

بازیان پیشنهاد داد: برای یک ماه دیگر که محصول پسته مشخص شد و تقریباً محصول پسته آمریکا هم مشخص شد، موجودی تولید محصول امسال ایران و آمریکا را جمع بزنیم و یک استراتژی مشخصی برای بازارهای بین‌المللی و برای فروش‌مان داشته باشیم.

او ادامه داد: سال گذشته ما در شهریور و مهر می‌توانستیم ۲۰ هزار تن پسته را بین ۲۷ تا ۲۸ هزار تومان به چین بدهیم، اما به علت انتظار تورمی که باغداران داشتند، این اتفاق نیفتاد.

بازیان تأکید کرد: به نظر من بین ۵۰ تا ۶۰ هزار تن موجودی داریم و خوشبختانه برای این مقدار هیچ نگرانی نخواهیم داشت.

او با اشاره به در پیش بودن کنفرانس INC (شورای جهانی خشکبار) گفت: باید نماینده‌های ایران در کنفرانس INC با استراتژی بروند و آنجا خودمان قیمت را باز کنیم. چرا باید هر سال منتظر باشیم که آمریکا قیمت را باز کند. البته اگر محصولمان از خطر بگذرد و

محدوده‌ی رفسنجان در تناسب با آبی که هست، شاید رقم صد هزار تن تولید خیلی عجیب و غریب نباشد. او با بیان این‌که اگر همه عوامل خوب عمل کنند، به نظر می‌رسد که در رفسنجان پسته داشته باشیم. در کرمان بعضی جاها می‌گویند خیلی خوب نیست. اما سیرجان را می‌گویند که نسبتاً خوب است. خراسان هم می‌گویند خوب است. در نتیجه انتظار داریم که امسال محصول کشور انشاالله بتواند به دویست هزار تن برسد.

او با تاکید بر این‌که روی هم رفته سال خوبی در تولید پیش بینی می‌شود، ادامه داد: مشکلی که تجارت ما دارد این است که در زمان حاضر هیچ تاجر ایرانی یا شرکتی نداریم که قرارداد صادراتی طولانی مدت ببندد. ایران در گذشته در اروپا تا ۹۵ هزار تن پسته فروخته است و الان یک دهم این رقم را می‌فروشد. علت اصلی هم افلاتوکسین نیست، هر چند که یک زمانی افلاتوکسین مساله بود. پسته در سوپرمارکت‌ها فروش می‌رود و سوپرمارکت‌ها هم قرارداد طولانی می‌خواهند و هیچ شرکت ایرانی وجود ندارد که حاضر باشد با شرکت‌های اروپایی قرارداد طولانی ببندد و باید برای این مسئله فکری کرد چون خیلی اثر منفی دارد. سال گذشته در اروپا که بهترین بازار است ۹۵۰۰ تن فروختیم.

او یادآور شد: تعاونی پسته رفسنجان که حذف شد هیچ نهادی جای تعاونی را نگرفت، در حالیکه برای دولت کاملاً عملی است که از صندوق ذخیره ارزی به تاجر وام دهد تا در اول فصل که پسته به وفور یافت می‌شود و احتمالاً قیمت خیلی بالایی هم ندارد، خریداری کنند و بخشی از پسته را برای سال بعد تا تابستان نگه دارند. در این صورت هم از شر مسائل آمریکا خلاص می‌شویم، هم پسته با تعادل بهتری فروش می‌رود.

آگاه افزود: این پسته‌ها که می‌توانند زیر کلید بانک باشند و با قیمت نسبتاً پایین‌تری خریداری شده، قیمت که خواست بالا برود، عرضه می‌شود، در نتیجه عملاً مثل یک تعاونی، تاجر قیمت را تثبیت می‌کنند.

آگاه در بخش دیگری از سخنان خود با بیان این‌که پسته‌کاری در استان‌های دیگر دارد پیشرفت می‌کند، گفت: پیشرفت هم به خاطر این نیست که منابع آبی جدیدی کشف شده، بلکه به خاطر این است که وزارت کشاورزی عملاً در بعضی از استان‌ها دست از توصیه کاشت گندم برداشته است. در استان فارس که ما دو سفر رفتیم سازمان کشاورزی آن‌جا به شدت طرفدار این است که گندم کاشته نشود و پسته بکارند.

او ادامه داد: به هر حال پسته کاری جدید هم می‌شود منابع آبی‌شان از نظر کیفیت به خرابی منابع آبی ما در کرمان نیست.

پس از این سخنان و طرح سوالات و بحث و تبادل نظر اعضای حاضر، مقرر شد جلسه بعدی با موضوع بررسی تولید و بازار پسته سال پیش رو در اوایل خرداد ماه و پس از روشن شدن وضعیت دقیق تر محصول برگزار گردد.



هم نزدیک باشد و تلقیح بهتر انجام شود.

او افزود: مطلب دومی که به نظر می‌آید نسبت به سال‌های گذشته حل شده مساله آفت پسپیل پسته (شیره خشک) است. صدمات پسپیل پسته در سه، چهار سال اخیر خیلی زیاد بود و به نظر می‌آید با پیدایش سم‌های جدید در دو سال گذشته، آفت شیره خشک قابل کنترل باشد.

او با بیان این‌که مساله کمبود آب را داشتیم، داریم و خواهیم داشت، خاطر نشان کرد: اخیراً در گردهمایی انجمن در کیش صحبتی شد که منجر به حمایت ضمنی مسوولان استان از جمله آقای باهنر شد و آن این بود که وزارت نیرو مجوز انتقال آب درون یک حوضه را که در قانون هم پیش بینی شده است به باغداران صادر کند.

او با تاکید بر این‌که رسیدن به این هدف پیگیری می‌خواهد، گفت: اگر این کار انجام شود نتایج خیلی جالبی پیدا می‌کند. چون می‌توان باغات خوب را با آب خوب تلفیق کرد. یعنی اگر باغ من باغ کارایی نیست، آب باغ را بدهم به همسایه‌ام که زمین و درخت بهتری دارد و رسیدگی‌اش هم بهتر است و در سود او شریک شوم.

او ادامه داد: اگر این مجوز گرفته شود، فکر می‌کنم حتی سرمایه‌گذاری در رفسنجان که در حال خشک شدن است، تا حدی نجات پیدا کند. به این خاطر که سرمایه‌گذارانی از خارج از استان هم می‌آیند و باغ خوب خریداری و آب خوب هم خریداری می‌کنند و با لوله کشی این‌ها را با هم انطباق می‌دهند.

او خاطر نشان کرد: در سطح ملی هم می‌شود تصور کرد که باغ‌ریزی ادامه پیدا کند و روند تولید پسته که تا به حال از حدود سال ۸۶ رو به کاهش رفته، تغییر کند. آگاه با بیان این‌که سالی که گذشت طبق آمار چیزی حدود ۴۰ هزار تن حداکثر در رفسنجان پسته تولید شد، گفت: محصول ۹۳ اگر اتفاق خاصی نیافتد در

محصول بالای ۲۰۰ هزار تنی داشته باشیم که بتوانیم جواب دهیم.

بازیان افزود: INC امسال خیلی مهم است. دلیلش هم این است که اروپایی‌ها امسال خیلی به INC نمی‌آیند. بیشترین مشتری‌هایی که می‌آیند از چین است، چون نزدیک هستند. آنجا باید تکلیف خودمان را با فروش حداقل شش ماه آینده روشن کنیم. اگر آمریکا بخواهد فروشی در چین انجام دهد، قطعاً در همان INC انجام خواهد داد.

بازیان در پاسخ به سوالی مبنی بر وقوع خشکسالی و ده برابر شدن قیمت آب گفت: در کیش همین سوال را از آقای نیکولز کردند که آیا خشکسالی ممکن است در محصول آمریکا تاثیر بگذارد؟ آقای نیکولز گفتند: در حال حاضر اینقدر پسته با ارزش است که به جای اینکه آب را به محصولات دیگر بدهند، پسته‌ای‌ها هستند که می‌توانند آب را بهتر بخرند.

او ادامه داد: من با ۳۰۰ هزار تن محصول امسال کالیفرنیا کار دارم. امسال سالی است که نمی‌شود بازار پسته را -چه صادرات چه داخل- به حال خودش وا گذاشت.

سال خوبی در تولید پیش بینی می‌شود

پس از آن دیگر عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران با بیان این‌که کمیسیون باغبانی هنوز جلسات سالانه برای تخمین محصول پاییز ۹۳ را برگزار نکرده است، گفت: چند عامل روی هم رفته امسال در رابطه با میزان تولید خیلی مثبت عمل کرده است، گفت: از نظر ساعت‌های سرمایی تا جایی که من اطلاع دارم، بی سابقه‌ترین سال را، نه از نظر اوج سرما که از نظر ساعات سرمایی داشتیم. رفسنجان باید بیش از ۱۲۰۰ ساعت سرما داشته باشد. در کرمان شاید حدود ۱۶۰۰ ساعت سرما داشتیم. این زمستان سخت باعث می‌شود که درختان به نسبت سال‌های گذشته به قول رفسنجانی‌ها "همرو" بیایند. یعنی خوشه بندی و زمان گرده دادن به

افزایش سموم خاک ناشی از خشکسالی در کالیفرنیا

چند نکته در خصوص جدول تبخیر و تعرق در دوره خشکسالی متذکر شد. او به کشاورزان گفت: در نظر گرفتن مه، شبنم صبح، تابش خورشید یا جلوگیری از نور توسط شاخ و برگها و سایر عوامل ضروری است. او گفت: استفاده از آب به میزان کمتر، نفوذ عمقی را کاهش خواهد داد و باعث افزایش شوری در ناحیه ریشه خواهد شد و سرانجام، روش کم آبیاری خصوصاً اگر در مدت زمان طولانی خشکسالی انجام شود با مشکل بیشتری مواجه خواهد شد. آقای اشنایدر گفت: در صورت ناکافی بودن منابع تامین آب بهتر است باغ ها با دوره های آبیاری مانند سال های پرب آب ولی با میزان کمتر آب، آبیاری شوند.

منبع:

<http://westernfarmpress.com/grapes/california-soil-toxins-worsened-drought>

تحقیقات کشاورزی در پارلیر (Agricultural Research Service in Parlier) می باشد گفت: مشکل تنها به مسئله نمک ها محدود نمی شود بلکه بطور بالقوه شامل سلینوم و بور هم هست. او درباره محصولات جایگزین که مقاوم به شرایط شوری و بور بالا هستند، صحبت کرد. آقای بانولوس گفت: یکی از راه های مبارزه با سموم موجود در خاک، آبخوبی در زمین هایی است که خاکورزی در آنها صورت گرفته باشد. اما میزان آب مورد نیاز برای آبخوبی بور از منطقه ریشه، ۳ برابر آب مورد نیاز برای آبخوبی نمک است. او گفت: ما همیشه به دنبال این هستیم که بتوانیم بین ۲۵۰۰ تا ۳۷۰۰ دلار در هر هکتار بدست آوریم، در غیر اینصورت محصولی نباید در نظر گرفته شود. آقای ریک اشنایدر از بخش ترویج دانشگاه دیویس

مسئله شوری و کمبود آب، کانون توجهات در کنفرانس خاک و گیاه کالیفرنیا بود. این کنفرانس در سال ۲۰۱۴ در فرزنو برگزار شد. تعدادی از سخنرانان حاضر در این کنفرانس، تصاویری از نمکی که بر روی سطح خاک رسوب کرده بود نمایش دادند. آنها اذعان داشتند، در زمستان امسال، بارش های کم موجب شده که مواد سمی معدنی از ناحیه ریشه به اعماق پائینتر رانده نشوند و میزان آب موجود که به عنوان سلاخی در مبارزه با مواد سمی می تواند مورد استفاده قرار گیرد، بسیار کم باشد. سخنرانان درباره مدیریت آب، مرحله ای که تولیدکنندگان برای شناسایی گیاهان و ارقام مقاوم در برابر شوری باید طی کنند و تحقیق روی چگونگی مقاومت بعضی از گیاهان به شوری، توضیحاتی دادند. آقای بانولوس (Banuelos) که پژوهشگر بنگاه

برگزاری کنفرانس سالانه شرکت پارامونت در سال ۲۰۱۴

می داد. به گفته اندرو آنزلالدو (Andrew Anzaldo) مدیر روابط عمومی شرکت پارامونت: "این شرکت با بدست آوردن بیشترین تقاضا پیش از تولید در بازارهای بین المللی، موفقیتی چشمگیر بدست آورده است که این امر موجب شده تا بهترین قیمت خرید را برای کشاورزان به همراه داشته باشد". به گفته مدیر عامل پارامونت (رزنیک)، این موفقیت به این دلیل است که شرکت پارامونت ۶۰ درصد از سهم کل بازار بین المللی را در اختیار دارد. آنها امیدوارند که بتوانند این سهم را به ۷۰ درصد رسانده و قادر به ادامه سرمایه گذاری به صورت گسترده در تمام دنیا باشند. در واقع شرکت پارامونت به دنبال به دست آوردن سطح بالایی از بازگشت سرمایه به صورت مستمر در آینده می باشد.

منبع:

<http://westernfarmpress.com/tree-nuts/pistachio-industry-deals-drought-and-delta-smelt-setback>



حمایت از برنامه حفاظت از ماهیان، همچنان استفاده از ذخیره آبی ادامه داشته است. اما این اخبار نتوانست کل اهمیت این همایش را کمرنگ کند، بخصوص که گزارشات مالی، خبر از موفقیت در صنعت پسته و همزمان پیش بینی تولید یک میلیارد پوند (۴۵۳ هزارتن) محصول پسته تا سال ۲۰۲۰ را

بیشتر اخبار مربوط به کنفرانس سالانه پسته آمریکا در سال ۲۰۱۴ به میزبانی شرکت پارامونت فارمز، مانند نام تجاری این غول کشاورزی آمریکا، شگفت انگیز به نظر می رسید. اما در همان روزی که ۶۰۰ نفر در ویسالی دور هم جمع شده بودند تا به گزارش سالانه پارامونت گوش داده و بیستمین سالگرد شراکت این شرکت با ۵۸۰ باغدار را جشن بگیرند، صحبت ها درباره خشک ترین سال در تاریخ کالیفرنیا و شکست در دادگاه فرجام، خبر از چیز دیگری می داد. در این گردهمایی شرکت کنندگان متوجه حمایت دادگاه تجدید نظر فدرال از برنامه علمی حفاظت ماهیان شدند که منجر به کاهش سهم آب در کشاورزی می شود. به گفته نماینده پارامونت، بررسی حکم دادگاه و مشخص کردن تاثیر آن، مدت زمانی طول خواهد کشید. این حکم منجر به لغو حکم دادگاه اولیه که رای به عدم علمی بودن برنامه حمایت از ماهیان بود، شد. البته از طرفی برخی دیگر بر این عقیده بودند که حکم این دادگاه تاثیر چندانی در وضعیت کنونی نخواهد داشت زیرا حتی در زمان درخواست فرجام به رای اولیه در عدم

خطر تحریم ورود بعضی از محصولات کشاورزی خاص از ایالات متحده به روسیه

۱۲۹/۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

منبع:

<http://www.federalproducepolicy.com/news2014>

به کشور روسیه که در سال ۲۰۱۱ برابر با ۱۳۴/۸ میلیون دلار بوده، در سال ۲۰۱۳ با ۶۷/۳ درصد افزایش به ۲۲۵/۴ میلیون دلار رسیده است. در این میان بیشترین رشد مربوط به صادرات مغز بادام بوده که ارزش آن ز ۷۴/۴ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ به

صادرات برخی از آجیل های درختی، سبزیجات و میوه های تازه از آمریکا به روسیه با خطر تحریم روبرو است. از زمانی که روسیه عضو سازمان تجارت جهانی شده است، این صادرات رشد قابل توجهی یافته است. بگونه ای که میزان صادرات محصولات مذکور از آمریکا

برخورد فعالانه صنعت پسته و بادام کالیفرنیا با مسالهی باقیمانده سموم

استانداردهای جهانی باقیمانده سموم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رایزنی و مذاکره

در همین راستا انجمن بادام کالیفرنیا نماینده ی خود را (که ضمناً صنعت پسته کالیفرنیا را هم نمایندگی می‌کند) در شورای جهانی خشکبار برای شرکت در جلسات کُدکس (CODEX) که در ماه می امسال در

چین برگزار می شود، می‌فرستد.

حضور نماینده صنعت پسته و بادام آمریکا در جلسات کُدکس با هدف تسهیل قوانین وضع شده در خصوص حداکثر محدودیت باقیمانده سموم برای این دو صنعت انجام می‌شود.

شایان ذکر است که قوانین کُدکس تعیین کننده استاندارد های اصلی کیفیت و سلامت مواد غذایی در تجارت جهانی است.

منبع:

<http://www.almondboard.com>

رشد داشته است.

این گزارش می‌افزاید: بسیاری از متخصصان صنعت بادام، محصول را کمی بهتر از سال قبل پیش بینی می‌کنند. این در حالی است که آب نقش کلیدی در تولید محصول دارد چرا که بعضی از باغات به علت کمبود آب از تولید خارج می‌شود.

آموزش فعالان

در حالی که سیزدهم فروردین ماه (دوم آوریل) کارگاه آشنایی کاربردی با مسایل باقی‌مانده سموم در مغزهای درختی در شهر وایسلیا برگزار شده است، با بالا گرفتن اهمیت بحث باقیمانده سموم در خصوص محصولات کشاورزی، دومین کارگاه آموزشی باقیمانده سموم در پسته و بادام در سانفرانسیسکو به مدت دو روز در تاریخ ۱۸ و ۱۹ ژوئن برگزار خواهد شد. از سوی دیگر کارگاه آموزشی دیگری هم برای ۲۲ مردادماه برنامه‌ریزی شده است. در این سمینار مسائل مهمی از جمله سم‌وسوی تجارت جهانی، سنجش روند باقیمانده سموم در مغزهای درختی، اطلاع‌رسانی درباره‌ی آخرین تغییرات

ماهنامه پسته- صنعت بادام کالیفرنیا متشکل از مالکان و باغدارانی است که در صنعت پسته هم فعالیت عمده دارند و عملاً این دو صنعت در آمریکا از هر نظر به هم پیوند خورده‌اند. از سوی دیگر قوانین باقی‌مانده سموم اتحادیه‌ی اروپا و کمیته کُدکس (زیرمجموعه سازمان ملل در امور امنیت مواد غذایی) شامل مغزهای درختی (پسته، بادام، فندق و گردو) به صورت یکسان اعمال می‌شود. شایان ذکر است که قوانین این دو تشکل تأثیر مستقیم محدودکننده بر صادرات پسته ایران به اتحادیه اروپا و سایر کشورهای دنیا داشته و خواهد داشت.

جمع‌آوری و تحلیل آمار کلیدی

انجمن بادام کالیفرنیا گزارشی از وضعیت صنعت بادام کالیفرنیا در ماه مارس سال جاری منتشر کرد. بر اساس این گزارش میزان بارگیری بادام در سال محصولی گذشته تا به امروز رشدی برابر با ۴ درصد داشته است. این در حالی است که میزان بارگیری بادام در ماه مارس امسال ۶۸۶۰۰ تن بوده و نسبت به بارگیری ۶۳۸۰۰ تن ماه مارس سال گذشته، ۷/۶ درصد

صنعت پسته آمریکا قدرتمندتر از همیشه

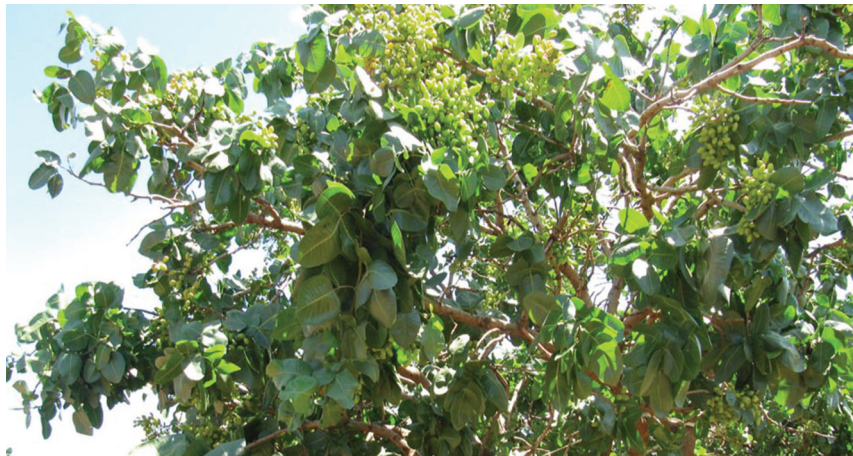
راجع به موفقیت های صنعت پسته آمریکا و انجمن تولید کنندگان پسته آمریکا صحبت نمود. انجمن تولید کنندگان پسته آمریکا سازمانی تجاری متشکل از تولید کنندگان و فراوری کنندگان در مناطق سه گانه تولید پسته می باشد.

در کالیفرنیا مساحت زیر کشت پسته اعم از بارور و غیر بارور ۱۲۱۴۰۶ هکتار می باشد و مساحت زیر کشت بارور تقریباً ۸۷ هزار هکتار می باشد.

آقای ماتویان با توجه به فقدان آب، پیش بینی می کند که سطح زیر کشت بارور در سال ۲۰۲۰ از مرز ۱۲۱۴۰۶ هکتار خواهد گذشت. در آغاز قرن (سال ۲۰۰۰)، سطح زیر کشت بارور جمعاً ۳۰۳۵۱ هکتار بوده است. سطح زیر کشت بارور بطور چشمگیری افزایش یافته است و این افزایش در ۴ تا ۶ سال آینده نیز ادامه خواهد یافت. بیشترین مساحت کاشته شده در سال های اخیر مربوط به سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ می باشد. حدوداً ۱۰۱۱۷ هکتار در سال ۲۰۰۷ کاشته شده است. آقای ماتویان پیش بینی می کند امسال تقریباً ۵۸۶۸ هکتار باغریزی جدید انجام شود اما یک کاهش چشمگیر به علت وجود خشکسالی وجود خواهد داشت. سال ۲۰۱۴ برای اکثر تولید کنندگان پسته کالیفرنیا سال آور محسوب می شود.

منبع:

<http://westernfarmpress.com/tree-nuts/western-pistachio-industry-strong-bull-now>



آب است. خشکسالی قابل توجه در کالیفرنیا باعث شد بالاترین

مقام پسته ایالت به طور نامشخصی سخن بگوید.

پس از پیش بینی دوسال قبل که میزان پسته تولیدی ایالات متحده آمریکا را در سال ۲۰۱۸، برابر با ۴۵۴ هزار تن اعلام نموده بود، مدیر اجرایی انجمن تولید کنندگان پسته آمریکا (ریچارد ماتویان) در سخنرانی هفتمین کنفرانس سالانه خود که در فوریه امسال (بهمن ۱۳۹۲) در کروناو کالیفرنیا برگزار شد میزان پیش بینی خود را تغییر داد.

ماتویان گفت: به علت خشکسالی در کالیفرنیا، دستیابی به تولید ۴۵۴ هزار تن پسته ممکن است چند سال بیشتر به طول انجامد. اینکه صنعت پسته در سال ۲۰۱۸ به این سطح از تولید برسد به عوامل بسیاری بستگی دارد و یکی از مهمترین عوامل، دسترسی به

گزارش پسته آمریکا در ماه مارس به نقل از شرکت پرایمکس

جمع محصول در دسترس ۲۶۶ هزار تن (۵۸۵ میلیون پوند)
پیش بینی میزان مصرف داخلی ۸۶ هزارتن (۱۹۰ میلیون پوند)
پیش بینی میزان صادرات ۱۳۲ هزار تن (۲۹۰ میلیون پوند)
پیش بینی اضافه محصول پایان سال محصولی ۲۰۱۳ حدود ۴۸ هزار تن (۱۰۵ میلیون پوند)

قیمتهای کلی محصول ۲۰۱۳ (FCA/FAS)

پسته خندان با پوست انس ۱۸/۲۰ (US Extra No.1):
از ۱۱/۳۵ تا ۱۱/۵۷ دلار در هر کیلو (۵/۱۵ تا ۵/۲۵ دلار در هر پوند)
پسته خندان با پوست انس ۲۱/۲۵ (US Extra No.1):
از ۱۱/۱۳ تا ۱۱/۳۵ دلار در هر کیلو (۵/۰۵ تا ۵/۱۵ دلار در هر پوند)
پسته نا خندان: از ۹/۷۰ تا ۱۰ دلار در هر کیلو (از ۴/۴۰ تا ۴/۵۵ دلار در هر پوند)
مغز پسته کامل: از ۲۴ تا ۲۲/۲۵ دلار در هر کیلو (از ۱۰/۹۰ تا ۱۱/۰۰ دلار در هر پوند)

منبع:

Primex International Trading Corp, April 17, 2014

اخیر به آرامی افزایش یافته است ولی مقاصد عمده صادراتی کاهش داشته اند. صادرات به بازارهای اروپای غربی تنها ۱/۶ درصد کاهش داشته است درحالیکه بازار آسیا ۲۶ درصد کاهش داشته است.
علیرغم کاهش در میزان بارگیری ها قیمتها ثابت باقی مانده است زیرا میزان کل بارگیری تا ماه مارس تنها ۴ درصد کاهش داشته است و ما هنوز مترصد بارگیری بالای ۲۱۸ هزارتن (۴۸۰ میلیون پوند) و انتظار اضافه محصولی در حدود ۴۸ هزار تن (۱۰۵ میلیون پوند) را داریم.

برای محصول سال ۲۰۱۴ علاوه بر خشکسالی نگرانی جدیدی وجود دارد. این نگرانی مربوط به درختان نر می باشد. این نگرانی وجود دارد که ممکن است در طول دوره گرده افشانی میزان گرده کافی برای تلقیح وجود نداشته باشد. این مساله در ماه می که میوه های تلقیح نشده نمایان می شوند بیشتر نمود پیدا می کند.
با این حال تخمین محصول آینده در این فصل بطور ویژه ای چالش برانگیز است.

وضعیت محصول سال محصولی ۲۰۱۳
مانده محصول سال ۲۰۱۲ حدود ۵۰ هزارتن (۱۰۹ میلیون پوند)
میزان تولید حدود ۲۱۶ هزارتن (۴۷۶ میلیون پوند)

میزان کل بارگیری ماه مارس در حدود ۱۶/۳ هزارتن (۳۶ میلیون پوند) بوده، که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱/۴ هزارتن (۳ میلیون پوند) یعنی معادل ۷/۵ درصد کاهش داشته است. در این بین بارگیری داخلی برابر با ۷/۲ هزارتن (۱۶ میلیون پوند) بوده که معادل ۴۵۳ تن (یک میلیون پوند) یا ۴ درصد بیشتر از سال قبل می باشد. صادرات ماه مارس نیز برابر با ۹ هزارتن (۲۰ میلیون پوند) بوده که ۱/۸ هزارتن (۴ میلیون پوند) یعنی معادل ۱۵ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل می باشد.

کل بارگیری سال محصولی جدید تا پایان ماه مارس حدود ۱۴۳ هزارتن (۳۱۵ میلیون پوند) بوده که ۶/۳ هزارتن (۱۴ میلیون پوند) یعنی معادل ۴ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل است. کل بارگیری داخلی در سال محصولی جاری ۴۹/۴ هزارتن (۱۰۹ میلیون پوند) بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل با ۱۰ درصد کاهش مواجه بوده است. میزان کل صادرات سال محصولی جاری تا پایان ماه مارس نیز برابر ۹۳/۴ هزار تن (۲۰۶ میلیون پوند) بوده که ۱ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل است.

این چهارمین ماه متوالی است که بارگیری ها کاهش داشته است. میزان بارگیری های داخلی در طول سالهای

گزارش پسته آمریکا در ماه مارس به نقل از شرکت نیکولز

از چین و هنگ کنگ به طور نسبی با یکدیگر هماهنگ است، در حالی که بارگیری به مقصد چین بسیار فصلی بوده و طی سه سال اخیر به شدت افزایش داشته است. بر این اساس اگرچه کاهشی که در طی سه ماهه اخیر مشاهده می کنیم مربوط به نوسانات فصلی خرید های چین است ولی نوسانات سال جاری بسیار شدیدتر از فصول گذشته بوده است.

بررسی میزان بارگیری پسته خندان در شش ماهه اول فصل در طی پنج سال گذشته نیز نشان می دهد که بارگیری داخلی و بارگیری به مقاصد غیر از چین و هنگ کنگ در طول پنج سال گذشته تقریباً بدون تغییر بوده است و تنها رشد بازار چین موجب افزایش بارگیری ها شده است.

بعلت ادامه یافتن رکود بازار، قیمت پسته خندان با پوست روند کاهشی دارد. قیمتها در محدوده ۹۰۹۲ دلار در هر کیلو (۴۰۵ دلار در هر پوند) برای پسته اونس ۲۵/۲۱ می باشد، هرچند ارقام پایین تر از این نیز شنیده شده است.

منبع:

Nichols Farms, Volume 11, Issue 2, March 20, 2014



است. زمانی که تعداد ساعات سرمایای ناکافی است، دوره طولانی مدت گلدهی با همپوشانی ضعیف درختان نر و ماده مشاهده می شود. دوره طولانی مدت گلدهی منجر به تفاوت در زمان رسیدگی محصول در زمان برداشت و کاهش درصد محصول جمع آوری شده می شود.

بررسی آمار بارگیری های ماهانه به بازارهای داخلی، مقاصد غیر از چین و هنگ کنگ و بارگیری های به چین و هنگ کنگ در طی سه سال گذشته نشان می دهد که بارگیری به بازارهای داخلی و مقاصد غیر

بازار پسته همچنان روزهای آرامی را سپری میکند. بارگیری محصول پسته با پوست طی ۳ ماه اخیر به شدت کاهش یافته است. فراهم بودن آب هنوز به عنوان اصلی ترین دغدغه باغداران محسوب می شود. گلدهی درختان به سرعت پیش می آید و پیامد های زمستان خشک و گرم بر گلدهی به زودی مشخص می شود.
رقابت در دسترسی به آب در مناطق مواجه با کمبود منابع آبی، موجب تاثیر بر قیمتهای بازار برخی محصولات کالیفرنیا، همانند بادام و پسته شده است. به اعتقاد ما پسته به علت بازگشت سرمایه خوب، میزان آب مناسبی دریافت خواهد کرد ولی شرایط هر باغدار متفاوت می باشد. برای اولین بار طی سالیان گذشته، آب به عنوان یک اهرم برای متعهد کردن باغداران (به تحویل محصول) توسط ترمینالهای فراوری مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

انتظارهای گرم و خشک وجود دارد و گلدهی پسته در مدت کوتاهی انجام خواهد شد. درخت پسته میزان معنی داری ساعات سرمایای در طول دوره خواب نیاز دارد و با اینکه تعداد این ساعات سرمایای در بیشتر مناطقی که اندازه گیری شده، بالا بوده است اما تاثیر بالا بودن بیشتر از معمول دما در طول روز، هنوز ناشناخته

اهمیت مساله باقیمانده سموم در تجارت پسته

باغداران و صادرکنندگان پسته کشورمان را از جزئیات مهم قوانین امنیت غذایی اتحادیه اروپا و عواقب آن‌ها بر تولید و صادرات این محصول مطلع سازد.

به این منظور انجمن پسته ایران، ۱۵ سم از پرمصرف‌ترین سموم مورد استفاده در باغات پسته ایران را شناسایی کرده و حدود مجاز این سموم را نیز از منبع اصلی اتحادیه اروپا استخراج کرده است. در جدول ذیل (جدول ۱) نام تجاری، نام عمومی و حد مجاز هر یک از این سموم ذکر شده است.

توجه باغداران عزیز را به این مطلب مهم جلب می‌کنیم که مصرف بی‌رویه سموم و همچنین کاربرد سموم در زمان‌های نامناسب (نزدیک به برداشت محصول) موجب افزایش باقیمانده سموم در پسته تولیدی می‌شود. در نتیجه پسته‌هایی که دارای باقیمانده سموم بالاتر از حد مجاز هستند در بازارهای اروپا قابل عرضه نخواهند بود. در این خصوص، لازم است که باغداران توصیه‌های درج شده روی برچسب ظروف سم که حاوی اطلاعات لازم در خصوص زمان ماندگاری اثر سم است را به دقت مطالعه کرده و از استفاده سموم در دوره‌های نزدیک به زمان برداشت، اکیداً خودداری کنند.

و علمی باقیمانده سموم در مرکز همایش‌های ویساليا در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۱۴ (۱۲ فروردین) برگزار شد. این کارگاه آموزشی به شرکت کنندگان کمک می‌کرد تا تغییرات در قوانین امنیت غذایی شرکای تجاری (واردکنندگان پسته در کشورهای مختلف) را درک کنند و بینش عملی‌تری نسبت به نحوه تدوین قوانین باقیمانده سموم و چگونگی ارتباط آن با برنامه‌ریزی مدیریت تلفیقی آفات و رابطه آن با کسب‌وکار صادرات در چارچوب آینده تجارت جهانی پیدا کنند. شایان ذکر است موضوعات کارگاه آموزشی شامل اصول باقیمانده سموم، محدودیت‌ها و چالش‌های مدیریت تلفیقی آفات، علت تفاوت حدود باقیمانده سموم در نقاط مختلف جهان، پیچیدگی‌های منحنی‌های کاهش باقیمانده سموم در محصول، نحوه استفاده از بانک اطلاعاتی باقیمانده سموم و موافقتنامه‌های تجاری مربوط به مدیریت کیفیت تولید بود.

از آن‌جا که مسؤولین اجرایی امنیت غذایی اتحادیه اروپا، نام و حدود مجاز سمومی که برای مبارزه با آفات درختان پسته به کار می‌روند را منتشر کرده است، انجمن پسته ایران هم خود را موظف می‌داند که

دبیرخانه انجمن پسته ایران - مسؤولین اجرایی امنیت غذایی اتحادیه اروپا (European food safety Authority)، در حال تکمیل و انتشار اطلاعیه‌های مربوط به حدود مجاز باقیمانده سموم و ایجاد محدودیت‌های قانونی در واردات محصولات کشاورزی به کشورهای عضو اتحادیه اروپا هستند.

به موجب قوانین امنیت غذایی اتحادیه اروپا، محصولات کشاورزی که میزان باقیمانده سموم در آن‌ها بالاتر از حد مجاز باشد، اجازه ورود به کشورهای عضو را نخواهند داشت.

در این میان صنعت پسته ایالت کالیفرنیا آمریکا نسبت به این تحولات واکنش نشان داده و خود را برای شرایط جدید مهیا و آماده می‌کند. تا آنجا که انجمن باغداران پسته آمریکا نسبت به برگزاری کارگاه آموزشی باقیمانده سموم با تمرکز بر مدیریت تلفیقی آفات و مسائل مربوط به صادرات اقدام کرده است.

بر اساس توصیه این انجمن، تولیدکنندگان و صادرکنندگان پسته همواره باید از سطوح مجاز باقیمانده سموم هریک از بازارهای مقصد آگاه باشند. کارگاه آموزشی مذکور با هدف مرور عملی مسائل سیاسی

(جدول ۱) - حد مجاز باقیمانده ۱۵ سم پر مصرف در باغات پسته ایران

رتبه براساس میزان مصرف	نام تجاری سم	نام عمومی سم	نام متداول سم به فارسی	حد مجاز (میلی گرم به کیلوگرم) (ppm)
۱	Movento	Spirotetramat	موونتو	۰/۵
۲	Chlorpyrifos	Dursban	دورسبان	۰/۰۵
۳	Ethion		اتیون	۰/۰۲
۴		Diazinon	دیازینون	۰/۰۲
۵	Amitraz	Mitac	آمیتراز / میتاک	۰/۰۵
۶	Thiodan	Endosulfan	اندوسولفان / تیودان	۰/۱
۷	Consult	Hexaflumuron	کنسالت	۰/۰۵
۸	Confidor	Imidacloprid	کنفیدور	۰/۰۵
۹	Mospilan	Acetamiprid	استامی پراید / موسپیلان	۰/۰۶
۱۰	Envidor	Spirodiclofen	انویدور	۰/۰۵
۱۱	Roundup	Glyphosate	رانداپ / گلایفوزیت	۰/۱
۱۲	Zolone	Phosalone	زولون / فوزولون	۰/۰۲
۱۳	Sumithion	Fenitrothion	فنیتروتیون	۰/۰۲
۱۴	Sumicidin	Fenvalerate	فن والریت / سومیسیدین	۰/۰۲
۱۵	Decis	Deltamethrin	دسیس / دلتامترین	۰/۰۵

منابع:

http://ec.europa.eu/sanco_pesticides/public/?event=homepage

560=Pages/Post.aspx?pid/http://www.almondboard.com/Outlook2

مدیریت آبیاری درختان پسته در شرایط خشکسالی



تحقیقات چندساله در خصوص آبیاری درختان پسته نشان می دهد که با اتخاذ روش آبیاری مناسب، می توان در طول فصل رشد آب آبیاری قابل توجهی (تقریباً ۲۵/۴ سانتیمتر) برای درختان پسته ذخیره نمود. مواقع بحرانی که بهتر است آب آبیاری درختان پسته کاهش نیابد عبارتند از:

۱. زمان گل دهی تا پایان مرحله توسعه پوست سخت چوبی
۲. از زمان پر کردن مغز تا زمانی که پوست نرم رویی با حرکت انگشتان جدا می شود (مرحله رسیدن) روش کم-آبیاری برای درختان پسته در دوره های زیر می تواند مورد استفاده قرار گیرد:

۱. ۵۰٪ کاهش آبیاری در دوره سخت شدن پوست چوبی
۲. ۷۰ تا ۷۵٪ کاهش آبیاری در دوره پس از برداشت درصد آب مورد استفاده برای درختان پسته در دره سان جواکین کالیفرنیا برای شرایط رژیم کم-آبیاری تنظیم شده در جدول ذیل ذکر شده است.

رژیم کم-آبیاری درختان پسته در منطقه پسته خیز دره سان جواکین

مراحل رشد	دوره رشد	زمان تقریبی	سطح کم-آبیاری تنظیم شده (%)
مرحله اول	گلدهی	۱۲ تا ۲۶ فروردین	۱۰۰
	خارج شدن برگ	۲۷ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت	۱۰۰
	توسعه پوست چوبی	۱۱ تا ۲۵ اردیبهشت	۱۰۰
مرحله دوم	سخت شدن پوست چوبی	۲۶ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد	۵۰
	سخت شدن پوست چوبی	۱۱ تا ۲۵ خرداد	۵۰
	سخت شدن پوست چوبی	۲۶ خرداد تا ۹ تیر	۵۰
مرحله سوم	پر کردن مغز	۱۰ تا ۲۴ تیر	۱۰۰
	پر کردن مغز	۲۵ تیر تا ۹ مرداد	۱۰۰
	پر کردن مغز/ از هم جدا شدن پوست سخت	۱۰ تا ۲۴ مرداد	۱۰۰
	خندان شدن	۲۵ مرداد تا ۹ شهریور	۱۰۰
	رسیدن	۱۰ تا ۲۴ شهریور	۱۰۰
پس از برداشت	برداشت	۲۵ شهریور تا ۸ مهر	۲۵
	پس از برداشت	۹ تا ۲۳ مهر	۲۵
	پس از برداشت	۲۴ مهر تا ۹ آبان	۲۵
	پس از برداشت	۱۰ تا ۲۴ آبان	۲۵

منبع:

http://ucmanagedrought.ucdavis.edu/Agriculture/Crop_Irrigation_Strategies/Pistachios

پرونده‌ی گردشگری کیش

خانواده پسته ایران برای توسعه بازار گردشگری آمدند

فراهم شود که ضمن تعامل با یکدیگر اوقات مفرحی را در جزیره کیش سپری کنند.

نیمروز دوم کاری انجمن با محوریت مباحث توسعه‌ی آینده باغات، با سخنرانی محمد حسین کریمی‌پور تحت عنوان نگاهی به مساله آب صبح پنج‌شنبه هشتم اسفندماه ۹۲ کلید خورد.

پس از آن مهدی آگاه عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران در سخنرانی خود به پرسش استراتژیک صنعت پسته ایران: پسته بکاریم یا نکاریم؟ پاسخ گفت.

"چشم‌انداز تحولات آبی اقتصاد کلان ایران در سال ۹۳" عنوان سخنرانی دکتر فرشاد فاطمی بود که ارائه شد. پس از آن دکتر حافظ کمال هدایت و دکتر علینقی مشایخی ارائه مشترکی تحت عنوان توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی راهی برای خروج از رکود داشتند. پایان بخش روز کاری دوم گردشگری پرسش و پاسخ و بحث‌وگفت‌وگو بود.

سومین نیمروز کاری سفر کیش هم به جلسه مشترک باغداران عضو انجمن با محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، عباس رجایی رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی، عباس کشاورز معاون تولیدات گیاهی وزارت جهاد کشاورزی، محمدحسین شریعتمدار مشاور عالی وزیر و رئیس دفتر کشاورزی و آب اتاق ایران و عیسی کلاتتری رئیس خانه کشاورز اختصاص یافت تا سومین نیمروز کاری گردشگری انجمن پسته ایران به پایان برسد.

با هدف اطلاع‌رسانی از مهم‌ترین رویداد اجتماعی صنعت پسته ایران، پرونده‌ی سفر کیش منتشر شد تا امکان بهره‌مندی از مباحث و مطالب مطرح شده برای تمامی اعضای انجمن پسته ایران فراهم شود. در حاشیه‌ی این گردشگری با شماری از چهره‌های شاخص و مدیران ارشد دولتی نیز مصاحبه انجام شد که در این پرونده، در کنار متن سخنرانی‌های ارائه شده است.

دومین گردشگری انجمن پسته ایران با حضور خانواده بزرگ صنعت پسته ایران، مدیران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در سطح ملی و چهره‌های شاخص اقتصادی کشور در جزیره کیش برگزار شد.

این گردشگری که با هدف تعامل فعالان صنعت پسته با یکدیگر، شناخت و درک بهتر از فضای کسب و کار و رقابت در بازارهای داخلی و خارجی، فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی صنعت، گفت‌وگو و طرح مسایل بخش خصوصی با مدیران ارشد دولتی برگزار می‌شد، با استقبال بیش از ۲۵۰ نفر از فعالان صنعت پسته همراه بود.

آیین آغاز به کار این گردشگری صبح چهارشنبه هفتم اسفندماه در سالن کنفرانس‌های هتل مارینا پارک با سخنرانی محسن جلال‌پور رئیس هیات مدیره انجمن پسته ایران کلید خورد. پس از آن حمید فیضی دبیرکل انجمن پسته ایران در سخنرانی خود گزارشی از فعالیت‌های انجمن را ارائه داد. پس آن موافقت‌نامه انجمن پسته ایران با وزارت جهاد کشاورزی به امضای دو معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس هیات مدیره انجمن پسته ایران رسید. علی نظری عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران دیگر سخنران این مراسم بود که به تشریح ساختارهای مدیریت در صنعت پسته ایران پرداخت. در ادامه چارلز نیکولز یکی از شخصیت‌های موثر صنعت پسته کالیفرنیا که مهمان انجمن پسته ایران بود در سخنرانی خود ساختارهای مدیریت در صنعت پسته کالیفرنیا را تبیین کرد.

دکتر علینقی مشایخی بنیانگذار دانشکده مدیریت دانشگاه صنعتی شریف هم در سخنرانی خود تحت عنوان "اصلاح ساختارهای مدیریتی با هدف افزایش بهره‌وری و توان رقابت" را ارائه داد و در ادامه به پرسش‌های حاضران در جلسه پاسخ گفت تا اولین نیمروز کاری گردشگری صنعت پسته ایران به پایان برسد و این امکان برای فعالان صنعت پسته و خانواده هایشان



محسن جلال پور رییس هیات مدیره انجمن پسته ایران با اشاره به امضای تفاهم نامه همکاری با وزارت جهاد کشاورزی ابراز امیدواری کرد:

خلاء ۷۰ ساله در صنعت پسته ایران پر شود

جلال پور اظهار داشت: شنیدن مشکلات و مسائل پسته ایران و بازارهای جهانی توسط مدیرانی که بایستی برای این صنعت تصمیم گیری کنند، یک فرصت است و همکاری و پشتیبانی این بزرگان یکی از بهترین دستاوردهای این همایش می تواند باشد.

رییس هیات مدیره انجمن پسته ایران با اشاره به این که انجمن پسته ایران برای اولین بار در این همایش قصد دارد که تفاهم نامه ای را با وزارت جهاد کشاورزی و با پشتیبانی همه ی قوای حاکمیتی امضا کند، افزود: کار بزرگی است و بیش از ۷۰ سال در صنعت پسته ایران، خلا آن محسوس بوده است.

او ادامه داد: ما بیش از هفت دهه در پسته هستیم ولی هنوز پایه مناسب نداریم و هنوز پیوند مناسب برای پسته را در کشور شناسایی نکرده ایم.

جلال پور این تفاهم نامه را همکاری بین انجمن پسته به عنوان متولی صنعت پسته با وزارت جهاد کشاورزی توصیف کرد و گفت: در ۶ نقطه مناسب کشور باغ های نمونه ای ایجاد خواهد شد تا هم پایه های مختلف پسته و هم پیوندهای مختلف و هم هوای مختلف را در این باغات ببازماییم.

او ابراز امیدواری کرد: طی ده سال آینده به رتبه ای برسیم که صنعت پسته ایران، دارای شناسنامه و برنامه و مکان سنجی، نیازسنجی و شناخت پایه مناسب با اقلیم کشور و ... باشد.

او ادامه داد: امیدوارم بتوانیم پایه و پیوند مناسب را به کسانی که می خواهند در این صنعت سرمایه گذاری کنند، توصیه کنیم.

جلال پور با بیان این که صنعت پسته طی سال های گذشته بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان در کشور سرمایه گذاری کرده است، هشدار داد: اگر امروز از ما به عنوان مدیران انجمن پسته بپرسند که بزرگترین سرمایه این صنعت چیست، می گوییم: بازار ۱/۵ میلیارد دلاری در دنیا که با خون دل، رنج، هزینه و مشقت فراوان حاصل شده است و امروز وظیفه داریم این بازار را برای نسل آینده و کشور حفظ کنیم. این بازار نیاز به تحقیق، نیاز به بروز رسانی، نیاز به شناخت رقیب، نیاز به تولید با وضعیت رقابتی و در جریان مسائل علمی قرار گرفتن دارد.

او با بیان این که حفظ بازار بزرگ ایران در دنیا وظیفه و رسالت ماست، گفت: امیدوار هستیم با امضای این تفاهم نامه این حرکت در این صنعت شروع شود و نتایجش به نسل های بعدی خدمت کند و امیدواریم بتوانیم باغ و باغریزی را در نقاط جدیدی در کشور داشته باشیم و این ثروت بزرگ را برای مردم کشور حفظ کنیم.



میزان ارزآوری و به جهت اشتغال که در اولویت کارهای کشور است، نیاز دارد که به صنعت پسته و حضورش در بازارهای جهانی توجه کند.

او با بیان اینکه دغدغه امروز جامعه، مجلس، دولت و اتاق بازرگانی اشتغال، ارزآوری و اقتصاد وابسته به ظرفیت ها و توان داخلی است، گفت: پایه های اقتصاد مقاومتی که امروز از آن یاد می شود را در کشور جدی بگیریم. او با تاکید بر این که صنعت پسته الگوی خیلی واضح و موجهی برای اقتصاد مقاومتی است، گفت: صنعت پسته بیشترین ارزآوری و استقلال جدی در تولید دارد و طی ۳۵ سال بعد از انقلاب با هر مشقت و مشکل و مسئله ای که در عرصه بین المللی داشتیم، همواره خودش را در بازارهای جهانی نشان داده است.

رییس هیات مدیره انجمن پسته ایران با بیان این که امروز ما می اندیشیم برای پسته به عنوان صنعتی که هم اقتصاد و هم فرهنگ ایران را در همه ی دنیا ترویج می کند، چه باید بکنیم، گفت: حضور آقای نیکولز و ارتباط بین پسته ایران و آمریکا که دو تولیدکننده بزرگ پسته دنیا هستند، جزء دستاوردهای این صنعت است.

ماهنامه پسته - رییس هیات مدیره انجمن پسته ایران در دومین گردهمایی این انجمن در کیش با بیان این که تقریباً همه ی دنیا ایران را با نام صنعت پسته می شناسند، گفت: در طول سال های گذشته با همه همتی که بخش خصوصی و تشکلهای بخش خصوصی داشتند و همه حمایت هایی که صورت گرفت، امروز صنعت پسته در وضعیتی قرار دارد که نسبت به دو دهه یا یک دهه قبل افت تولید را پیش رو دارد.

محسن جلال پور افزود: امروز این صنعت در وضعیتی قرار دارد که میزان صادراتش نسبت به دهه ی ۸۰ کمتر شده و میزان برداشت در هر هکتار از ۱۲۰۰ کیلو در دهه ی ۸۰ به کمتر از ۷۰۰ کیلو در دهه ی ۹۰ شمسی رسیده است.

رییس هیات مدیره انجمن پسته خاطر نشان کرد: امروز رقیبی مثل پسته آمریکا را داریم که هر روز بهره وری بالاتر، قیمت تمام شده پایین تر و میزان حضورش در بازارها جدی تر است.

او با بیان این که صنعت پسته یک صنعت ملی و یک دغدغه ملی است، یادآور شد: امروز کشور به جهت

حمید فیضی دبیر کل انجمن پسته ایران مطرح کرد:

در این هفت سال قدم‌های بزرگی برداشتیم

ما امیدواریم که بتوانیم در ادامه‌ی راه، به همت اعضا گام‌های بزرگتر و ملموس‌تری برداریم.

فیضی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این که در اساسنامه انجمن پسته ایران به روشنی عنوان شده است که تنها هدف انجمن حفظ و توسعه صنعت پسته ایران است، گفت: اگر عضو انجمن هستید از شما متشکریم و اگر عضو انجمن نیستید از شما دعوت می‌کنیم که به همکاران و دوستان خود بپیوندید.

او افزود: بارها از من پرسیده‌اند که چرا باید عضو انجمن باشیم؟ پاسخ من تنها به این واقعیت اشاره دارد که شما بعنوان یک عضو، مالک نام انجمن، مالک اعتبار آن و مالک همه آنچه هستید که بدست آورده یا بدست خواهد آورد.

دبیر کل انجمن پسته ایران خاطر نشان کرد: مهم نیست که مدیریت کنونی انجمن چه کسانی هستند و این مدیریت چه سرنوشتی خواهد داشت. مهم آن است که نام و اعتبار انجمن متعلق به اعضاست. پس همه با هم برای موفقیت و افزایش اعتبار آن بکوشیم.

بجای شما نیستیم، اما اطمینان داشته باشید که همه‌ی تلاش خود را بکار بسته‌ایم تا برنامه‌هایی در شأن این جمع فرهیخته فراهم کنیم.

او گفت: این گردهمایی، فرصتی برای بزرگان پسته ایران است تا انجمن خود و خانه پسته ایران را مورد ارزیابی و البته حمایت قرار دهند و همچنین در مباحث مرتبط با موضوعات استراتژیک صنعت پسته ایران و آینده آن شرکت نمایند.

او با بیان این که بدون هرگونه اغراق باید بگوییم که نگاهی به گذشته کوتاه انجمن، روشن می‌سازد که در مدتی کوتاه راهی طولانی طی کرده‌ایم و در این هفت سال قدم‌های بزرگی برداشتیم، افزود: انجمن پسته ایران در این سال‌ها دستخوش چنان تغییراتی شده است که یادآوری این تغییرات برای من نیز جالب توجه است.

فیضی با بیان این که امروز انجمن عضو قابل احترام و تأثیر گذار نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز دولتی و خصوصی مرتبط است، گفت: فعالیت‌های انجمن به پشت گرمی اعضای و بزرگان پسته انجام شده است. در هفت سال گذشته انجمن بزرگ نشده است، بلکه رشد کرده است و این رشد در سایه پایبندی هیأت مدیره به تغییر بدست آمده است و

ماهانامه پسته- دبیر کل انجمن پسته ایران در آیین آغاز به کار دومین گردهمایی انجمن پسته ایران در کیش در تبیین اهداف و رویکردهای گردهمایی سالیانه این انجمن با ابراز خرسندی از حضور فعالان صنعت پسته در این گردهمایی با اشاره به حضور ۱۸۰ نفر از اعضای گردهمایی سال قبل، گفت: حضور فعالان پسته در مقایسه با گردهمایی اول، ۴۰ درصد رشد را نشان می‌دهد و ما میزبان ۲۵۰ نفر از فعالان صنعت پسته ایران هستیم.

حمید فیضی افزود: استقبال بی‌نظیر اعضای انجمن پسته ایران برای حضور در این رویداد سالیانه، ما را در پایداری بر عهده‌ی که با اعضای خود بسته‌ایم، مصمم‌تر می‌نماید.

او خاطر نشان کرد: همچنان خود را متعهد به پیگیری حقوق فعالان پسته و حفظ و ارتقاء جایگاه صنعت پسته ایران در سطح ملی و بین‌المللی می‌دانیم.

فیضی با بیان این که آنچه که به مناسبت جشن سالیانه خانواده پسته ایران فراهم شده است، بهترین کوشش منتخبین شماس، اظهار داشت: اگر چه به هیچ‌وجه قادر به تأمین همه توقعات

دبیر کل انجمن پسته ایران در گفت و گو با ماهانامه پسته با اشاره به اهداف برگزاری گردهمایی سالانه مطرح کرد:

یکی از اهداف این گردهمایی، افزایش سرمایه اجتماعی اعضا است

کنیم؟ اوایل سال ۱۳۹۱، برای اولین بار ایده‌ی چنین گردهمایی مطرح شد. ما از نظر قانونی موظف هستیم سالی یکبار مجمع عمومی عادی را برگزار کنیم که مهم‌ترین بخش این مجمع عمومی عادی بحث فعالیت‌های سالیانه انجمن و صورت‌های مالی انجمن است. به جز این مجمع عمومی، هیچ رویداد دیگری که تعداد زیادی از اعضا شرکت کنند، نداشتیم. به صورت پراکنده جلسات عمومی‌تر با موضوعات بازار، تولید و مسائل مرتبط با صنعت در طی این سال‌ها برگزار کرده‌ایم، اما احساس ما این بود که به طور عام در ایران و در صنعت پسته، جای چنین برنامه‌هایی همیشه خالی بوده است. این نوع برنامه‌ها و این نوع گردهمایی‌ها یک فعالیت شناخته شده در همه‌ی دنیا است. یعنی همه صنایع مختلف دنیا

واقعیت این است که عمر انجمن، عمر کوتاهی است. امسال وارد هشتمین سال عمر انجمن شدیم. به تدریج یکسری فعالیت‌های جدید را به فعالیت‌هایی که انجمن انجام می‌دهد، اضافه کردیم؛ این هم یکی از همان فعالیت‌ها است. اگر هدف به عنوان مثال به انتخابات ارتباط داشت، دور قبلی که به انتخابات نزدیک می‌شدیم باید آنموقع هم این برنامه پیاده می‌شد. واقعیت این است که یکی از مهمترین فعالیت‌های انجمن کار فرهنگی و تبادل نظر با اعضایش است. بر این اساس نظر هیأت مدیره انجمن این است که ارتباط با اعضا را توسعه دهیم. بنابراین هر فرصت و هر برنامه‌ای که امکان این تبادل نظر را فراهم کند، از دید ما مطلوب است. اما چرا دو سال متوالی است که داریم این کار را می

ماهانامه پسته- با هدف اطلاع از نتایج سفر کیش و برگزاری دومین گردهمایی انجمن پسته ایران، با حمید فیضی دبیر کل این انجمن به گفت‌وگو نشستیم. تا هم جمع‌بندی از این سفر داشته باشیم و هم پاسخ شفافی در خصوص برخی از ابهامات بگیریم.

آقای فیضی! هدف انجمن پسته از برگزاری این گردهمایی‌ها چیست؟ آیا با نزدیک شدن به انتخابات دور بعد هیأت مدیره است که دو سال متوالی است که دارید این گردهمایی‌ها را برگزار می‌کنید یا اهداف دیگری دارید؟
سوال مهمی است، به خصوص بخش دوم سوال‌تان.

حتی آن‌هایی که جنبه عام‌المنفعه و عمومی دارند، سالی یکبار در یک محیط دوستانه‌تر دور هم جمع می‌شوند. به عنوان مثال صنعت بادام آمریکا، صنعت پسته کالیفرنیا، حتی صنعت فندق ترکیه، یا مثلاً شورای جهانی خشکبار INC چنین گردهمایی را هر سال دارند برگزار می‌کند. واقعیت این است که این ایده، یک ایده خودجوش از درون ما نبوده است. از تجربه‌ای است که در همه جای دنیا وجود دارد.

ایجاد شد؟ آیا آن ارتباط گسترده‌تر و عمومی‌تر

ما در گردهمایی کیش چند هدف را پیگیری می‌کنیم. یکی از اهداف این گردهمایی، افزایش سرمایه‌ی اجتماعی اعضا است که سرمایه اجتماعی اعضا در واقع همان ارتباطاتی است که اعضا با هم پیدا می‌کنند. من فکر می‌کنم صرف نظر از اینکه چه کسانی و چه تعداد آمدند، این گردهمایی فرصت مناسبی برای این موضوع ایجاد کرد.

توجه بفرمایید که ما در این گردهمایی هیچ محدودیتی برای اینکه اعضای خانواده حضور داشته باشند، ایجاد نکردیم. حتی تشویق می‌کردیم که اعضای خانواده فعالان شرکت کنند. چون فکر می‌کردیم این فرصتی است برای اعضا که هم به مباحث کاری بپردازند و هم اینکه خانواده‌ها در کنار هم باشند. احساس ما این بود که این کار، ارتباطات اجتماعی را بیشتر می‌کند و افزایش ارتباطات اجتماعی، طبیعتاً می‌تواند به نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌ها و افزایش ارتباطات کاری منجر شود و در این دوسال این اتفاق افتاد. اعضا از اینکه این گردهمایی یک چنین فرصتی برایشان ایجاد کرده، خیلی راضی بودند.

آقایانی که در صنعت پسته کار می‌کنند در طول سال و به دفعات سفر کاری دارند ولی این گردهمایی شاید جزء معدود سفرهایی باشد که سفر کاری است و در عین حال اعضای خانواده هم کنارشان هستند. ضمن اینکه ما فکر می‌کنیم که به هر حال نسل بعدی صنعت پسته، فرزندان همین افراد هستند. اینکه این فرزندان هر سال این امکان را داشته باشند حتی به طور غیر حرفه‌ای، در جمع فعالان صنعت قرار بگیرند آنها را آماده می‌کند تا مسوولیت‌ها را در آینده با دید بازتر و آمادگی بیشتری به عهده بگیرند.

به دلیل اینکه افراد از شهرستان‌ها و استان‌های مختلف می‌آیند این فرصت پیش می‌آید که ارتباطات کاری هم بیشتر شود و توسعه فعالیت حرفه‌ای اعضا هم در این گردهمایی اتفاق بیافتد.

هدف دیگری هم که انجمن در این گردهمایی‌ها

به دنبال آن بود، مطرح کردن بحث‌های استراتژیک مرتبط با صنعت است. در مجامع عمومی که به طور قانونی اکثریت اعضا حضور دارند و باید حضور داشته باشند، عموماً چون وقت محدود است به دستور کار مجمع مثل صورت‌های مالی، عضویت‌ها و آیین نامه‌ها پرداخته می‌شود. شاید کمتر این فرصت پیش می‌آید که بتوان به بحث‌های زیربنایی و استراتژیک در صنعت پسته پرداخت. ما در این دو سال سعی کردیم که این مباحث را در گردهمایی بگنجانیم تا همه‌ی اعضا بتوانند راجع به آن اظهار نظر کنند و فرصتی برای تبادل نظر و تبادل افکار فراهم کنیم. یکی دیگر از اهدافی که ما پیش‌بینی کردیم و در این دو سال هم سعی کردیم به آن بپردازیم، ترسیم آینده انجمن است. اینکه انجمن ما در آینده به کجا خواهد رفت؟ حرکت و مسیر آینده انجمن چگونه باید شکل بگیرد؟

به نظر من در گردهمایی دوم به این مقوله کمتر پرداخته شد.

بله؛ قبول دارم. در گردهمایی سال گذشته، یک روز کامل را به این بحث اختصاص دادیم. ولی در گردهمایی امسال به خاطر وقت محدود و تعدد موضوعات، کمتر به این بحث پرداخته شد.

خیلی‌ها نظرشان این بود که باید این گردهمایی یک روز دیگر هم ادامه پیدا می‌کرد و این مقوله به دستورکار گردهمایی اضافه می‌شد. نظر شما در این مورد چیست؟

نه تنها من، بلکه هیأت مدیره نیز به شدت با این موضوع موافق هستند. حتی این موضوع سال گذشته هم مطرح شد. امسال، یعنی سال ۹۲ سعی کردیم که این درخواست را جواب دهیم و اجرا کنیم. ولی به دلیل افزایش هزینه‌ها، ناچار شدیم که مجدداً دو روز برگزار کنیم. هر یک روز افزایش تعداد روزهای گردهمایی، هزینه‌های زیادی را به اعضا تحمیل می‌کند، بخصوص وقتی که با خانواده می‌آیند.

آیا نمی‌شد با تمهیداتی از خیلی از هزینه‌ها بکاهیم که فعالان بیشتری بتوانند شرکت کنند؟ به بیان خیلی واضح تر باید بگویم که سفر کیش، یک سفر لوکس برای برخی از اعضای شما محسوب می‌شود و همه اعضای شما امکان حضور را ندارند. شما این نقد را قبول دارید؟

این بحث به ما هم منتقل شده است. واقعیت این است که اصولاً خدمات گردشگری و اقامتی در جزیره

کیش، گران است. نه در جزیره کیش، بلکه در بسیاری از شهرهای توریستی و گردشگری ایران این مسئله هست. دلیلش هم محدودیت امکانات توریستی ماست. نکته بعدی اینکه گردهمایی سالیانه انجمن در پرمسافرتین فصل سال، در جزیره کیش برگزار شد که گران‌ترین فصل سال هم است. چون جزیره کیش براساس فصل، قیمت‌هایش تغییر می‌کند.

ما هزینه‌های اقامت و هزینه‌های سفر را حتی ارزان‌تر از قیمت معمول جزیره کیش توانستیم تدارک ببینیم. دلیلش هم این است که ما بخش عمده ظرفیت هتل محل گردهمایی را رزرو کرده بودیم و قدرت چانه زنی داشتیم. چیزی که به نظر می‌رسد باعث گران شدن هزینه شد، هزینه‌ای است که برای حضور در گردهمایی از اعضا دریافت کردیم. دلیلش این است که علاوه بر هزینه سفر شامل؛ پرواز، اقامت، ترانسفر، صبحانه، ناهار، شام و موارد دیگری که مرتبط است، یک هزینه جداگانه هم به عنوان هزینه‌ی ثبت نام و حضور در گردهمایی پیش بینی کرده بودیم. این هزینه هم مشخص است که بابت چیست. بابت رزرو سالن همایش، تدارک امکانات صوتی و تصویری، فیلمبرداری و از همه مهم‌تر تأمین هزینه سخنرانانی بود که در گردهمایی حضور دارند. توجه بفرمایید که در دوسالی که گردهمایی برگزار شد سخنرانان این گردهمایی جز افراد تراز اول و برجسته کشور در رشته مورد نظر خودشان چه در مباحث اقتصادی و چه در مباحث دیگر بودند. باید توجه کنید که در هر دو دوره گردهمایی، تعدادی از مقامات تأثیرگذار دولتی را هم به گردهمایی دعوت کردیم. امسال انجمن تصمیم گرفت که مقامات دولتی را از حوزه‌های متنوع و متعددتری دعوت کند. این هزینه هم از محل ثبت نام تأمین می‌شود.

ما در انجمن اعتقاد داریم که اگر قرار است این گردهمایی بعنوان رویداد سالیانه صنعت پسته ایران مطرح شود و محلی برای گردهم آمدن اعضای انجمن و میهمانان خارجی باشد و به نوعی ویرترین یکساله پسته ایران باشد بایستی با تدارک بهترین امکانات و خدمات برگزار شود. لذا سعی کردیم بهترین امکانات جزیره کیش را فراهم کنیم. اما نکته قابل توجه آن است که هیچ محدودیتی برای اینکه اعضا با هزینه‌های کمتر بخواهند در جزیره کیش حضور پیدا کنند وجود نداشت. هیچ الزامی نداشتند که در هتلی که ما پیشنهاد و رزرو کرده بودیم اقامت کنند. حتی الزامی نداشتند از پرواز چارتر انجمن استفاده کنند. می‌توانستند خودشان با هر وسیله‌ای که فکر می‌کردند مناسب است به جزیره کیش بیایند. حتی خیلی از اعضای ما که در جزیره کیش واحد مسکونی

که در گردهمایی شرکت کنند، چرا که استان ایلام برنامه‌هایی برای توسعه پسته در آن منطقه دارد. اعضای که در گردهمایی حضور داشتند، حضور مقامات دولتی را مثبت می‌دانستند.

خیلی از کارشناسان صنعت پسته معتقد هستند که آینده تولید پسته از کرمان به استان‌های دیگر خواهد رفت. در چنین فضایی حضور غیر کرمانی‌ها در این همایش کم‌رنگ بود!

حتماً همینطور بوده است. باید به یک واقعیت توجه کنیم که بخش عمده صنعت پسته هنوز در استان کرمان متمرکز است. درست است که تولید استان کم شده ولی هنوز بخش عمده باغات پسته ایران در کرمان است و طبیعتاً اکثریت باغداران ما در استان کرمان متمرکز هستند. حتی در بحث تجارت، علیرغم اینکه تولید در استان کرمان در سال‌های گذشته رو به کاهش بوده ولی هنوز مرکزیت تجارت پسته ایران در کرمان است. بنابراین علت اینکه از استان‌های دیگر تعداد کمتری به چشم می‌خورد که حضور دارند، این است که تعداد فعالان پسته در استان‌های دیگر کمتر هستند.

و یک واقعیت دیگر هم وجود دارد، بخش عمده اعضای انجمن به دلیل همان سهم بالای استان کرمان در فعالیت‌های صنعت پسته، در استان کرمان هستند. به هر حال ما فکر می‌کنیم که این اتفاق تدریجی است، ما تلاش هم می‌کنیم و علاقمند هستیم که از استان‌های دیگر هم تعداد اعضای ما زیاد شود. ولی تا آنجا که یادم است از استان خراسان، سمنان، قم، مرکزی و قزوین تعدادی از فعالان آمده بودند و امیدواریم که در سال آینده استقبال بیشتری انجام شود.

یکی از مباحثی که در گردهمایی دوم همراه با حرف و حدیث‌هایی بود توافق‌نامه‌ای بود که بین بخش خصوصی و دولت بسته شد. علاقمند هستیم که توضیحات شفاف‌تری از جزییات این تفاهم‌نامه دهید؟

یکی از مهمترین کارهایی که در این گردهمایی کردیم و در واقع یکی از نتایج حضور دولتی‌ها، امضای یک چنین تفاهم‌نامه‌ای بود. تفاهم‌نامه‌ای که امضا شد بین انجمن پسته و وزارت جهاد کشاورزی، بود. قبل از برنامه کیش مدت‌ها روی آن کار کرده بودیم و گردهمایی کیش را فرصت مناسبی دیدیم که بتوانیم در مراسم رسمی آن را امضا کنیم.

واقعیت این است که یکی از زمینه‌هایی که خیلی

و صادرات پسته آمریکا در گلفود حضور دارند، شرکت‌های ایرانی هم همینطور.

تجربه امسال، نشان داد که خیلی خوب است که ما بتوانیم هر سال گردهمایی سالانه را از نظر زمانی هم مرز با نمایشگاه گلفود برگزار کنیم که مهمانان خارجی ما که علاقمند هستیم و تلاش می‌کنیم که تعداد بیشتر و افراد موثرتری را به این جمع دعوت کنیم، بتوانند راحت‌تر در گردهمایی شرکت کنند. فاصله کیش تا دبی بسیار کم است و پروازهای مرتبی وجود دارد. یکی از دلایلی که امسال هم فکر می‌کنیم در جزیره کیش برگزار خواهد شد همین است. نیازی به اخذ ویزا برای مهمانان خارجی وجود ندارد. امسال نمایشگاه گلفود در دهه سوم بهمن ماه است و ما هم تلاش می‌کنیم و علاقمند هستیم که بتوانیم همزمان و نزدیک به آن، گردهمایی را برگزار کنیم.

چرا در گردهمایی دوم حضور دولتی‌ها پررنگ بود. آیا اهدافتان از حضور دولتی‌ها محقق شد؟

انجمن پسته، یک انجمن کاملاً خصوصی و خوداتکا است. به هیچ عنوان برای نگهداری و اجرای فعالیت‌هایش نیازی به کمک دولت نداشته و ندارد. اما واقعیت این است که برای پیگیری اهداف صنعت پسته، ما حتماً و حتماً باید با دولت و مقامات دولتی تعامل کنیم. اعتقاد انجمن این است که حضور مقامات دولتی در چنین فضایی منجر به آشنا شدن آن‌ها با دغدغه‌های صنعت، با تحلیل‌هایی که صنعت از وضع موجود کشور و از سیاست‌های اجرایی و قانون‌گذاری کشور دارد، می‌شود. حضور دولتی‌ها در یک چنین فضایی و مطلع شدن از این مباحث، کمک خواهد کرد که در آینده تفاهم و هماهنگی بیشتری بین صنعت پسته و قانون‌گذاران و مجریان دولتی ایجاد شود.

ما اعتقاد داریم که این هم یک نوع کار فرهنگی است. در واقع با افزایش ارتباطات بین بخش دولتی و خصوصی، فکر می‌کنیم که آن‌ها با خواسته‌ها و طرز تفکر و دیدگاه‌های ما آشنا می‌شوند. حتی ما در صنعت با محدودیت‌هایی که در دولت و در بخش قانونگذاری است، بیشتر و بهتر آشنا می‌شویم. ما فکر می‌کنیم که این گردهمایی، به ویژه گردهمایی سال ۹۲ در این رابطه خیلی موثر بوده است. توجه داشته باشید که مقامات عالی‌رتبه از مجلس در گردهمایی حضور داشتند. سه نفر از معاونین وزیر جهاد کشاورزی حضور داشتند. از استانداری کرمان مدیرکل حوزه استاندار در گردهمایی حضور داشت. استاندار ایلام بودند که خود ایشان علاقمند بودند

خودشان یا نزدیکانشان بود، از هتل استفاده نکردند. فقط هزینه ثبت نام و حضور در همایش برای شرکت کنندگان الزامی بود.

در گردهمایی امسال، چند مهمان خارجی داشتیم؛ مدیر یکی از بزرگترین شرکت‌های تولید و صادرات پسته آمریکا آقای چارلز نیکولز در این گردهمایی شرکت کرد. از استرالیا یک مهمان داشتیم. همچون سال گذشته سردبیر مجله کلیپر در گردهمایی شرکت کرد. از شورای جهانی خشکبار، هم دبیرکل این شورا و هم مدیر بخش علمی اش آقای دکتر کالگانی خیلی تلاش کردند که بتوانند در گردهمایی شرکت کنند. به دلیل تداخل برنامه‌ها و اینکه نتوانستند پرواز مناسبی را تهیه کنند در روزهای آخر اعلام کردند که انصراف می‌دهند. می‌خواهم بگویم که یک چنین رویدادی که در جهان شناخته شده و عادی است، در ایران جایش خالی بوده و فرصتی را فراهم می‌کند که علاوه بر اینکه خود ما ایرانی‌ها و فعالان صنعت دور هم جمع شویم مهمانان خارجی و رقبای خودمان را هم در یک چنین گردهمایی بتوانیم دعوت کنیم تا هم شناخت بیشتری از صنعت ما بتوانند پیدا کنند و هم ما شناخت بیشتری از آن‌ها پیدا کنیم و اطلاعات و دانش متقابلمان را توسعه دهیم. لذا خیلی مهم است که آن را با چه کیفیت و چه خدماتی ارائه می‌دهیم. امیدوار هستیم که بتوانیم در سال جاری هم که آخرین سال هیأت مدیره فعلی است این گردهمایی را برگزار کنیم.

پس همایش سومی هم برگزار می‌شود؟ بله؛ حتماً. ما در انجمن این اراده را داریم که این رویداد را هر سال برگزار کنیم. اعضای ما چنین تقاضایی دارند. به هر حال فرم‌های نظرسنجی هم که دریافت کردیم نشان می‌دهد که اعضا بسیار استقبال می‌کنند.

و باز هم در کیش؟

این سوال را خیلی‌ها از ما می‌پرسند که چرا در کیش؟ برویم استان‌های مختلف. واقعیت این است که امکانات اقامتی و گردشگری در کیش، فراهم‌تر است. برای امسال هم هنوز تصمیم گرفته نشده و به احتمال خیلی زیاد در همان جزیره کیش خواهد بود. ما گردهمایی دوم را تقریباً همزمان با نمایشگاه گلفود دبی برگزار کردیم. این نمایشگاه به تدریج دارد به یکی از مهمترین نمایشگاه‌های مواد غذایی و از جمله پسته در دنیا تبدیل می‌شود و شرکت‌کنندگان مختلفی از سراسر دنیا در این نمایشگاه شرکت می‌کنند. حتی می‌توانم بگویم تمام شرکت‌های بزرگ تولید

به آن انتقاد داریم بخش تحقیقات است. همواره می‌گوییم که تحقیقات برای صنعت پسته کاری نکرده، تحقیقات تقاضا محور نیست، محققین براساس علائق خودشان تحقیق می‌کنند نه بر اساس نیازهای صنعت، اگر هم تحقیقی کرده‌اند این تحقیق به عرصه و به باغدار منتقل نشده است. بنابراین ما در انجمن به این موضوع فکر کردیم که به جای اینکه انتقاد کنیم گامی هم برای بهبود تحقیقات در این حوزه برداریم. توجه باید داشته باشید در کشورهای دیگر مثلاً آمریکا که رقیب جدی ماست و سابقه پسته کاری‌اش کمی بیشتر از حدود سی سال است، دارند تحقیقات گسترده‌ای می‌کنند و شکل صنفی پسته‌شان یعنی انجمن باغداران آمریکا، بودجه بسیار زیادی برای تحقیقات، شناسایی و معرفی پایه‌ها و ارقام جدید و در واقع پاسخگویی به نیازهای صنعت اختصاص می‌دهد.

در ایران به صورت پراکنده خیلی از باغداران فعالیت‌های تحقیقاتی می‌کنند که سوالاتشان را بتوانند پاسخ دهند. به یک شکلی تحقیقات شخصی است، ولی تحقیقات منسجمی که بخش خصوصی مجری آن باشد و نتایجش، انتشار عمومی یابد انجام نشده است.

در این راستا در انجمن فکر شد که مهمترین مسئله‌ای که در صنعت پسته نیاز به تحقیق دارد، چیست؟ یکی از موضوعات مهم، ارقام و پایه‌ها هستند. باید توجه داشته باشید که در سال‌های گذشته، پسته از استان کرمان به استان‌های دیگر رفته است. به ویژه در سه، چهار سال اخیر خیلی از استان‌هایی که اصلاً در زمینه پسته کار نشده بود و کسی هم تصور نمی‌کرد که مناسب پسته باشد، دارند به سمت پسته کاری می‌روند. سوال این است که اصولاً در این مناطق چه پایه‌هایی کشت می‌شود؟ چه پایه‌ها و ارقامی مناسب آنجا است؟ چیزی که الان دارد اتفاق می‌افتد این است که علاقمندان در استان‌های دیگر از همین پایه‌ها و ارقامی که به عنوان مثال در استان کرمان استفاده شده، دارند استفاده می‌کنند. باید توجه بفرمایید که به هیچ وجه ارقام و پایه‌هایی که در یک منطقه مناسب بوده، قابل توسعه برای منطقه دیگری نیست و هیچ اطلاعاتی هم در این زمینه وجود ندارد. چون شناسایی سازگاری پایه‌ها و ارقام کار بسیار پیچیده و طولانی مدتی است، نه در بخش دولتی سرمایه‌گذاری برای چنین تحقیقاتی شده، نه در بخش خصوصی.

انجمن فکر کرد برای اینکه نقش فعالانه در این حوزه داشته باشد، از موضع یک منتقد خارج شود و خودش به عنوان یک شریک در بحث تحقیقات

مطرح شود. در مذاکراتی که با وزارت جهاد کشاورزی داشتیم، توافق شد که آن‌ها زمین و آب که پایه چنین تحقیقاتی است را در اختیار انجمن قرار دهند و انجمن کار علمی و تحقیقاتی را با فراهم کردن امکانات لازم در این زمین‌ها در مناطق مختلف کشور انجام دهد. پایه‌های مختلفی که در ایران یا حتی در دنیا وجود دارد را در آن مزرعه تحقیقاتی یا باغ سازگاری جمع کند و به صورت پیوند روی پایه‌های مختلف آزمایش کند و بعد از دوره‌ی لازم که این دوره، حداکثر ده سال خواهد بود، بتواند در مناطقی که امکان توسعه وجود دارد پایه‌ها و ارقام سازگار آن منطقه و به عبارتی بهترین پایه و رقم مناسب هر منطقه را پیشنهاد کند.

سرمایه‌گذاری در احداث باغ پسته و تولید پسته یک سرمایه‌گذاری طولانی مدت است. اگر بعد از ده سال مطلع شویم که فعالیت و سرمایه‌گذاری که کردیم نتیجه بخش نیست و پولی که خرج کردیم بی‌نتیجه است، عملاً سرمایه‌های هزینه شده از بین رفته و به یک شکلی، آینده صنعت از بین رفته است. بنابراین انجمن با وزارت جهاد کشاورزی مذاکراتش را نهایی کرد و دو معاونت وزارت جهاد کشاورزی که با موضوع این تفاهم‌نامه مرتبط بودند، امضا کردند. واقعیت این است که اجرای این تفاهم‌نامه هیچ آورده مالی برای انجمن ندارد. طبیعی است که پیگیری و اجرای این تفاهم‌نامه، مدیریت و نگهداری این باغات و انتشار نتایج آن، یک کار و پروژه بسیار سنگین و یک پروژه اجرایی پر دردسری است. ولی به اعتقاد ما این جزء وظایف صنعت پسته است که در این خصوص گام بردارد و از حالت یک منتقد در حوزه تحقیقات به یک همکار در این حوزه تبدیل شود.

این ۶ نقطه کجا خواهد بود؟

ما در پیش نویس اولیه‌ی تفاهم‌نامه، اجرای آن را در ۱۸ منطقه کشور پیشنهاد داده بودیم. ولی وزارت جهاد کشاورزی به دلیل محدودیت‌هایی که داشت اعلام کرد که فعلاً در اولین فاز شش منطقه را در تفاهم‌نامه بیاوریم و بعد در حین اجرا می‌توانیم توسعه دهیم. این شش منطقه قطعی نشده است. فقط در تفاهم‌نامه قید شده که در شش منطقه کشور اجرا می‌شود. بعد از امضای تفاهم‌نامه جلساتی برگزار شده، در هفته آینده هم این جلسات ادامه پیدا خواهد کرد و در اولین قدم مناطق تعیین خواهد شد. طبیعی است که تعیین این مناطق تابعی است از امکاناتی که وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند بدهد و قطعاً این مناطق جزء همان ۱۸ منطقه‌ای هستند که در طرح اولیه وجود داشت.

احتمال دارد که در مناطق فعلی پسته کاری مثل رفسنجان این کار صورت بگیرد؟

هر دو بخش را می‌تواند در نظر بگیرد. به دلیل اینکه حتی به اعتقاد ما در مکان‌های سنتی تولید پسته ایران مثل رفسنجان، لزوماً ما نمی‌دانیم که بهترین پایه و رقم کدام است. در روستاها و مناطق مختلف شهرستان رفسنجان می‌بینید که پایه‌ها و ارقام مختلف جواب متفاوتی داده‌اند. نکته بعدی این است که امروز با تغییر شرایط آب و خاک، حتی در استان کرمان و در شهرستان رفسنجان نیاز به این است که بدانیم با شرایط آب و خاک کدام پایه و رقم بهترین عملکرد را دارد. بنابراین هیچ منافاتی ندارد مثلاً در رفسنجان هم باغ‌سازی احداث شود. اگر امکانات اجازه دهد ما فکر می‌کنیم که احداث این باغات سازگاری در مناطق جدید یک نیاز مبرم است و لازم است به آن بخش توجه ویژه شود به دلیل اینکه می‌تواند آینده توسعه صنعت پسته را تحت الشعاع خودش قرار دهد.

قرار نیست که منافع اقتصادی متوجه فرد یا افراد خاصی شود؟

طبیعتاً خیر. به دلیل اینکه مالک این تفاهم‌نامه انجمن پسته ایران است نه فرد خاصی. منافع یک چنین پروژه‌ای، یافته‌های آن است. منافع اقتصادی برایش متصور نیست. اگر فکر شود که این باغات سازگاری در نهایت یک درآمد مالی خواهد داشت، این درآمد به اعتقاد ما فقط جوابگوی هزینه‌های یک چنین پروژه‌ای خواهد بود. توجه بفرمایید که وزارت جهاد کشاورزی قرار است که فقط آب و زمین را بدهد؛ احداث باغ، تهیه نهال، هزینه نگهداری باغ با ملاحظات بسیار پیچیده‌تر، یعنی مدیر اجرایی، مدیر فنی، کارشناس تحقیقات و محققینی که آنجا کار خواهند کرد، بعهدۀ انجمن است. از همه مهمتر، در تفاهم‌نامه پیش‌بینی شده که انجمن وظیفه‌ی انتقال یافته‌ها را به عهده می‌گیرد. همه‌ی این‌ها هزینه‌ای دارد که بخش عمده‌اش از محل خود این باغات سازگاری باید تأمین شود. پروژه باغات سازگاری اگر اجرا شود، یک پروژه ده، پانزده ساله است. حتی اگر فرض هم کنیم که برای کسی منافع اقتصادی داشته باشد مدیران انجمن ثابت نیستند و تا یک سال آینده دوره هیات مدیره فعلی، به اتمام می‌رسد و این هیات مدیره دیگر نمی‌تواند انتخاب شوند و قرار هم نیست که انتخاب شوند و افراد جدیدی باید بیایند. منافع هم اگر باشد نمی‌توانیم بگوییم به فرد خاصی تعلق دارد، به انجمن تعلق دارد.

علی نظری عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران هشدار داد:

باغبانی و فروش پسته ایران مشکل ساختاری دارد



شرکت‌هایی با امکانات کافی و دانش خوب برای هرس و تربیت، آن گونه که درخت کم‌ترین انرژی را برای تولید چوب بکار ببرد، کنترل آفات بصورت هماهنگ با باغات مجاور و با اطلاع کامل از چگونگی اثر سم و رفتار حشره و امکان تجمع تجارب در شرکتهای مجری - مشاور از ویژگی‌های مهم باغبانی در ساختار مدرن است.

مشکل ساختاری در باغبانی، عیناً در فروش نیز وجود دارد. در این رابطه نبود شرکت‌ها و انجمن‌های متخصص هماهنگ و پاسخگو که قیمت را در بازار حفظ کنند و رقابت غلط فروشندگان غیر مسوول و غیر متخصص با یکدیگر که موجب زیان همگان می‌شوند از مشکلات ساختاری فروش است.

نظری راه عبور از برداشت ۷۰۰-۶۰۰ کیلوگرم در هکتار را، نگرستن به تمام فعالیت‌های باغبانی بطور کاملاً تخصصی دانست و گفت: باید به تدریج تمام این فعالیت‌ها توسط شرکت‌ها یا افراد متخصص و با تجربه انجام شود. در اجرای این هدف، مدیر باغ نقش کلیدی دارد و مدیر کسی است که پاسخگو است، برای پیشرفت برنامه دارد و در محیط رقابتی و با ارائه کارنامه خوب، انتخاب می‌شود. دومین راهکار برای عبور از برداشت ۷۰۰-۶۰۰ کیلوگرم در هکتار، جایگزینی پایه‌ها و پیوندهای شناسنامه‌دار و نوسازی باغات و توسعه باغات جدید با شرایط و روش فوق به صورت تدریجی است. تغییر ساختار مرکز تحقیقات برای همراهی با این نگاه، هم سومین راهکار است.

عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران با بیان این که کار را باید باغداران پیشرو آغاز کنند، از آن‌ها خواست: مهندسی را که این خدمات باغداری را ارائه می‌کنند، تشویق کنند که با سازماندهی مناسب به سایر باغداران نیز این خدمات را ارائه کنند.

با EC ۸ هزار، کاهش عملکرد ندارد و این درحالی است که غیر از برخی مناطق رفسنجان و انار، معمولاً EC آب حومه‌ی رفسنجان و کرمان زیر هشت هزار است. یعنی خیلی نمی‌شود گفت که کاهش عملکرد ما به دلیل شوری بوده است.

عضو هیات ریسه انجمن پسته ایران با طرح این سوال که تفاوت کاشت و داشت امروز ما، با مثلاً ۱۰۰ سال پیش چیست، گفت: ما بذری را که می‌خوریم، می‌کاریم و پیوندی را که نمی‌شناسیم، می‌زنیم. سبک آبیاری و تغذیه و هرس‌مان نیز بعید است فرقی کرده باشد. همه ما می‌دانیم هر بذر، شخصیت و ژنتیک جداگانه‌ای به لحاظ رشد، جذب عناصر، مقاومت به شوری و خشکی، مقاومت به قارچ‌ها و ... دارد. علیرغم آنکه گرده درخت نر تأثیر اساسی در خندانی، تعداد دانه در خوشه، میزان محصول و ... دارد اما درختان نر را حتی اسم‌گذاری هم نکرده‌ایم و نمی‌شناسیم. پیوندهایی هم که نام می‌بریم تقریبی است نه دقیق و هویت پیوندهایی که استفاده می‌کنیم دقیق نیست. حداقل در ۵۰ سال اخیر در باغداری دنیا، کشت فقط با بذره‌ای یا پدر و مادر معلوم یا فقط از طریق کشت بافت و سایر روشهای تکثیر قلمه ای انجام می‌شود، پیوندک فقط از باغ پیوندی یا مادری تحت نظر دولت گرفته می‌شود و پایه از پرقدردترین و مقاوم‌ترین گیاهان قابل پیوند شدن با پسته انتخاب می‌شوند. در حالیکه این ابتدائی ترین مقدمات را ما در ایران نه داریم و نه به آن توجه می‌شود.

نظری در ادامه با طرح این پرسش که صنعت باغبانی چیست؟ گفت: در ایران مالک، پیمانکار، مهندس، مجری، ناظر و محقق یک نفر است، و آنهم خود مالک است. در شرایط فعلی، مالک چاره دیگری هم ندارد. چون بقیه عوامل را بسادگی در اختیار ندارد. درحالیکه مثلاً ساختار صنعت ساختمان در پنجاه سال گذشته از حد خانه سازی روستایی که در آن مالک و پیمانکار و مهندس و تکنولوژی و محقق در مالک خلاصه می‌شود به این درجه از پیشرفت رسیده و به تمامی عوامل مهندسی و یا سطح خوبی از دانش دسترسی وجود دارد ولی باغبانی ما در همان حد باقی مانده است. دلیل اصلی این مسئله آن است که فعالیت‌های کشاورزی قابل کپی برداری صددرصد از خارجی نیست و هیچ شرکت یا شخصی بدون ارتباط نزدیک با مراکز تحقیقاتی محلی نمی‌تواند مسوولیت‌هایش را بخوبی و رقابت پذیر انجام دهد و کیفیت کار مراکز تحقیقاتی پسته ما هم در ایران روشن است. وجود شرکت‌های مهندسی مشاور، متخصصین مورداعتماد در ارزیابی آب و خاک، وجود مجربانی با ماشین آلات کافی برای اصلاح و بهبود خاک قبل از کاشت، وجود مجربانی با امکانات کافی برای تهیه بهترین نهال و پیوندهای مطمئن برای احداث، وجود

ماهانامه پسته- عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران در دومین گردهمایی این انجمن در تشریح ساختارهای مدیریت در صنعت پسته ایران، گفت: در چند سال اخیر تولید پسته در ایران حالت کاهشی دارد یا می‌توانیم بگوییم که ثابت است.

علی نظری افزود: میزان رشدی که در توسعه سطح باغات ایران اتفاق افتاده، متأسفانه در بهبود تولید اتفاق نیافتاده است، در حالیکه میزان پسته در سالیان اخیر در آمریکا افزایش قابل توجهی داشته است و این افزایش به خاطر افزایش میزان برداشت در هکتار و افزایش سطح زیر کشت اتفاق افتاده است (از متوسط ۱۰۰۰ کیلوگرم در هکتار در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ به متوسط کیلوگرم در هکتار در سالهای اخیر).

او با طرح این سوال که علت کاهش آمار تولید پسته در ایران چیست؟ یادآور شد: همهی ما یک سری دلایل مثل بحران آب و شوری، تغییر اقلیم و دیر بازده بودن درخت را می‌دانیم. ولی سوال من این است که همه واقعیت موضوع همین است یا دلایل دیگری هم می‌تواند داشته باشد؟ جهادکشاورزی اعلام می‌کند که سطح زیر کشت پسته ایران ۴۰۰ هزار هکتار است و بر اساس آمار انجمن پسته ایران، میزان تولید حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار تن است. یعنی در هکتار ۲۰۰ تا ۳۰۰ کیلوگرم پسته تولید می‌شود. به نظر می‌آید که ۴۰۰ هزار هکتار عدد درستی نیست و سطح زیر کشت ما چیزی حدود ۳۰۰ هزار هکتار است. یعنی عملکرد در هکتار ما در خوشبینانه ترین تخمین به طور متوسط حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلوگرم است و متوسط عملکرد ۱۲ ساله پسته ایران، ۶۱۵/۸ کیلوگرم در هکتار است. این در حالی است که متوسط عملکرد تولید پسته در آمریکا در ۵ سال گذشته حدود ۳۴۰۰ کیلوگرم در هکتار بوده است. استرالیا هم که حدود ۲۶-۲۵ سال است که تولید پسته را شروع کرده، تقریباً عملکردی در حدود ۳ یا ۴ تن در هکتار دارد.

نظری با بیان این که کمبود آب چالش تولید پسته در آمریکا هم هست، گفت: آمریکایی‌ها حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار متر مکعب در سال به پسته آب می‌دهند و ما در ایران نیز بطور متوسط همین مقدار آب را مصرف می‌کنیم. مثلاً در رفسنجان چیزی حدود ۶۰۰ میلیون متر مکعب آب در سال مصرف می‌شود که حدود ۴۱۰ میلیون متر مکعب این آب تجدید پذیر است و حدود ۱۹۰ میلیون متر مکعب آن تجدیدنپذیر است. اگر مصرف آب را ۶۰۰ میلیون متر مکعب در نظر بگیریم، با توجه به اینکه تقریباً در رفسنجان ۵۰ هزار هکتار سطح زیر کشت داریم. متوسط مصرف ۱۲ هزار متر مکعب در هر هکتار می‌شود. از طرف دیگر تقریباً همهی آمارها نشان می‌دهد که پسته در خاک با EC ۱۰ هزار یا آب

دکتر علینقی مشایخی بنیانگذار دانشکده مدیریت دانشگاه صنعتی شریف در دومین گردهمایی انجمن پسته ایران هشدار داد

برخورد غلط با نرخ ارز، پایه‌های تولید را از بین می‌برد!

صادرات کشور را می‌تواند خیلی خوب توسعه دهد.

بازار پسته مطمئن و رو به رشد

مشایخی ادامه داد: وقتی شما راجع به استراتژی صحبت می‌کنید، تحولات آتی محیط و تحولات فیزیکی، اولین عنصری است که باید به آن توجه کنید. برای استراتژی که می‌خواهید اتخاذ کنید، یکی از فاکتورهای محیطی بازار است. در پسته، بازار مساله‌ای ندارد و بازار، مطمئن و روبه رشد است.

او افزود: تولیدکننده‌ای مثل صنعت پسته آمریکا دارد با بهره‌وری بالا تولید و رشد می‌کند و بازار به اشباع نزدیک می‌شود. آن زمان می‌تواند تهدیدی برای ایران باشد و جا را برای پسته‌کارانی که بهره‌وری درستی نداشته باشند، تنگ می‌کند که ممکن است ۱۰ یا ۱۵ وحتى ۲۰ سال دیگر اتفاق بیفتد.

او تاکید کرد: باید افق‌های بلندمدت را دید و اگر نقصی در پسته و صنعت پسته ایران هست، رفع کرد تا در آینده بتواند پا به پای پسته‌کاران با بهره‌وری بالاتر، در بازار رو به رشد حضور داشته باشد.

این استاد دانشگاه با بیان این‌که بهره‌وری باغ‌های پسته در آمریکا را ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ کیلو در هکتار تخمین می‌زنند، گفت: متوسط برداشت محصول در کرمان را وزارت جهاد کشاورزی ۷۰۰ کیلو بر هکتار برآورد می‌کند، یعنی یک سوم یا یک چهارم آمریکاست.

او با بیان این‌که لازمی بقای صنعت پسته، افزایش بهره‌وری باغات موجود است، یادآور شد: اگر بهره‌وری افزایش پیدا کند، تولید بر هکتار افزایش می‌یابد، مصرف آب به ازای واحد تولید کمتر می‌شود، مرغوبیت محصول بیشتر خواهد شد، هزینه واحد محصول کاهش می‌یابد، سودآوری صنعت افزایش می‌یابد و ...

مشایخی با بیان این‌که بهره‌وری ابعاد مختلفی دارد، تاکید کرد: ما اگر بتوانیم فعالیت‌هایی مثل آبیاری، هرس، برداشت و فرآوری را با راندمان خوب و با بهره‌وری بالا انجام دهیم، جمع فعالیت‌هایی که با بهره‌وری بالا انجام می‌شود، بهره‌وری بالایی در کل ایجاد می‌کند.

مشایخی ادامه داد: اگر یک سازمانی بخواهد تولیدش را بالا ببرد ممکن است در هر کدام از فعالیت‌ها از خودش سوال کند که تولیداتش در آن فعالیت در مقایسه با بقیه در چه سطحی است. مثلاً فعالیتش در بازاریابی و فروش چطور است؟ چطور و با چه هزینه‌ای به مشتری دسترسی پیدا می‌کند؟ به چه طریق مشتری‌ها مطلع می‌شوند؟

او خاطرنشان کرد: وقتی می‌خواهیم راجع به پسته و باغ و باغداری پسته فکر کنیم باید نقشه‌ای درست کنیم که از اول چه عملیاتی انجام می‌شود تا پسته وارد بازار شود



ماهانامه پسته- بنیانگذار دانشکده مدیریت دانشگاه

صنعتی شریف در دومین گردهمایی انجمن پسته ایران در کیش با اشاره به استراتژی افزایش بهره‌وری صنعت پسته، برخی ویژگی‌های صنعت باغداری پسته، بهره‌وری در باغداری پسته، چارچوب نظری استراتژی افزایش بهره‌وری و تغییر از وضع موجود به ساختار مطلوب را تشریح کرد.

مشایخی با بیان این‌که تولید پسته در آمریکا به عنوان یک تولیدکننده عمده و رقیب پسته‌ی ایران طی سال‌های گذشته رو به افزایش بوده است، گفت: صادرات ایران از سال ۲۰۰۲ در حدود ۱۵۰ هزار تن ثابت یا حتی روند نزولی داشته است. اما صادرات آمریکا از حدود ۴۰ هزار تن در سال ۲۰۰۲ به ۱۴۰ هزار تن در سال ۲۰۱۲ رسیده است.

او با بیان این‌که جمع صادرات ایران و آمریکا در طی ده سال گذشته رو به افزایش بوده است، خاطر نشان کرد: علیرغم افزایش عرضه، قیمت پسته هم رو به افزایش بوده است. این نشان دهنده آن است که پتانسیل بازارهای جدیدی مثل شرق آسیا و برخی کشورهای آمریکای جنوبی بالاست و در کشورهای مختلفی هنوز بازارهایی هست که گشوده نشده و در نتیجه افزایش تولید پسته همراه با افزایش قیمتش نوید خیلی خوبی برای صنعت است.

او تصریح کرد: اگر اقلیم ایران اجازه دهد و دانش پسته ایران رشد کند، پسته یکی از حوزه‌هایی است که

و به دست مردم برسد و این عملیات زنجیره ارزش، با چه فعالیت‌هایی حمایت می‌شود تا بتواند انجام شود.

مشایخی افزود: بنابراین ما می‌توانیم چنین نقشه‌ای را برای کل صنعت پسته یا برای باغدار بزرگی که پسته می‌کارد، تهیه کنیم و برای هر فعالیتش سوال کنیم که راندمان چقدر است.

او با بیان این‌که راندمان و بهره‌وری می‌تواند نسبی باشد، ادامه داد: باید دید کسانی که کار را خوب انجام می‌دهند چطور انجام می‌دهند و ما چطور انجام می‌دهیم. در نتیجه کجا دست بگذاریم که راندمان و بهره‌وری ما را بالا ببرد.

او اظهار داشت: الان در اقتصاد دنیا innovation یعنی ابتکار، اختراع و ... است که تعیین می‌کند چه چیز بهره‌وری بیشتری دارد. یعنی یک کشور بر اساس ابتکار و ابداعی که دارد ارزش افزوده زیادی درست کند و مواد اولیه را هم از بقیه بگیرد و رقابت کند.

مشایخی با طرح این سوال که چقدر نوآوری، اختراع و دانش در صنعت پسته ما نفوذ پیدا کرده است، ادامه داد: وقتی که ساختار پسته آمریکا را نگاه می‌کنیم همه مقداری پول گذاشتند برای اینکه تحقیق انجام شود. برای اینکه می‌خواهند دانش را وارد صنعت‌شان کنند و برسند به بهره‌وری ۳ هزار کیلو یا ۳ هزار و ۵۰۰ کیلو بر هکتار.

مشایخی با بیان این‌که صنعت پسته ایران برای این‌که حضورش در بازارهای بین‌المللی ادامه پیدا کند و پر رونق‌تر شود، دو چالش در پیش دارد، گفت: چالش اول افزایش بهره‌وری باغات موجود است. چون وقتی هزینه‌ها بالا می‌رود یک راه مقابله این است که بهره‌وری را بالا ببریم. اگر از باغات به جای ۷۰۰ کیلو مثلاً ۲۰۰۰ کیلو یا ۳۰۰۰ کیلو برداشت کنیم، با بالا رفتن بهره‌وری، قدرت رقابت کمی بیشتر می‌شود؛ حتی اگر ارز ثابت باشد.

او گفت: اگر بگوییم بهره‌وری تولید پسته، سودآوری صنعت پسته را زیاد می‌کند، قدرت رقابتی صنعت پسته را زیاد می‌کند و می‌تواند توسعه پیدا کند عوامل مختلفی مثل دانش و مهارت باغداران، مدیریت باغداری، مقیاس تولید و موسسات مکمل و تأمین کننده، روی این بهره‌وری اثرگذار خواهند بود.

او ادامه داد: اگر بهره‌وری زیاد شود، سودآوری صنعت زیاد شود، و سودآوری صنعت سبب شود که بخشی از آن سود، در تحقیق و توسعه مصرف شود که دانش باغداری را زیاد کند، بهره‌وری بالا می‌رود. اینکه این موتور رشد بسته شود، مقداری به تصمیم خود باغداران بستگی دارد که آیا حاضرند یا می‌خواهند که بخشی از سودآوری‌شان را به تحقیق و توسعه تخصیص دهند یا نه.

مشایخی یادآور شد: آمریکایی‌ها این کار را در انجمن‌شان

یکی وجود یک نوع رقابت یا به هر حال سعی در عقب نیافتادن از همدیگر است، یکی بحث شرایط تقاضا است. وقتی صنایع در جایی شکل می‌گیرند تقاضای محلی برای شکل‌گیری‌شان وجود داشته است. بعد آن را به خارج برده‌اند. یعنی اگر تقاضای محلی نداشته باشد هسته شکل نمی‌گیرد. یکی دیگر صناعی هستند که مرتبط با صنعت اصلی است که حمایتش می‌کند.

او یادآور شد: وجود نیروی مناسب و ماهر یکی از شرایط توسعه صنعت است. در نتیجه سوال می‌شود شرایط نهادهای داخلی برای صنعت پسته چگونه است؟ ما چقدر نیرو داریم که پسته را علمی می‌شناسند؟ یعنی عملیات مختلف برای پسته و صنعت پسته را به طور علمی می‌شناسند و روی آن‌ها کار کرده‌اند؟

مشایخی ادامه داد: البته دانشکده کشاورزی داریم. مراکز تحقیقات کشاورزی داریم. حال باید دید چگونه آموزش‌هایشان به خصوص در مناطقی که پسته‌کاری فراوان دارد، مرتبط است. ما دانشگاهی‌ها ایرادی که به وزارت علوم می‌گیریم این است که یک برنامه آموزشی درست می‌کنند که همه‌ی دانشگاه‌ها در همه‌ی مناطق ایران باید همان را دنبال کنند، در صورتی که محتوای دوره باید متناسب با محیط اطرافش باشد تا بتواند با آن تعامل کند.

مشایخی افزود: شرایط رقابت یعنی وجود شرکت‌های پیشرو و الگو، برگزاری مسابقات و نمایشگاه‌ها، انتخاب بهترین‌ها طوری که شرکت‌ها از همدیگر یاد بگیرند و عقب نیافتند و از نظر رقابت در تأمین نیازهای داخلی با بخش بندی بازار و رقابت در بخش‌های مختلف بازار، ها، جلو بروند.

گروه الماس پسته تشکیل شود

او با اشاره به ضرورت فرایندهای تغییر، افزود: تشکیل یک گروه الماس از پسته‌کاران توسط شرکت‌های پیشرو، تشکیل تأمین کنندگان تخصصی با مشارکت شرکت‌های پیشرو و از هسته‌های داخلی آن‌ها، نشان دادن افزایش بهره‌وری توسط پیشگامان به سایرین و جذب سایرین به مجموعه الماس، توصیه می‌شود.

او ادامه داد: اگر این کار صورت بگیرد، عملکرد اعضای گروه الماس نسبت به سایرین افزایش پیدا کند. این موضوع سبب جذب بقیه به گروه الماس خواهد شد و کم‌کم مجموعه‌ی پسته‌کاران و باغداران و صنایع مکمل‌شان گسترش پیدا می‌کند.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: اگر به باغداری به عنوان یک صنعت نگاه کنیم، وقتی توسعه پیدا کند سازمان‌هایی درست می‌شود که مدیریت باغ را به عهده می‌گیرند و ممکن است بازدهی باغمان خیلی بیشتر از زمانی باشد که خودمان اداره می‌کنیم.

مشایخی در پایان به نقش سیاست‌های مدیران صنعت پسته و سیاست‌های بستر ساز دولت در رشد صنعت پسته تأکید کرد.

پایه‌های تولید را ضعیف می‌کنیم و خود به خود ارزش پول ملی را پایین می‌آوریم و بالاخره ارزش پایین پول ملی خودش را به صورت شوک‌هایی نشان می‌دهد که قیمت ارز چند برابر می‌شود و نمی‌توانیم تحملش کنیم. او با تأکید بر اینکه نیروهای اقتصادی این‌قدر قوی هستند که وقتی جمع می‌شوند، نمی‌شود مقابله با استادگی کرد و شوک‌های جدیدی به اقتصاد وارد می‌شود، افزود: افزایش قیمت جهانی پسته فقط به میزان ۴/۳ درصد در سال، که بسیار کمتر از افزایش هزینه‌های ناشی از تورم داخلی است، موضوع دیگری است که پسته ایران را تهدید می‌کند.

افت سطح آب‌های زیرزمینی؛ چالش ملی

او با اشاره به افت سطح آب‌های زیرزمینی و کاهش آب‌دهی چاه‌ها در منطقه، اظهار داشت: طی سال‌های گذشته به ذخایر آب بی‌توجهی شده و مجوزهایی که صادر شده سطح آب‌ها را پایین برده، کیفیت آب‌ها هم با پایین رفتن سطح کمتر شده است. کیفیت کم آب، هم هزینه‌های آبیاری را بالا می‌برد و هم اینکه بهره‌وری را پایین می‌آورد. این یک مسأله ملی است که در بیشتر دشت‌های ایران دچارش هستیم.

به سیاست‌های عقلانی‌تر نیازمندیم

مشایخی با بیان این‌که افزایش نرخ ارز در سال ۲۰۱۲ گشایشی در وضعیت سودآوری پسته کاران ایجاد کرد، گفت: ثبات نرخ ارز در سال‌های آینده و عدم کنترل تورم داخلی و افزایش قیمت انرژی و ادامه‌ی افت سطح آب می‌تواند شرایط را مجدداً برای صنعت پسته دشوار کند. مگر اینکه با سیاست عقلانی‌تری، اگر تورم داخلی بالا رفت، نرخ ارز را هم بگذاریم همراه با آن حرکت کند. به طوری‌که به تولیدکننده‌های داخلی لطمه وارد نکند. او خاطر نشان کرد: اگر ارز ثابت باشد و هزینه‌ها بالا برود، زمانی که پسته صادر می‌کنید نمی‌توانید جوابگوی هزینه‌ها باشید و نمی‌توانید رقابت کنید. ولی اگر قیمت ارز زیاده‌تر شود، قیمت کالای شما می‌تواند رقابتی باشد. در بازارها هم پسته ایران را می‌خرند و هم ورود کالاها به ایران مقداری خود به خود سخت‌تر می‌شود.

او خاطر نشان کرد: این سوال مهم و استراتژیکی است که ما چطور دروازه‌ی دانش را به صنعت پسته باز می‌کنیم که اگر باز نکنیم نمی‌توانیم تولید در واحد سطح را از ۷۰۰ کیلو بالاتر ببریم.

این استاد دانشگاه اظهار داشت: وقتی صنایع خاصی در کشورهای خاصی مثلاً ساعت سوئیس‌ها یا صنعت چرم و کفش ایتالیایی‌ها معروف شدند و بازار دنیا را گرفتند، مطالعه شد که این اتفاق چگونه افتاده است و ساختارشان چه بوده است و دریافتند که ساختارشان به طریقی است که ورود دانش به فعالیت‌ها را باز می‌کند. او ادامه داد: یک صنعت وقتی بخواند شکل بگیرد چند فاکتور روی هم اثر می‌گذارد تا از جا کنده شود و بالا برود. یکی فاکتور شرایط ورودی‌های صنعت است،

می‌کنند و بخشی از درآمدشان را صرف تحقیق و توسعه می‌کنند.

او بیان داشت: موتور رشد دیگر این است که سودآوری که زیاد شود، ممکن است آموزش نیروی انسانی و دانش باغداری زیاد شود. این که چقدر حاضر هستیم کسانی را که در باغات کار می‌کنند به دوره‌های کوتاه مدت بفرستیم که مهارت و دانششان زیاد شود، دست خود صنعت است. اگر بتوانیم بخشی از درآمد را صرف کنیم که چنین آموزشی اتفاق بیافتد، موسساتی به وجود می‌آیند که آموزش دهند و صنعت پسته، افراد را به آنجا می‌فرستد و در نتیجه مهارت‌ها زیاد می‌شود.

او خاطر نشان کرد: یکی دیگر از موتورهای رشد این است که وقتی که بهره‌وری منجر به سودآوری می‌شود، روی روش‌های آبیاری و تجهیزات سرمایه‌گذاری کنیم. او افزود: چالش دوم که به چالش اول مرتبط می‌شود این است که سرمایه‌گذاری در صنعت پسته افزایش پیدا کند. با توجه به ارزش افزوده بیشتر پسته نسبت به محصولات دیگر، منفعت ملی ما این است که اگر منابع آب و خاک محفوظی داریم چیزی بکاریم که در اقلیم ما ارزش بیشتری ایجاد کند و می‌توانیم با چیزهایی که احتیاج داریم مبادله کنیم. برای اینکه این اتفاق بیافتد و پسته توسعه پیدا کند باید سرمایه‌گذاری شود.

او با طرح این پرسش که چگونه سرمایه‌گذاری را جذب کنیم، گفت: یک راه، سودآوری صنعت است. طبعاً مردم در صنعتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که سودآور باشد. حتی اگر بلندمدت را نبینند. همین الان اگر ببینند که چیزی سودآور است به آن هجوم می‌برند. مشایخی افزود: سیاست‌های اقتصادی، کشاورزی و آب، نرخ ارز، سودآوری فعلی صنعت و اقلیم مناسب با منابع آب مطمئن، عواملی هستند که می‌توانند سرمایه‌گذار را جذب کنند.

دستوری برخورد نکنیم

او با اشاره به روندهای تهدیدآمیز صنعت پسته ایران یادآور شد: طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ باغداری یا صنعت پسته ایران مثل خیلی از صنایع دیگر، با یک‌سری مسائل روبه‌رو بوده است.

مشایخی افزود: افزایش هزینه‌های باغداری با وجود تورم دو رقمی در اقتصاد ایران، ثبات نرخ ارز علیرغم تفاوت فاحش تورم داخلی با تورم در کشورهای صنعتی، بازار داخلی و بازارهای خارجی را به ضرر تولیدکننده‌های داخلی شکل داده است و این باعث ضرردهی صنعت می‌شود و صنعتی هم که در آن ضرردهی شود، کسی سرمایه‌گذاری نمی‌کند. نرخ ارز یک قیمت بسیار کلیدی است که اگر درست با آن برخورد نشود، می‌تواند پایه‌های تولید را نه تنها در پسته در خیلی جاهای دیگر کشور از بین ببرد.

مشایخی به صراحت گفت: ارزش پول ملی با تولید بالا می‌رود و اگر به طور دستوری ارز را ثابت نگه داریم،

سخنرانی محمد حسین کریمی پور عضو هیات امنای انجمن پسته ایران با موضوع:

نگاهی به مسأله آب

در سال ۲۰۰۵، چارلز اسمالی برنده جایزه نوبل، آب را در بین ده چالش مهم قرن ۲۱، بعد از انرژی در مکان دوم قرار داد. ما در خاورمیانه ای زندگی میکنیم که ۵ درصد جمعیت جهان و فقط ۱ درصد آب شیرین تجدیدپذیر دنیا را در خود جای داده است. بی تردید، آب مسأله اول ایران و منطقه در سده پیش روست. بی دلیل نیست که استراتژیست ها، اولین منشاء جنگ های آبی خاورمیانه را حول محور آب پیش بینی کرده اند. محوریت تصاحب آب دجله و فرات در راهبردهای ترکیه، یک منشاء مهم سیاست های بی ثبات ساز این کشور در قبال عراق و سوریه در سه دهه اخیر است. اصرار اسرائیل برای حضور قدرتمند در سرشاخه های نیل در آفریقای سیاه را، بیشتر از این منظر تفسیر پذیر است.

بوم ایران، سالانه ۱۳۵ میلیارد متر مکعب آب شیرین تجدیدپذیر تولید می کند. این عدد مربوط به مطالعات وزارت نیرو در ۱۳۵۲ است، در سایه تغییر اقلیم و تخریب زیست بوم، برخی کارشناسان انطباق آن را با واقعیت های امروز بوم ایران، مورد تردید قرار داده و عدد اعلامی را بیش از واقع می دانند.

حتی اگر همین عدد را بپذیریم باید به یاد داشته باشیم، انسان مجاز به مصرف بیش از ۴۰ درصد این مقدار نیست. این آب قابل مصرف در کشاورزی، تولید، شهر و روستا در کل پهنه ایران، سالانه نباید بیش از ۵۴ میلیارد مترمکعب باشد. خبر بد آن است که انسان ایرانی حدود ۱۰۵ میلیارد مترمکعب مصرف می کند. این اضافه مصرف دیوانه وار، علت اصلی فرو پاشی محیط زیست ایران و تخریب غیر قابل برگشت پتانسیل آبی کشور است. کشاورزی ۹۲ درصد مصرف آب ایران را بخود اختصاص داده که با متوسط ۷۰ درصد جهانی فاصله زیادی دارد. متأسفانه بهره وری آب کشاورزی در ایران نیز در قیاس با کشورهای موفق منطقه وضع اسفباری دارد. پس ایران اگر بخواهد از "فروپاشی مطلق آبی" نجات یابد، راهی جز نصف کردن مصرف آبش، ندارد. متأسفانه بار چنین کاهش مصرف رادیکالی به دوش بخش کشاورزی خواهد بود.

در یک نگاه کلان مدیریتی، ایران برای بهبود بالانس آب خود، دو دسته راهکار دارد:

۱. تولید آب جدید، مزاد بر سهم ۵۴ میلیارد متر مکعبی مجاز:

۱-۱. شیرین سازی آب دریا

۱-۲. شیرین سازی آبهای لب شور سطحی یا زیرزمینی

۱-۳. تصفیه پسابها

۱-۴. کاهش و قطع مصارف موجود (من اصرار دارم این عمل هوشمند و دشوار را نوعی فعالیت تولیدی بنامم!)

۲. روش های تامین غیر تولیدی

۲-۱. انتقال حوضه به حوضه از منابع داخل کشور

۲-۲. واردات آب حقیقی با خط لوله یا کشتی

۲-۳. واردات آب مجازی بصورت واردات کالای آب بر مثل گندم، دانه های روغنی و گوشت و ...

مقاله حاضر نگاهی به تولید آب شیرین از دریا می اندازد و تلاش می کند از دید یک مصرف کننده (باغدار پسته) محاسباتی سرانگشتی در اقتصاد تامین آب از این منبع بعمل آورد. سپس مسأله به اجمال در مورد آبهای لب شور و پساب نیز مرور می شود.

نگارنده متخصص فرآوری و انتقال آب نیست و ارقام خود را از مصاحبه با خبرگان، مطالعه گزارشات ملی و مطالعه تحقیقات جهانی گرد آورده است. بنابراین، این مقاله بیش از آنکه منبعی برای وصول به اعداد دقیق مهندسی باشد، باید بعنوان یک ابزار کمکی دم دستی موثر در طرح مسأله نگریسته شود.

شیرین سازی آب دریا

در چهار دهه اخیر، شاهد پیشرفتهای فنی چشمگیری در این عرصه بوده ایم. مصرف انرژی و تولید دی اکسیدکربن به ازای هر متر مکعب آب تولیدی شدیداً کاهش یافته و تکنیک های دفع شورابه پساب، انطباق بهتری با محیط زیست یافته اند. قیمت آب استحصالی هم روز به روز کم تر شده است.

جنوب کالیفرنیا از مناطقی است که قیمت بالایی برای آب شیرین می پردازد. در این منطقه، قیمت آب حاصل از شیرین سازی در اوایل دهه ۹۰ میلادی تقریباً ۷ برابر قیمت متوسط بازاری آب شیرین طبیعی ایالت بود. آنگونه که نشنال جئوگرافیک گزارش می کند این فاصله در ۲۰۱۰ به کمتر از دو برابر رسیده است.

اما خبر بد آن است که این انقلاب تکنولوژیک دیگر نمی تواند با شتاب دهه های اخیر تداوم یابد. گزارش تحلیلی زمینس نشان می دهد که انرژی الکتریکی معادل تولید هر متر مکعب آب از ۳۵ Kw/hr در دهه هفتاد به ۲۵ در دهه ۸۰ و به ۴ در دهه آغازین قرن جدید رسیده است. پروژه های لبه دانشی امروز، مصرف را به حدود ۳ نزدیک کرده است. پیش بینی می شود این رقم ظرف بیست سال آتی به ۲ برسد که به حد فیزیکی ایده آل خیلی نزدیک می شود. یعنی در حالی که در ۴۰ سال گذشته ۱۰۰۰ درصد افزایش بهره وری انرژی داشته ایم، در ۲۰ سال آتی تنها ۳۰ درصد افزایش

راندمان در انتظارمان است.

امروز بیش از ۱۶۰۰۰ واحد آب شیرین کن فعال در سراسر جهان، کمتر از ۷۰ میلیون مترمکعب آب را در ۱۵۰ کشور جهان شیرین می کنند. آب ورودی این واحدها ۷۸٪ از دریا، ۱۲٪ از منابع لب شور غیر دریایی و ۱۰٪ از پساب می آید. برای آنکه بدانید کل تولید دنیا هنوز بقدر کوچک است، بیاد آورید تنها کشاورزی ایران به تنهایی بیش از ۹۵ میلیارد متر مکعب آب در سال مصرف دارد. ۵۳ درصد ظرفیت جهان در خاورمیانه تشنه، نصب شده است. عربستان با حدود ۱۱ درصد ظرفیت جهان، امارات با ۸/۵ درصد، آمریکا با ۸ درصد، اسپانیا با ۵ درصد و کویت با ۳ درصد، الجزایر با کمتر از ۳ درصد، چین با بیش از ۲ درصد و قطر با کمتر از ۲ درصد، در صدر لیست تولید کنندگان قرار دارند. میزان آب شیرین استحصالی ایران از دریا کمتر از ۵ درصد تولید عربستان است.

شیرین سازی آب دریا با مشکل ایجاد پساب فوق شور در حجم زیاد روبروست. در تانمای آمریکا که از واحدهای آب شیرین کن دریایی مدرن دهه اخیر است، ۴۰ درصد آب اولیه برداشتی، بصورت پساب به دریا باز می گردد. البته دفع پساب در واحد های مجاور دریا آسانتر است.

در یک جمع بندی مدیریتی کلان، شیرین سازی آب دریا:

- محدودیت حجمی ندارد؛

- منابع آب شیرین تجدید پذیر را تخریب نمی کند؛

- بسیار انرژی بر است؛

- دفع شورابه آن در مقیاس بزرگ، یک تهدید محیط

زیست دریایی است؛

- تولید گاز کربنیک بالا دارد،

- آب تولیدی گران است.

اقتصاد آب شیرین دریایی

احداث ظرفیت برای تولید هر متر مکعب - روز آب شیرین حدود ۱۰۰۰ دلار هزینه دارد. یعنی احداث یک آب شیرین کن ۳۰۰ هزار متر مکعبی در روز (یعنی ۱۱۰ میلیون مترمکعب در سال) حدود ۳۰۰ میلیون دلار هزینه دارد. این هزینه شامل حوضچه آب گیری، سیستم دفع پساب، تأمین برق و تاسیسات شیرین سازی است.

درس اول - اگر فرض کنیم یک چاه کشاورزی ۳۰ لیتر- ثانیه، ۲۴ ساعت در روز و ۳۶۵ روز در سال آب بکشد، سالیانه حدود ۹۵۰ هزار متر مکعب برداشت می کند. توان تولید آب شیرین کن فوق معادل ۱۱۵ حلقه از

اگر تمام شرایط مطلوب فوق گرد هم آیند و منبعی که یافته اید شوری به مراتب کمتری از آب دریا داشته باشد و انتقال آب در فواصل کوتاه چند کیلومتر تا چند ده کیلومتر بصورت ثقلی اتفاق بیفتد، خبر خوب آن است که ممکن است شما بتواند آب شیرین را پای باغ خودتان به قیمت ۵۰ تا ۷۰ سنت تحویل بگیرید. خوب حالا اگر شما این آب شیرین را برای نیمی از مصرف آب باغ خود بخواهید، هزینه خرید آب برای هر کیلو پسته خشک شما ممکن است معادل ۱/۲ الی ۱/۶ دلار باشد. پس در مقایسه تامین آب شیرین از منابع زیر زمینی لب شور نسبت به دریا برای پسته شمال کرمان باید گفت: - گزینه آب لب شور بسیار اقتصادی تر است، اما آب تولیدی هنوز ارزان نیست.

- تعریف پروژه در ابعاد کوچک تر (حدود ۱۰ الی ۵۰ هزار متر مکعب در روز با سرمایه گذاری کل بمراتب کمتر) ممکن می شود.

- برداشت از سفره های لب شور اگر عاقلانه انجام شود روند شور شدن سفره های آب شیرین را کند می کند.

- انرژی بر است. امکان دسترسی به منابع ائتلاف کننده انرژی مثل آگروز نیروگاه، سرنوشت ساز است.

- امکان دفع مناسب و ارزان شورابه آن یک معضل جدی حقوقی- فنی- زیست محیطی- اقتصادی و کلید توفیق طرح است.

- شانس جمع شدن تمام شرایط مساعد برای تعریف پروژه تامین آب شیرین از آب لب شور، بسیار کمتر از دسترسی به امکان تعریف پروژه آب شیرین کن ساحلی است. به این علت است که علیرغم مزایای این روش فقط ۱۲ درصد از شیرین سازی دنیا از آب لب شور ولی ۷۸ درصد از آب دریاست.

شیرین سازی پساب

۱۰ درصد آب شیرین جهان از طریق شیرین سازی پساب حاصل می شود. این منبع آبی در برخی نقاط ایران بالاخص در پایین دست شهرهای بزرگ، در دسترس است. هزینه های شیرین سازی پساب را باید حول و حوش هزینه های شیرین سازی آب لب شور فرض کرد. مشکل اصلی آن، اطمینان از تداوم و ثبات تامین پساب در رقابتها محلی بر سر آن است. واقعیت آن است که در محل های تولید پساب با حجم بالا (که شهرها مهمترین آن هستند) نیروهای محلی روز به روز بیشتر به طرف پساب متوجه می شوند. در محیطی مانند ایران که قراردادهای بخش خصوصی با دولت، اعتبار لرزانی دارد و دولت محق به نقض تعهد فرض می شود، تداوم تامین پساب یک نگرانی موجه است.

البته ملاحظات بهداشتی در آب تولیدی از پساب شهری بالاخص در مورد باقیمانده مواد شیمیایی و فلزات سنگین، هم باید مورد مطالعه باشد. بررسی مسایل پساب، مقاله جداگانه ای را می طلبد.

هزینه خرید آب شیرین برای هر کیلو پسته رقم حیرت آور ۱۱/۷ دلار خواهد بود.

- اگر نصف آب مصرفی شما از آب شیرین کن باشد، هزینه خرید آب شیرین برای هر کیلو پسته ۵/۸ دلار خواهد بود.

- اگر ثلث آب مصرفی شما از آب شیرین کن باشد، هزینه خرید آب شیرین برای هر کیلو پسته ۴/۲ دلار خواهد بود.

اجازه دهید یادآوری کنم گل گهر هم مکان مناسبی برای پسته کاری نیست. شما هنوز مجبورید آب را صدها کیلومتر بطرف شمال استان کرمان منتقل کنید. فرض کنید اگر برای انتقال آب به منطقه مورد نظرتان فقط ۳۰۰ کیلومتر مسیر و غلبه بر ۴۰۰ متر ارتفاع معادل استاتیک- دینامیک لازم باشد، شما هر متر مکعب آب را ۴۹ سنت گرانتز دریافت می کنید.

اگر با خوش بینی بگوئیم آب حاصل از آب شیرین کن با قیمت حداقل ۳ دلار- متر مکعب به شمال استان می رسد، سخن گزافه نگفته ایم. متخصصین درگیر در خط لوله بندرعباس- گل گهر- چادر ملو احتمالا این عدد را ۳۰ تا ۴۰٪ بزرگتر، بر آورد می کنند.

درس چهارم- اگر کشاورزان پسته کار شمال استان تصمیم بگیرند با تامین آب شیرین به میزان نصف مصرف باغات خود از خلیج فارس، اقدام به نجات باغات کنند، باید هزینه خرید آبی حداقل معادل ۷ دلار برای هر کیلو گرم پسته خشک درهم باگی را قبول کنند. این هزینه، بخش اعظم قیمت جهانی پسته بوده، غیر قابل تامین است. مسایل پیچیده دیگر چون تولید ثابت آب شیرین کن و مصرف سینوسی باغ، هم باید مدیریت شود.

آموختیم:

- ۱- آب شیرین حاصل از دریا، گران است.
- ۲- انتقال آن (بالاخص در مناطق کوهستانی و فواصل دور) از تولیدش بمراتب گرانتر است.
- ۳- هزینه آن برای تولید پسته در شمال کرمان، قابل تحمل نیست.

شیرین سازی منابع آب لب شور

اگر شما نزدیک به مناطق مساعد باغریزی، منبع آب لب شور زیر زمینی بزرگی پیدا کنید که توان تامین طولانی مدت آب لب شور داشته باشد و عمق زیادی هم نداشته باشد، یک گنج یافته اید. البته باید مشخصات زمین شناسی منطقه به شما امکان دفع ارزان پساب فوق شور، در یکی از لایه های زمین را هم بدهد. حال اگر شما نزدیک به یک نیروگاه قدیمی باشید که آگروز حرارتی اش را در فضا تخلیه می کند و امکان تعریف یک آب شیرین کن متکی به ائتلاف حرارتی نیروگاه را داشته باشید، آدم واقعا خوش شانس هستید. (امروز وزارت نیرو تمایل زیادی به عقد چنین قراردادهایی دارد).

چنین چاهی است. در این صورت هزینه ظرفیت سازی معادل هر چاه، معادل ۲/۶ میلیون دلار است. اگر فرض را به ۱۲ ساعت برداشت آب چاه در روز و ۳۶۵ روز در سال (نزدیک تر به شرایط حفاظت منابع آب) تغییر دهیم، هزینه ظرفیت سازی معادل هر چاه ۱/۳ میلیون دلار خواهد بود.

آب استحصالی از این آب شیرین کن در پای کارخانه در بندر عباس (با محاسبه هزینه استهلاک سرمایه و سود ۲۰ درصد سالیانه سرمایه گذار) حدود ۷۰ سنت- متر مکعب قابل فروش است.

درس دوم- اگر شما باغ پسته را درست پشت حصار کارخانه آب شیرین کن احداث کنید و سالیانه بخواهید ۷۰۰۰ متر مکعب آب به باغاتن بدهید و بتوانید ۱۵۰۰ کیلوگرم پسته خشک از هر هکتار بردارید (حدود ۲ برابر متوسط برداشت کشور)، آنگاه:

- اگر تمام آب مصرفی شما از آب شیرین کن باشد، هزینه خرید آب برای هر کیلو پسته ۳/۲ دلار است.

- اگر نصف آب مصرفی شما از آب شیرین کن باشد، هزینه خرید آب برای هر کیلو پسته ۱/۶ دلار است.

- اگر ثلث آب مصرفی شما از آب شیرین کن باشد، هزینه خرید آب برای هر کیلو پسته بیش از ۱ دلار خواهد بود.

اما نکته مهم آن است که کاشت پسته در سواحل خلیج فارس ممکن نیست. شما مجبورید آب را با خط لوله از ارتفاعات شمال هرمزگان عبور داده به استان کرمان برسانید.

ببینیم خط لوله بندر عباس به گل گهر چه چیزی برای آموختن دارد؟ احداث یک خط لوله با ظرفیت ۳۰۰ هزار متر مکعب در روز بطول ۲۸۵ کیلومتر که ارتفاعات ۱۸۰۰ متری را هم رد می کند و آب را به گل گهر می رساند با ایستگاههای پمپاژش حدود ۵۰۰ میلیون دلار هزینه خواهد داشت. اگر هزینه استهلاک سرمایه گذاری، راهبری، مصرف برق و سود ۲۰ درصد سرمایه گذاری را در نظر بگیرید، برای این انتقال حدود ۱/۸ دلار- مترمکعب قیمت می گذاریم.

این عدد از اعداد مطرح در محافل مدیریتی درگیر در پروژه کمتر است.

این رقم با معیار سردستی که می گوید هزینه خرید خدمت انتقال آب در خطوط لوله بزرگ ۷ سنت بازی هر ۱۰۰ کیلومتر و ۷ سنت بازی هر ۱۰۰ متر ارتفاع است، واگرایی معنی دار ندارد. به یاد داشته باشیم که جمع ارتفاع استاتیکی- دینامیکی طرح معادل ۲۴۰۰ متر محاسبه شده است. پس رقم ۱/۸ را باید دست پایین و خوشبینانه فرض کرد.

درس سوم- خوب پس اگر شما باغاتن را در جنوب کرمان در منطقه گل گهر احداث کنید، با حفظ مفروضات قبلی، هر متر مکعب آب شیرین شده دریا را پای باغ ۲/۵ دلار تحویل می گیرید.

- اگر تمام آب مصرفی شما از آب شیرین کن باشد،

مهدی آگاه عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران در دومین گردهمایی این انجمن مطرح کرد:

دولت بزرگ ناتوان از اصلاحات اقتصادی است



تمدن بشری را داشتیم و با سرعتی که ذخایر طبیعی خود را نابود می‌کنیم بعید نیست که پایین‌ترین رتبه‌ی را در این مقیاس در آینده‌ی نه چندان دور تجربه کنیم.

او در تشریح دیگر دلایل منفی برای این‌که چرا باید در کاشت احتیاط کرد، هم ادامه داد: سومین دلیل، هزینه‌ی بالا ارزش جایگزینی آب است. در زمان شروع کار شما صاحب آب و زمین بودید. در صورتی شما می‌توانید چیزی را سود حساب کنید و بگذارید در جیب‌تان که اصل مایه‌ی شما حفظ شده باشد، یعنی سر مایه باشید. با قوانین فعلی ایران نه از زمین‌تان می‌توانید مطمئن باشید که سر جایش است، نه آب‌تان.

زمین‌تان با لغو قاعده مرور زمان در اسناد ثبتی توسط شورای نگهبان، هر آن در معرض تملک مدعیان و با جاعلان می‌باشند. در صورت تمایل می‌توانید جزئیات آن را در بخش مقالات عمومی انجمن ملاحظه کنید.

او ادامه داد: وضعیت آب از زمین بدتر است. چون در این ۴۰ سال، می‌تواند قانون تعیین تکلیف چاه‌های غیر مجاز تصویب شود و هر چه که شما داشتید به غیر ببخشند و جریمه‌اش را هم از شما بگیرند. این ریسک‌هایی است که درون این صنعت وجود دارد.

او خاطرنشان کرد: جز عواملی که در درون صنعت موثر است، باید به پارامترهای عوامل بیرونی هم توجه داشت. این عوامل بیرونی داستان جالب‌تری دارد. متغیرهای اقتصادی از دست پنهان آدم اسمیت گرفته شده و به دست بوروکرات‌ها داده شده است. مثلاً در اوایل دهه‌ی شصت تصمیم گرفتند که ما باغداران هزینه پسته را با دلار هفت تومان پرداخت کنیم، ولی فروشان را با دلار ۱۵۰ تومان انجام دهیم و همه هم خوشحال باشیم که عجب مخ اقتصادی داریم.

آگاه افزود: مطلب بعدی نرخ بهره است که رابطه‌ای با علم که هیچ، با تجربه‌ی بقال هم ندارد. افرادی در موضع تصمیم‌گیری هستند که می‌گویند به چه کسی وام داده شود! به چه کسی وام داده نشود! چه صنعتی خوب است! چه صنعتی بد است! و بوروکراتی که پدر اقتصاد شده تصمیم

می‌توان تحولات بازار را مدیریت کرد. زمانی که پسته ارزان هست، نفروشد. باغدارهای پسته کاملاً با این مفاهیم آشنا هستند و پسته سه ساله یا چهار ساله را می‌فروشند و ممنوعیتی هم ندارد.

نکته سوم این است که درخت پسته کمترین وابستگی را به ارز در بحران‌ها دارد. معمولاً بحران‌های اقتصادی و اجتماعی ما توأم با کمبود ارز است؛ مثل بحران ملی شدن صنعت نفت زمان مرحوم مصدق، یا تحریم‌های اخیر که پیش آمد. آگاه در تشریح دلایل منفی و این‌که چرا باید در کاشت احتیاط کرد، هم گفت: مدت زمان بازگشت سرمایه در پسته خیلی طولانی است. شما ده سال سرمایه‌گذاری می‌کنید. تخمین ما این است که حدود ۴۰ سال باید دوره بهره‌برداری شما طول بکشد و در تمام این ۴۰ سال در معرض خطراتی هستید

خطر بسیار بزرگی که شما را تهدید می‌کند سرقت آب در بالا دست است. این اتفاقی است که در همه‌ی حوضه‌های آبی افتاده است. یعنی قاعده قرآنی "لا ضرر و لا ضرار" که مبنای قانون مدنی و اسلام و عرف بوده زیر پا گذاشته شده است.

او با اشاره به وجود نگرشی در برخی از افراد در کشور مبنی بر این‌که کسانی که بالادست حوضه‌ی آب هستند، می‌توانند آن را بردارند، گفت: به یکی از این افراد گفتم که این خلاف قانون است. گفت: چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. گفتم: یک بام و دو هوا که نمی‌شود. اگر برای شما اصل قرآنی لاضرر تاریخ مصرفش گذشته، پس به افغانستان هم اجازه بدهید که آب هیرمند را در بالادست برداشت کنند و هامون را بخشکانند.

او توسعه‌ی بی رویه را به عنوان خطر دیگر مطرح کرد و گفت: ما در رفسنجان با این مطلب روبرو شدیم. حدود ۲۷۰ رشته قنات داشتیم که از آب‌های سطح سفره برداشت می‌کرد. در طی ۴۰ سال گذشته تمام سفره را تقریباً بلعیدیم. یعنی ظرف چند سال آینده حداکثر ۲۷۰ حلقه چاه می‌تواند دایر باقی بماند. با این تفاوت که این بار برای برداشت همان میزان آب ۴۰ سال قبل، باید از ذخایر انرژی خود مایه بگذاریم.

او با ابراز تأسف از این‌که قنات را از بین بردیم، گفت: در شروع این دوران در محدوده‌ی جغرافیایی ایران حدود ۳۵ هزار قنات داشتیم. در فلات ایران - ایران بزرگ - حدود ۵۰ هزار رشته قنات به طول جمعی ۳۰۰ هزار کیلومتر کانال زیر زمینی بود، و جمع چاه‌های عمودی این قنات ۳۰۰ هزار کیلومتر چاه بود.

عمده‌ترین معیار سنجش تمدن بشری به سرمایه‌گذاری انباشته درامور زیربنایی به ازای هر نفر شهروند است. این سرمایه‌گذاری در قنات در زمانی که جمعیت ایران ۱۲ میلیون نفر بود، اوج تمدن محسوب می‌شده است. یعنی ما قبل از انقلاب صنعتی اروپا با این مقیاس، پیشرفته‌ترین

ماهنامه پسته - رییس کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران با طرح پرسش پیش روی این کمیسیون مبنی بر این‌که "حالا که در دو سال اخیر بعد از قریب ۱۳ سال باغداری پسته دوباره با صرفه شد، آیا پسته بکاریم یا نکاریم؟" گفت: پاسخ این سوال دشوار است. چرا که پاسخش به فاکتورهای زیربنایی اقتصاد ما بستگی دارد. این فاکتورها هم به خاطر اینکه دست پنهان آدم اسمیت از اقتصاد ایران سال‌هاست که با ساطور "راه رشد غیرسرمایه‌داری" قطع شده، نامشخص هستند. در واقع این متغیرها قبلاً خودشان را با هر انحرافی که پیدا می‌شد، در سیکل‌های منفی فیدبک متعادل می‌کردند.

این سیکل‌ها باعث می‌شود که با بیش از دو یا سه درصد انحراف نتوانید از تعادل خارج شوید، اما زمانی که ما دست پنهان آدم اسمیت را قطع کردیم و دست یک بروکرات را جایگزین کردیم، این انحرافات می‌تواند به سه هزار درصد برسد. کما اینکه در مورد نرخ گاز طبیعی که در محل کارخانه و با هزینه توزیع جمعا ۲/۵ سنت در داخل کشور به صنایع می‌دهیم. همین گاز را آن طرف مرز در مقیاس انبوه و بدون هزینه توزیع، برای هر متر مکعب در سال ۲۰۱۳، به قیمت ۵۵ سنت به ترکیه می‌دهیم.

مهدی آگاه با اشاره به پرسش پسته بکاریم یا نکاریم؟ گفت: اگر سوال کننده کشاورزی باشد که زمین و آب را دارد، پاسخش با کسانی که پولشان را بردند خارج و می‌خواهند برگردانند، یا بردند در کارهای دیگر و می‌خواهند برگردانند به کشاورزی، فرق می‌کند.

او با بیان این‌که در مورد کشاورزی که آب و زمین دارد در اقلیم مناسب است و می‌خواهد بکار، می‌توانیم به او توصیه کنیم که به چه دلایلی بکار و به چه دلایلی نکار.

او در تشریح دلایل توصیه به کاشتن پسته گفت: پسته نسبت به سایر محصولات که یک کشاورز در یک اقلیم مناسب می‌تواند بکار، برای هر متر مکعب آب، بازدهی ارزی بیشتری دارد. یعنی دلار بیشتری به ازای هر متر مکعب آب به دست می‌آید. رقیب نزدیکش را هم مرحوم صنعتی تشخیص دادند؛ گل سرخ برای تولید اسانس است که آن هم عددی نزدیک به پسته دارد.

دلیل دوم، قابلیت نگهداری پسته است. شما اگر سیب‌زمینی بکارید و نخرند به اصطلاح "گاو تان زاییده" است. تجربه‌ای که تعاونی پسته داشت، نشان داد که تا چهار سال پسته را می‌شود در انبار نگهداری و ضد عفونی کرد و در سال پنجم به جای پسته نو فروخت.

رییس کمیسیون باغبانی انجمن پسته ایران با تأکید بر این‌که این مطلب را به عنوان نکته منفی مطرح نکردم، خاطر نشان کرد: این واقعیتی است که اگر بادام زمینی را نگه دارید بوی ماندگی پیدا می‌کند و اسیدهای چربش اکسیده می‌شود. چربی پسته و بادام به سادگی اکسیده نمی‌شوند. این امتیاز بسیار بزرگی برای پسته است. یعنی

کجاست آن مرد امروز؟! (تشویق حضار)

او در بخش دیگری از سخنان خود به مصادیق تخلف در فروش ارز اشاره کرد و گفت: در شرکت سیمانی که مقداری سیمان به عراق می‌فروخت؛ خریداران وجه نقد دلاری را به حساب بانک ملی اهواز ریختند تا در کرمان به شرکت نقدا پرداخت شود. هر زمان به بانک ملی کرمان نامه می‌نویسند، پاسخ می‌گیرند که فعلا پرداخت نقدی وجه مقدور نمی‌باشد. این گونه رفتار بانک‌هاست که عدم اطمینان به وجود می‌آورد.

او در بخش دیگری از سخنان خود به اجرای طرح انتقال آب از خلیج فارس به استان کرمان اشاره کرد و گفت: بر اساس محاسبات طرح مشابه در کالیفرنیا و محاسبه‌ی انرژی مورد نیاز جهت انتقال آب به ۱۸۰۰ متر بالاتر از سطح دریا، این آب برای هر متر مکعب ۳ دلار هزینه دارد. من از جناب آقای حسین مرعشی شنیدم که با دلار ۲۵۰۰ تومانی چیزی حدود ۷۸۰۰ تومان هر متر مکعب آب هزینه دارد. نرخ ایشان کمی از نرخ من بالاتر است.

من حساب می‌کنم که ما در ۴۰ سال گذشته سالانه حدود ۷۰۰ میلیون متر مکعب آب برداشتیم. آب برداشتی از رفسنجان سالانه ۵۰۰ میلیون متر مکعب از ذخائرمان بوده است. در مدت ۴۰ سال می‌شود ۲۰ میلیارد متر مکعب. اگر در هر متر مکعب ۳ دلار ضرب کنیم، هزینه‌ی جانشینی این برداشت ۶۰ میلیارد دلار می‌شود که این مبلغ حدود ۲ برابر فروش کل پست‌های رفسنجان در این ۴۰ سال به قیمت‌های امروز بوده است. یعنی اگر همه‌ی پست‌های ۴۰ سال گذشته رفسنجان را نگه‌داشته بودیم و به قیمت امروز می‌فروختیم، نمی‌توانستیم بیش از نیمی از آب برداشت شده را از خلیج فارس به رفسنجان انتقال دهیم. قسمت آخر، قیمت انرژی داخلی ماست. گاز و نفت را که به هم تبدیل کنیم هر متر مکعب گاز معادل یک لیتر نفت انرژی دارد. میزان برداشت انرژی فسیلی ما روزانه معادل ۶ میلیون بشکه نفت است. کل ارزش این برداشت ۲۲۰ میلیارد دلار در سال است. ۶۰ میلیارد دلار از این مبلغ از محل صادرات و فروش داخل اخذ و مابقی یعنی ۱۶۰ میلیارد دلار سالانه به عنوان سوبسید پنهان هم‌اکنون در اقتصاد جامعه تزریق می‌گردد. این سرانه‌ی ۲ هزار دلار یارانه، چه مقدار آن به اهالی مناطق محرومی نظیر سیستان تا کنون تخصیص یافته است؟ آیا من به عنوان یک مرفه شمال شهری که در این ۴۰ سال میلیارد‌ها تومان از این یارانه سهم بردم، روزی خواهد رسید که دین خود را به محرومین ادا کنم؟

او افزود: در پایان می‌خواهم از جمع حاضر نظرخواهی کنم که آیا موافقت از این ۱۶۰ میلیارد دلار تقدیمی دولت به ملت، ۲۰ میلیارد دلار آن را به دولت برگردانیم و در عوض وزارت با عظمت دارایی را با تمام متخصصانش که قرار است با رنجش مردم انشاالله در سال جاری به همین میزان درآمد دست یابند، به کار خداپسندانه‌ی بگماریم؟ فقط یک دولتی کوچک و کارا توانایی اصلاحات اقتصادی را دارد.

فاضلاب‌هایی در شهرهای اروپایی تبدیل کرد. آگاه با اشاره به عواقب ناخواسته سوبسید انرژی در ایران، به عنوان نمونه گفت: با این کار این امکان داده می‌شود که یک نفر مثل خفاش شب در شهر با بنزین ارزان بچرخد و خلاف مرتکب شود. یعنی ما به این خلاف سوبسید می‌دهیم. او با اشاره به نرخ ارز گفت: ما دو نرخ ارز داریم؛ ثابت و شناور. در ایران بر تنها کالایی که آدام اسمیت را نمی‌شود مسلط کرد، نرخ ارز است. یعنی یک ساطوری به نام نفت را می‌دهیم دست جناب وزیری می‌گوییم که هر زمان که گفتیم، روی دست آدام اسمیت بزن.

آگاه در تشریح این مطلب گفت: روزانه یک فرد با یک کیف پر از دلارهای نفتی و گازی که هزینه استخراجش پنج سنت در دلار بوده است، به بانک مرکزی مراجعه می‌کند. یعنی از زیر زمین ذخائر را برمی‌داریم قیمت ذخائر را حساب نمی‌کنیم و هزینه برداشتش را از زمین، هزینه تولید حساب می‌کنیم. این تولید نیست گنجی است زیر پای شما، خم می‌شوید و برمی‌دارید. او افزود: من هم که صادرکننده‌ی پسته هستم و ۹۷ سنت برای فروش یک دلار آن به خارج خرج کرده‌ام و چک آن را در بازار تهران پرداخته‌ام، همراه با کسی که کیف دلارهای نفتی را دارد، به بانک مرکزی می‌رویم و هر دو هم می‌خواهیم دلارهای خودمان را بفروشیم.

او در فروش دلار خود از یک حاشیه‌ی سود ۹۵ درصدی برخوردار است و می‌تواند تخفیف عمده هم بدهد. دلار در دست وزارت نفت همان ساطور است. مشخص است که در این رقابت چه کسی پیروز خواهد شد؛ وزارت نفت یا کسی که دلارش ۹۷ سنت هزینه داشته است؟ تازه یقه‌ی صادرکننده را هم می‌گیریم که مبدا آن ۳ سنت مابه‌التفاوت را در خارج نگه‌دارد. تو که از فروش هر دلار فقط ۵ سنت آن را باید جوابگو باشی، من باید بیایم مچ تو را بگیرم که قاچاق کنی.

او با بیان این که به ارز آدام اسمیتی می‌گوییم ارز قاچاق، به ارز ساطور نفتی می‌گوییم ارز قانونی، خاطر نشان کرد: من با این توضیحات می‌خواستم فقط مشخص شود "ارز شناور مدیریت شده" یعنی چه؟

آگاه با یادآوری این که تا حدود سال ۵۳ بانک ملی ایران در بلندترین رتبه‌ی اعتباری بانک‌های دنیا قرار داشت، گفت: سال ۹۱ حدود ۱۸ میلیارد دلار برای کنترل نرخ ارز، دلار ارزان (قاچاق) فروختند. فکر می‌کردند که با پایین آوردن نرخ ارز می‌شود تورم را کنترل کرد.

او ادامه داد: در زمان شاه هم، مرحوم یگانه همین داستان را با شاه پیدا کرد. هوشنگ انصاری در زمان شاه چون پول جمع می‌کرد و می‌خواست پولش را خارج کند، دلش می‌خواست به جای دلار ۷ تومان دلار ۴ تومان بخرد. شاه را گول زد در شورای عالی اقتصاد این تغییر تصویب و به بانک مرکزی ابلاغ شد. یگانه که رییس بانک مرکزی بود، فرمان همایونی را برداشت و میان دو دست خود گرفت و در حضور شاه گفت: اعلی حضرت دستور دهند دستان بنده را قطع (قطع) کنند که من نتوانم این خیانت را اجرا کنم.

می‌گیرد که فولاد از پسته بهتر است. مثلا وزارت نیرو به ما دستور می‌دهد که آب‌تان را می‌توانید به شرکت‌های فولاد بفروشید ولی نمی‌توانید آب را به همسایه‌تان که مزرعه‌اش بهره‌وری بهتر دارد، بفروشید. این یک کار سلیقه‌ای است؛ همه‌ی کارهای سلیقه‌ای هم ابعاد مناسبات اقتصادی را به هم می‌ریزد.

او همچنین اظهار داشت: بعد از سال ۵۳ با گران شدن نفت در بحران جنگ عراق و اسرائیل، تورم ما دو رقمی شد در حالی که پیش از این، ما تورم اندک داشتیم و حتی رشد اقتصادی ۷ درصدی را هم تجربه کرده بودیم. این تورم دو رقمی در حسابداری ما منعکس نشده است. حسابداری ما حسابداری است که معمولا برای تورم زیر دو درصد در نظر گرفته می‌شود. عواقب این وحشتناک است.

او ادامه داد: همه سوال می‌کنند که چرا نقدینگی ما در دست مردم است و صنایع همگی زیر واهی غیر قابل پرداخت قرار دارند و همه‌ی صنایع بزرگ ما ورشکسته‌اند؟ علتش این است که در تمام ۴۰ سال گذشته اموال شرکت‌ها را به ارزش دفتری در روز خرید، ثبت کردیم. مثلا شرکت‌های هواپیمایی ما یک هواپیمای ایرباس را در دفتر هفتصد میلیون تومان ثبت کرده‌اند که در روز خرید معادل ۱۰۰ میلیون دلار بوده است. در این فاصله ۴۰ سال، جمع اندوخته ذخیره استهلاک این هواپیما ۷۰۰ میلیون تومان است. امروز این هواپیمای ایرباس قابل پرواز نیست، برای اینکه مصرف سوختش بیش از حد هواپیمای رقیب است. مصرف سوخت هم در هواپیما مهمترین عامل است. چیزی که به دست آمده یک هواپیمای اسقاطی و ۷۰۰ میلیون تومان ذخیره استهلاک است.

او یادآور شد: در این مدت سود واهی شناسایی، مالیات آن پرداخت و مابقی به عنوان سود سهام تقسیم گردیده. تازه هیأت مدیره و مدیر عامل بخاطر سودآوری شرکت پاداش گرفته‌اند. امروز با این ۷۰۰ میلیون تومان حتی چرخ یک هواپیمای ایرباس را هم نمی‌توان خرید. یعنی به جای مال، چرخ مال مانده است. چنین شرکتی برای پوشش ورشکستگی خود ناچار هر روز دست به دامن وام بانکی غیر قابل ادا می‌شود.

او با تاکید بر این که الان آب در کشاورزی استهلاک دارد، گفت: چاهی را که امروز در منطقه انار ۱۰ میلیارد تومان ارزش دارد، می‌توان به جرات گفت که در ۵ سال آینده آب آن نصف خواهد شد. بنابراین باغی که از این چاه‌ها آبیاری می‌شود علاوه بر هزینه‌هایی که فعلا مورد محاسبه باغدار قرار می‌گیرد، سالیانه یک میلیارد تومان هزینه‌ی استهلاک این چاه است.

آگاه به قیمت داخلی انرژی به عنوان یک فاکتور مهم اشاره کرد و گفت: سوخت ارزان موجب این می‌شود که استخراج آب از عمق ۳۰۰ متری زمین صرف کند و تقاضا برای گرفتن مجوز حفر چاه عمیق زیاد شود.

او ادامه داد: من خودم را یک صادرکننده موفق می‌شمردم در حالی که با کمک ذخائر نفتی که به قیمت ارزان به من داده می‌شد، ذخائر آبی مملکت را از بین بردم و به

در دومین گردهمایی انجمن پسته ایران مطرح شد:

توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛ راهی برای خروج از رکود

نفتی ایران ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار می‌شود. در سال ۵۲ درآمد نفتی ایران ۸ میلیارد دلار و در سال ۵۳ درآمد نفتی ایران ۲۱ میلیارد دلار می‌شود.

او یادآور شد: در دهه‌ی ۴۰ سیاست‌های اقتصادی ریاضتی، مهارزدن به تورم سال‌های پایانی دهه‌ی ۳۰، پایان بخشیدن به ریخت‌وپاش‌های مربوط به هزینه‌های دولتی و نظامی، برقراری انضباط پولی و مالی، مناسب سازی فضای اقتصاد کلان کشور برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در بخش خصوصی دنبال می‌شود.

کمال هدایت اظهار داشت: از آغاز سیاست‌های صنعتی در دوره پهلوی اول، تفکر اقتصادی غالب این بود که بخش خصوصی از توان مالی، کارشناسی و مدیریتی لازم برای ایجاد صنایع مدرن در ایران برخوردار نیست، در نتیجه بهتر است که دولت دست به کار شود و بعد از راه انداختن و سودآور کردن صنعت، آن را به بخش خصوصی واگذار کند. این تفکر غالب، در دهه ۴۰ هم بوده است.

او تاکید کرد: صنایع بزرگ دولتی به هر دلیلی، کمتر تن به خصوصی‌سازی می‌دهند و بیشتر گرایش به بزرگ کردن هر چه بیشتر دامنه فعالیت‌های خود دارند که عوارض هنوز هم دامنگیر ما هست.

کمال هدایت خاطر نشان کرد: در برنامه سوم که به زعم بسیاری، کارشناسی‌ترین برنامه اقتصادی است که در کشور تنظیم شده است، اولویت به صنایعی مثل نساجی، سیمان، روغن، قند، شکر و نظایر آن داده شد که مواد اولیه‌ی آن در داخل کشور موجود بود.

او افزود: در برنامه چهارم سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در صنایع سنگین صورت گرفت. ایجاد قطب‌های صنعتی در مناطق جغرافیایی مختلف مثل ذوب آهن اصفهان، پتروشیمی آبادان، خارک، بندرشاهپور، ماشین سازی و تراکتور سازی تبریز، ماشین‌سازی اراک و مس سرچشمه در این دوران اتفاق افتاد اما صنایع بزرگ ایجاد شده از سوی دولت، نه تنها به بخش خصوصی واگذار نشدند بلکه روز به روز هم بزرگتر شدند.

او یادآور شد: در این دوران اغلب سرمایه‌گذاری‌های بزرگ دولتی - خصوصی با مشارکت سرمایه و تکنولوژی پیشرفته خارجی صورت می‌گرفت.

کمال هدایت با بیان این که تجربه تأسیس سازمان گسترش (ایدر) در دهه‌ی ۴۰، یک تجربه‌ی بسیار ناب در تاریخ ایران است چون مکانیزم و ساختار شرکت‌های دولتی پایه‌گذاری شد، افزود: تا پیش از این اگر پروژه‌های عمرانی تعریف می‌شد باید از طریق ذیحساب، حسابرس، حسابدارکل و در نهایت تأیید وزارت دارایی تخصیص اعتبار پیدا می‌کرد ولی با تأسیس ایدر و چون ساختار تحت نظارت قانون تجارت قرار می‌گرفت باعث تحرک



سوم، ۶ درصد بود اما رشد ۱۰ درصدی محقق شد. تورم هم ۲/۰۴ درصد بوده است.

او افزود: این افزایش رشد واقعی نسبت به رشد پیش‌بینی شده، برنامه‌ریزان را ترغیب می‌کند که با توجه به نتایج حاصل از برنامه سوم، در برنامه چهارم اقتصادی تجدید نظر کنند و رشد پیش‌بینی شده را از ۶ به ۹ درصد افزایش دهند.

او با بیان این که رشد واقعی در برنامه چهارم هم حدود ۵۰ درصد از آنچه که پیش‌بینی شده بوده بالاتر رفت، ادامه داد: رشد واقعی در برنامه چهارم اقتصادی سال‌های ۴۷ تا ۵۱، معادل ۱۳ درصد و تورم ۲/۲۷ درصد بود. همین مطلب برنامه ریزها را راغب‌تر می‌کند که در برنامه پنجم، رشد اقتصادی ۱۱/۲ درصد را پیش‌بینی کنند. اما رشد واقعی ۷/۶ درصد و تورم ۱۵/۱ درصد می‌شود.

کمال هدایت خاطر نشان کرد: در سال ۱۳۰۰ درآمد نفتی ایران ۳ میلیون دلار، در سال ۱۳۲۹ درآمد نفتی ایران ۶۰ میلیون دلار، در سال ۴۱ درآمد نفتی ایران ۳۵۰ میلیون دلار و اول برنامه سوم در سال ۴۲، درآمد نفتی ایران ۹۵۰ میلیون دلار بود. از جانب شاه فشار بوده که این رقم به هزار میلیون دلار برسد که دنبال هم کردند. در سال ۱۳۵۱ جهش اتفاق می‌افتد و درآمد

ماهنامه پسته - حافظ کمال هدایت با بیان این که یکی از راه‌های موثر برای خروج از رکود، سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید و اتمام سرمایه‌گذاری در طرح‌های نیمه تمام است، گفت: این اقدام نیاز به سازمان‌های توسعه‌ای به عنوان موتور محرک دارد.

او با بیان این که در دهه‌ی ۴۰ همزمان با برنامه‌های اقتصادی سوم و چهارم در کشور، نهضت صنعتی شدن کشور آغاز شد، گفت: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران تشکیل شد و یک سازوکار کامل برای جهش صنعتی ایجاد شد.

کمال هدایت با بیان این که متأسفانه این روند با افزایش ناگهانی درآمدهای نفت در پایان دهه ۴۰ و ابتدای دهه ۵۰ با عوارض جدی مواجه شد، اظهار داشت: رشد اقتصاد ایران از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ به صورت میانگین سالانه ۱۱/۵ درصد بود. در این دوره نرخ تورم هم به صورت میانگین ۲/۶ درصد بوده است. اما این روند به رغم فراهم بودن ظاهری همه شرایط، تداوم نیافت و از اواسط دهه‌ی ۵۰ همزمان با بالا رفتن شدید درآمدهای نفتی، معکوس شد.

او با طرح این پرسش که آیا واقعاً درآمدهای هنگفت نفتی هدیه مسمومی بوده که اقتصاد ایران را به زانو درآورد، گفت: رشد اقتصادی پیش‌بینی شده در برنامه

طلبکارند، یعنی مطالباتی با ارزش اسمی ثابت که با تورم ۴۰-۳۰ درصد درحال ذوب شدن است و از طرفی به بانک‌ها بدهکارند که این بدهی با نرخ‌های سود ۲۵-۲۸ درصد درحال افزایش است. از طرف دیگر به علت کاهش شدید بودجه عمرانی، کارفرمایان دولتی، کار جدیدی برای این شرکت‌ها ندارند و بیکاری شروع می‌شود، بعد مهاجرت شروع می‌شود، سرمایه‌های انسانی که تربیت کردیم و تجربه دارند می‌روند. این یک ضایعه دیگر است که دچارش می‌شویم.

او با اشاره به وجود بیش از ۵۰۰ هزارمیلیارد تومان نقدینگی نزد مردم (که به دنبال زمینه‌های مناسب سرمایه‌گذاری برای حفظ ارزش خود است)، تاکید کرد: این منبع عظیمی که نزد مردم است با یک ساماندهی مناسب می‌تواند به سمت سرمایه‌گذاری‌های توجیه‌پذیر و ثمربخش روان شود و کاهش سرمایه‌گذاری دولت را جبران کرده و به خروج از رکود کمک کند.

او با بیان این که حوزه بازار سرمایه و ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری برای کمک به خروج از رکود لازم است، گفت: بازار سرمایه با فراهم سازی زمینه‌های تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور جدید و خرید و فروش سهام صندوق‌هایی که به این منظور تشکیل می‌شود، کمک کننده است.

مشایخی افزود: ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری، فرصت سودآوری از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور درحوزه‌های مختلف نظیر نفت، پتروشیمی، معادن و فلزات، دامداری و صنایع کشاورزی را برای عموم فراهم می‌سازد اما ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری به تنهایی کافی نیست و لازم است سازمان‌های توسعه‌ای خصوصی که توان تعریف پروژه‌های توجیه‌پذیر و مدیریت کارفرمایی اجرای آنها را دارا باشند تشکیل شود. این سازمان‌ها باید واجد فهم و قابلیت فنی مهندسی بوده و هم چنین توان بررسی بازار و تحلیل مالی پروژه‌ها را دارا باشند. این سازمان‌ها باید بتوانند اجرا و به بهره‌برداری رسیدن پروژه‌ها را با به کارگیری ارکان مناسب به درستی مدیریت کنند. هسته این سازمان‌های توسعه‌ای می‌تواند شرکت‌های فنی-مهندسی با تجربه باشند.

او افزود: ایجاد سازمان‌های توسعه‌ای و ارتباط تنگاتنگ آنها با صندوق‌هاست که می‌تواند راه جذب نقدینگی مردم و به کارگیری آن را در پروژه‌های توجیه‌پذیری که خلق می‌شود، باز کنند و جریان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (مردمی) را برای توسعه کشور و خروج از رکود باز کنند.

مشایخی یادآور شد: صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سازمان‌های توسعه‌ای می‌توانند در استان‌های مختلف تشکیل شوند و توسعه استانی را با حمایت مقامات و نیروهای استانی تسریع و تسهیل کنند. امکانات طبیعی، معدنی، کشاورزی، دامداری و صنعتی بسیاری در استان‌ها وجود دارد که مقامات و مدیران استانی نسبت به آنها آگاهی بسیار دقیق‌تری نسبت به مرکز نشینان

است فشارها زیاد شود.

او افزود: به چند دلیل در کشور رکود داریم؛ یکی اینکه منابع دولت محدود است و زمانی که منابع محدود باشد امکان افزایش تقاضای کل از طریق هزینه کردن دولت وجود ندارد که بشود از رکود بیرون آمد، مگر اینکه دولت کسر بودجه ایجاد کند که به تورم دامن می‌زند. او با بیان این که بودجه عمرانی مصوب سال ۹۰ حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان بود و عملکرد بودجه عمرانی ۲۵ هزار میلیارد تومان و نرخ تورم هم ۲۱/۵ درصد بود، گفت: بودجه عمرانی مصوب سال ۹۱، حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان بود، عملکرد بودجه عمرانی در این سال ۱۱ هزار میلیارد تومان و نرخ تورم هم ۳۰/۵ درصد بود. مشایخی بودجه عمرانی مصوب سال ۹۲ را حدود ۵۶ هزار میلیارد تومان، عملکرد بودجه عمرانی را ۱۱ هزار میلیارد تومان، با نرخ تورم ۳۶ درصد اعلام کرد و خاطر نشان کرد: بودجه عمرانی پیشنهادی برای سال ۹۳، حدود ۳۸ هزار میلیارد تومان و عملکرد پیش‌بینی شده آن ۱۵ هزار میلیارد تومان با تورم ۲۵ درصد در نظر گرفته شده است.

این استاد دانشگاه با بیان این که بودجه عمرانی سال ۹۳ با قیمت‌های سال ۹۰ کمتر از یک پنجم بودجه عمرانی سال ۹۰ است، گفت: با کاهش بودجه عمرانی از یک طرف و شروع بی‌حساب طرح‌ها از طرف دیگر، بدهی دولت به پیمانکاران بالغ بر ۵۰ هزارمیلیارد تومان برآورد می‌شود. این بدهی نیز از مبالغ کم بودجه عمرانی برای سرمایه‌گذاری می‌کاهد.

مشایخی با طرح این پرسش که اگر دولت یا مجلس می‌خواست بودجه عمرانی را زیاد کند، از کدام منبع می‌توانست چنین کند، گفت: در این صورت باید دولت کسر بودجه را افزایش می‌داد و به تورم دامن می‌زد. تورم هم اگر لجام گسیخته شود آنوقت خیلی شرایط سختی را ایجاد خواهد کرد. خود همین تورمی که داریم شرایط را سخت می‌کند، قدرت خرید حقوق‌گیران را کم می‌کند، قدرت خرید که کم شد حقوق‌ها به قیمت واقعی کم می‌شود و این موضوع زمینه فساد و لغزش را ایجاد می‌کند و شیرازه اداره امور را به هم می‌ریزد.

او با اشاره به کلنگ‌زنی یکسری طرح‌های بی‌حساب و کتاب در سال‌های گذشته گفت: اگر بخواهند این طرح‌ها را با بودجه مصوبی که تخصیص داده می‌شود، تمام کنند، پنجاه سال طول می‌کشد تا تمام شود. به تبع آن اگر طرحی پنجاه سال طول بکشد تا تمام شود طرح‌هایی که قبلاً ساخته شده خراب می‌شود و دوباره باید بسازیم. ضمن آنکه پول‌هایی که در طرح‌های نیمه تمام گذاشته شده مثل سرمایه‌ی بلااستفاده روی زمین است که بازده ندارد. در واقع سرمایه‌های ملی آب می‌شود و هدر می‌رود.

دکتر مشایخی با اشاره به وضع اسفناک و درحال فروپاشی سازمان‌ها و شرکت‌های فنی-مهندسی کشور، یادآور شد: این شرکت‌ها از یک طرف از کارفرمایان خود

مضاعف و سرعت بخشی به رشد صنعتی ایران شد. او افزود: سازمان گسترش با چهار شرکت ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز، ماشین‌سازی اراک و آلومینیوم اراک کار خودش را آغاز کرد و تا سال ۵۶ به ۱۳۰ شرکت رسید که امروز هم اکثریت قریب باتفاق فعال هستند. تشخیص چنین بود که چون در ایران بخش خصوصی استواری که بتواند بار فرآیند صنعتی را بر دوش بکشد نداریم، جایی مثل سازمان گسترش باید به وجود بیاید و مامور شود که به نمایندگی از طرف دولت صنایع کشور را در مسیری که دولت می‌خواهد و در برنامه هست سوق دهد و پس از سودآور کردن به بخش خصوصی واگذار کند.

کمال هدایت افزود: درکنار آن هم "بانک توسعه صنعتی" تشکیل شد تا اعتبار مورد نیاز را در اختیار متقاضیان قراردهد. "سازمان مدیریت صنعتی" تأسیس شد تا بتواند نیروی کار مورد نیاز این صنایع جدید را درحوزه‌های بازرگانی، مالی، فنی و اجرایی تربیت کند. در واقع یک سازوکار کامل شکل گرفته بود که براساس آن تمامی عناصر لازم برای بالا رفتن ساختمان صنایع نوین در ایران فراهم شد که همین باعث انفجار صنعتی در برنامه چهارم شد.

درسال ۱۳۹۰ درآمد دولت از محل صادرات نفت و فرآیند نفتی ۱۲۰ میلیارد دلار بوده است، دولتی که این همه درآمد دارد واقعاً چه احتیاجی دارد که ناز بخش خصوصی را بکشد؟ دولت در مواقعی که وضعیتش خوب است به بخش خصوصی بهایی نمی‌دهد. زمانی که در تنگنا قرار می‌گیرد آن زمان است که بخش خصوصی مطرح می‌شود. الان کمی وضعیت متفاوت شده و می‌طلبید سازمان‌های توسعه‌ای با کمک سازمان‌های خصوصی شکل بگیرد.

در ادامه دکتر علینقی مشایخی نیز با اشاره به مولفه‌های شرایط امروز شامل؛ رکود تورمی، نیاز به ایجاد سازوکارها و نهادهای جدید، پروژه‌های نیمه‌تمام و سازمان‌های توسعه‌ای خصوصی گفت: اقتصاد کشور در رکود تورمی قرار دارد. قراست تورم با کنترل رشد پایه پول مهار شود. خروج از رکود به خصوص در چارچوب روش‌ها و نهاد های موجود در اقتصاد ایران پیچیده بوده و ساده نیست و برای کمک به خروج از رکود باید سازوکار و نهادهای جدید وضع کرد.

او با بیان این که دولت عظمش را جزم کرده که تورم را کنترل کند، گفت: شاید برخی بگویند که ایجاد اشتغال اهمیت بیشتری دارد. بعضی که موافق با نظر دولت هستند می‌گویند: هیچ کشوری نیست که در جریان تورم فزاینده توانسته باشد که رشد اقتصادی را تجربه کند، چون ریسک سرمایه‌گذاری‌ها زیاد می‌شود، نرخ سود بانکی اگر واقعی باشد بالا می‌رود و در نتیجه توسعه اتفاق نمی‌افتد. باید کمی تورم را آرام کرد و بعد سرمایه‌گذاری را راه انداخت اگر چه برای مدتی ممکن

دکتر فرشاد فاطمی معاون پژوهشی پژوهشکده پولی بانکی در دومین گردهمایی انجمن پسته ایران مطرح کرد:

تولید بخش صنعت ۲۰ درصد کوچک شد!

ثابت نگه داشتن قیمت ارز عقلایی نیست!



ماهنامه پسته - عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف در دومین گردهمایی انجمن پسته ایران، بخش حقیقی اقتصاد، مکانیزم‌های اثرگذار بر وضعیت کنونی اقتصاد ایران و روند متغیرهای پولی و تورم را تشریح کرد.

دکتر فرشاد فاطمی اردستانی با بیان این‌که برآورد ما در پژوهشکده پولی بانکی، رشد بخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۹۱ را، منهای ۶ درصد نشان می‌دهد، گفت: البته این عدد خوشبینانه است، چون با قیمت ثابت سال ۷۶ است. این در حالی است که ارزش گروه‌های مختلف اقتصادی در این مدت تغییر کرده. به طور خاص نفت و خودرو در کل سید ما مهم‌تر شدند.

فاطمی اردستانی با بیان این‌که عدد گروه نفت در سال ۹۱، به میزان ۳۳ یا ۳۴ درصد نسبت به سال قبلش کوچک‌تر شده است، افزود: وضع صنعت به خاطر مساله تحریم‌ها از همه بدتر شده است.

او با اشاره به روند بلند مدت و تغییرات کوتاه مدت ارزش افزوده بخش کشاورزی در این مدت گفت: به نظر می‌آید بخش کشاورزی مستقل از بخش‌های دیگر، با یکسری نوسانات، رفتار خودش را داشته است.

معاون پژوهشی پژوهشکده پولی بانکی افزود: درواقع فعالان بخش کشاورزی، کمتر از همه دستشان در جیب نفت بوده است. به همین خاطر تلاطم‌های بخش نفت در بخش کشاورزی خیلی کمتر خودش را نشان می‌دهد.

او با بیان این‌که اگر وضعیت تولید شرکت‌های بورسی را از روی شاخص‌های تولیدی که سه ماهه اعلام می‌کنند برداشت کنیم، گفت: می‌توانیم برآورد خیلی خوب با دقت خیلی بالا از تولید بخش صنعت بدهیم. برآورد ما این است که بخش تولید صنعتی با احتساب فرآورده‌های نفتی در پاییز ۹۲ به نسبت پاییز ۹۱، ده درصد کوچک شده باشد. اگر بدون احتساب فرآورده‌های نفتی در نظر بگیریم، ۲۰ درصد کوچک شده است.

او ادامه داد: اینکه فرآورده‌های نفتی به ما کمک کرده، به خاطر بالا رفتن قیمت ارز و افزایش درآمد بازار پتروشیمی به ریال است. چون ارز را می‌توانستند خیلی گران‌تر بفروشند.

فاطمی اظهار داشت: اگر بخواهم سطحی به بخش‌های مختلف نگاه کنیم، خودروسازهای ما

بر اساس تحولات بین‌المللی بچینیم، پیش‌بینی ما این است که در وضعیت کنونی صادرات نفت و میعانات ۱/۳ میلیون بشکه است. احتمالاً ۹۰۰ هزار بشکه آن نفت خام است. اگر این روند فعلی بخواهد ادامه پیدا کند، در سال ۹۳ تقریباً همین حدود ممکن است ادامه یابد.

فاطمی این را هم اضافه کرد: اگر مذاکرات به شکست بخورد، وضعیت ما از این بدتر می‌شود و جمع صادرات نفت و میعانات ما حدود ۹۰۰ هزار بشکه خواهد بود. تصور ما این است که در آن صورت برای بانک مرکزی خیلی مشکل خواهد بود که دلار را در وضعیت ارقامی که داریم، نگه دارد.

احتمالاً بدترین وضعیت را دارند. پاییز ۹۲ نسبت به پاییز ۹۱، خودروسازی ما حدود ۳۳ درصد کوچک شده است.

او البته این را هم اضافه کرد: پیش‌بینی ما این است که رشد تولید ناخالص حقیقی ما تا پایان سال ۹۲ چیزی حدود منهای ۲ درصد شود. یعنی ۶ درصد سال گذشته و ۲ درصد امسال، تقریباً ۸ درصد طی ۲ سال کم شده است.

فاطمی خاطرنشان کرد: پیش‌بینی ما این است که در سال ۹۲ همچنان در رکود باشیم. پیش‌بینی ما این است که رشد بخش صنعت حدود حداقل هفت یا هشت درصد منفی باشد.

او ادامه داد: اگر بخواهیم سناریوهای احتمالی را

تورم پاییز ۹۳ حدود ۲۰ درصد خواهد بود

عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف با بیان این که اقتصاد ما به خاطر داشتن نقدینگی‌های بالا عادت کرده که نقدینگی، سریع خودش را به تورم منتقل کند، گفت: دو سال طول می‌کشد که اثر افزایش در پایه پولی، خودش را کامل در نقدینگی و تورم نشان دهد. او افزود: هر چند رشد پایه‌ی پولی ما در دو ماه اخیر منفی بوده و با اوراق مشارکتی که بانک مرکزی انتشار داد، منفی‌تر خواهد شد، منتهی از اثر انباشته شدن نقدینگی سال گذشته نمی‌شود گذشت.

او با اشاره به مفهوم پول پر قدرت گفت: افزایش هر یک از سه مولفه‌ی بدهی دولت به بانک مرکزی، بدهی بانک‌های تجاری به بانک مرکزی و میزان ذخایر ارزی بانک مرکزی باعث افزایش پایه پولی و به این ترتیب تورم می‌شود. تورم‌هایی که ما داشتیم از همین محل می‌آیند. پیش‌بینی‌های ما نشان می‌دهد که با ادامه روند موجود، متوسط تورم سالانه منتهی به پاییز ۹۳، چیزی حدود ۲۰ درصد خواهد بود.

او البته این را هم اضافه کرد: اگر بانک مرکزی بتواند روی سیاست انقباضی که الان اتخاذ کرده پایبند بماند، هدف‌گذاری بانک مرکزی که ظاهراً ۲۴ درصد است و به نظر می‌آید که دولتی‌ها از ۲۵ درصد حرف می‌زنند، محقق شود. از آن‌جا که پاییز ۹۲ نسبت به ۹۱ این عدد ۴۰ درصد بوده، اگر این اتفاق بیفتد چیزی حدود ۶۰ درصد تورم را کم کرده ایم.

او با بیان این که با توجه به شرایط اقتصادی سیاسی سال ۱۳۹۳ به نظر می‌رسد تورم در این سال نسبت به سال ۱۳۹۲ کاهش خواهد یافت خاطر نشان کرد: اما با در نظر گرفتن یکسان‌سازی نرخ ارز و اثر مستقیم افزایش شاخص قیمت کالاهای وارداتی و همچنین اثر مستقیم افزایش قیمت حامل‌های انرژی انتظار داریم میزان تحقق‌یافته‌ی تورم در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۹۳، بیش از میزان پیش‌بینی‌های غیر شرطی باشد.

او ادامه داد: اگر در تورم تغییری اتفاق بیافتد، باعث می‌شود که در کشور واردات زیاد داشته باشیم، چون در تولید دچار مشکل می‌شویم. در واقع یک اثر دو جانبه است که اثر متقابل با نرخ ارز دارد.

تقاضای سوداگران به داریم

او با اشاره به وجود تقاضای سوداگران گفت:

دیگری کرده است. از آن دو میلیون و صد هزار واحدی که باید تحویل داده می‌شد، یک میلیون تحویل داده شده و مابقی آن هنوز به منابع نیاز دارند.

او با بیان این که پیش‌بینی برای میانگین تورم در سال ۲۰۱۳ دنیا تقریباً ۳/۹ درصد است، یادآور شد: تورم اقتصادهای پیشرفته ۱/۷ درصد، تورم اتحادیه اروپا ۲ درصد، تورم اقتصادهای نوظهور ۶ درصد، تورم کشورهای در حال توسعه آسیایی ۵ درصد، تورم خاورمیانه به اضافه‌ی افغانستان و پاکستان چیزی حدود ۹/۴ درصد برآورد شده است.

او خاطر نشان کرد: بیش از ۱۰ یا ۱۵ کشور دنیا تورم بالای ۲۰ درصد دارند.

او در تشریح عوامل تعیین‌کننده تورم گفت: اگر تورم را با کمی اغماض معادل افزایش قیمت از سال قبل به سال فعلی بگیریم، یعنی بگوییم شاخص قیمت‌ها امسال چند است؟ و سال گذشته چند بوده است؟، از چهار کانال ممکن است این قیمت‌ها بالا رفته باشد.

فاطمی افزود: یکی از این کانال‌ها، افزایش مستقیم شوک قیمت انرژی است. این اثر به این ترتیب است که یکسری کالا در سبد خانوار دارید، وقتی یکی از این کالاها گران می‌شود لزوماً به معنی گران شدن سایر کالاها نیست، ولی ارزش کل سبد بالا می‌رود. در عین حالی که نسبت قیمت‌ها اصلاح می‌شود، ممکن است کل سبد قیمت‌ش کمی بالا برود، این اثر، به خودی خود یک اثر کوتاه مدت است.

او ادامه داد: کانال دوم؛ هر جایی است که دولت کسری داشته باشد که هدفمندی یارانه‌ها مهمترین آن است. ممکن است پروژه‌های بزرگی مثل مسکن مهر هم باشد، که باعث کسری بودجه دولت می‌شوند و تراز مالی دولت منفی‌تر می‌شود. فاطمی خاطر نشان کرد: دولت ممکن است برای جبران دو کار کند: یا اینکه تلاش کند قیمت ارز را بالا ببرد که یکسری کالاهای وارداتی، گران می‌شوند و دوباره اصلاح قیمت می‌شود. یا این که کمبود خودش را از طریق استقراض از بانک مرکزی، تأمین کند که اینکار منجر به افزایش در پایه پولی می‌شود. این در حالی است که عملاً دنیا قبول کرده که چیزی که باعث تورم است افزایش در پایه پولی است.

او با بیان این که این دو اتفاق باعث تغییر سبد خانوار می‌شود و قیمت‌های نسبی را تغییر می‌دهد، ادامه داد: این تغییر قیمت‌ها، اصلاح مصرف را در پی خواهد داشت و هم کل سبد گران می‌شود و هم در بلند مدت همه‌ی قیمت‌ها با هم بالا می‌روند.

احتمال کسری بودجه دولت

او در بخش دیگری از سخنان خود به اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرد و گفت: افزایش قیمت انرژی، تأثیراتی روی خانوار دارد و به خانوارها فشار می‌آید چون که خرج زندگیشان بالا می‌رود.

فاطمی افزود: دولت به خاطر اینکه درآمدی کسب کرده، می‌خواهد آن درآمد را به خانوارها منتقل کند. ممکن است در این مسیر دچار کسر بودجه شود. تهدیدی که به وجود می‌آید این است که دولت بخواهد از منابع بانک مرکزی برداشت کند، یا اینکه تلاش کند با افزایش قیمت ارز در بازار، کسری منابع را در هدفمندی تأمین کند.

او خاطر نشان کرد: مکانیزم اول باعث افزایش قیمت ارز در بازار خواهد شد و مکانیزم دوم باعث می‌شود که پایه پولی افزایش پیدا کند.

فاطمی با بیان این که پایه پولی، موتور اصلی افزایش نقدینگی و تورم است، خاطر نشان کرد: به خاطر اینکه قیمت حامل‌ها افزایش پیدا می‌کند، هزینه بنگاه‌ها بالا می‌رود. نهایتاً قیمت یکسری از کالاهای بنگاه‌ها اصلاح می‌شود. در اینجا مقداری گرانی خواهیم دید و چون وضع بنگاه‌ها بدتر می‌شود، درآمد خانوارها کاهش پیدا می‌کند. به هر حال در اقتصاد، بنگاه‌ها سودشان را بین خانوارها تقسیم خواهند کرد.

او ادامه داد: چون بنگاه‌ها نیاز به منابع دارند، به نظام بانکی فشار می‌آورند و تقاضا برای تسهیلات افزایش خواهد یافت. نظام بانکی برای اینکه بتواند به بنگاه‌ها تسهیلات دهد، مجبور می‌شود که سراغ بانک مرکزی برود. این امر منجر به افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی می‌شود و مجدداً افزایش در پایه پولی اتفاق می‌افتد و همان داستان تورم قبلی تکرار می‌شود.

مسکن مهر از جیب مردم است

او اظهار داشت: یادمان باشد یک جای دیگر دست دولت و نظام بانکی در جیب بانک مرکزی برای افزایش پایه پولی است که آن هم مسکن مهر است. ابعاد مسکن مهر خیلی بزرگ، یعنی چیزی حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان یا کمی بیشتر است. برآورد می‌شود تقریباً ۴۰ درصد این رقم، بدهی مستقیم بانک مسکن به بانک مرکزی بابت مسکن مهر است.

دکتر فاطمی به صراحت گفت: اگر دولت دارد مسکن مهر تحویل خانوارها می‌دهد، خیلی غره نباشد که برای مردم مسکن ساخته است چون پول آن را از طریق افزایش تورم و مالیات، از جیب همه گرفته و خرج ساختن مسکن مهر برای عده

ازمانی که در اقتصاد تورم داریم و نرخ بهره ثابت است، تقاضای سوداگرایانه ایجاد می‌شود. به این ترتیب بازدهی بازارهای مالی غیر جذاب می‌شوند. می‌شود دلار یا خانه خرید. یعنی هر چقدر تورم بالا رود و نرخ ارز هم تثبیت شده باشد، باعث می‌شود که تقاضای سوداگران هجوم بیاورد و مردم بروند مثلاً ارز بخرند.

فاطمی افزود: بعضی می‌گویند که ما تا ۱۹ میلیارد دلار اسکناس دلاری در دست مردم در خانه‌هایشان داریم. درست یا غلط بودن این موضوع را نمی‌دانم ولی به هر حال بخشی از تقاضای ارز ما تقاضاهای سوداگرانه است.

او ادامه می‌دهد: از آنطرف هم اگر ریسک‌های سیاسی به وجود بیاید ممکن است باعث خروج سرمایه شود. پس احتیاج به ارز دارند و این هم تقاضای ارزی به وجود می‌آورد.

در صورتی که تحریم‌ها صادرات غیرنفتی را برای ما مشکل کند به همان ترتیبی که ظرف یک یا یک سال و نیم اخیر اتفاق افتاد، منجر به کاهش عرضه‌ی ارز در بازار می‌شود. یعنی دولت نفت صادر می‌کند اما درآمدهای نفتی به دستش نمی‌رسد و توان بانک مرکزی برای مداخلات ارزی در بازار ارز کم می‌شود. به همین ترتیب می‌تواند روی نرخ ارز اثر مثبت بگذارد. در عین حال ذخائر بانک مرکزی هم محدود است. به نظر می‌آید احتیاج بانک مرکزی هم در برداشت از این ذخائر کمی بیشتر شده است.

او یادآور می‌شود: اگر تحریم‌ها جلوی ورود سرمایه را هم بگیرد و ورود سرمایه کم شود، آن هم روی نرخ ارز تأثیر می‌گذارد.

او با اشاره به مقوله‌ی میزان سودآوری سرمایه‌گذاری در داخل کشور، گفت: این مقوله هم می‌تواند روی سرمایه‌گذاری و نهایتاً تورم تأثیر داشته باشد.

نرخ ارز تحت تأثیر تقاضای سوداگران

او با بیان این‌که سال آینده نرخ ارز تحت تأثیر تقاضای سوداگران خواهد بود، گفت: به هر حال مردم ارز دارند و اگر فکر کنند نرخ ارز تثبیت شده است، ممکن است ارزهایشان را به بازار بیاورند و یا اگر فکر کنند به دلایلی ممکن است عرضه بالا برود، ممکن است در بازار، تقاضا ایجاد کنند که از آنطرف مداخلات ارزی بانک مرکزی محتمل است. معاون پژوهشی پژوهشکده پولی بانکی افزود: به نظر می‌آید بعد از استقرار دولت یازدهم، مقداری نرخ ارز تثبیت شده و مقداری هم کاهش پیدا کرده است.

او با بیان این‌که ارز هم کالایی است مثل کالاهای

دیگر، تأکید کرد: در این دوره ما تورم داشتیم. یعنی کالاها گران می‌شدند، از آنطرف ارزمان ثابت بود. اتفاقی که می‌افتد این است که مثلاً شما می‌توانید فکر کنید که یک ماشین ایرانی سوار شوید یا یک ماشین خارجی، ماشین ایرانی به خاطر تورم مثلاً ۲۰ درصد گران می‌شود، اما ماشین خارجی اگر قیمتش به دلار ثابت باشد در مقابل نرخ ارز، ارزان می‌شود. یعنی سبد کالاهای مصرفی ما تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

فاطمی با تأکید بر این‌که نرخ ارز تحقیقاً مهمترین شاخص اقتصاد کلان است، یادآور شد: نرخ ارز تنها شاخص اقتصاد کلان است که برای مطلع شدن از آن احتیاج به محاسبات جداگانه ندارد. هر وقت منافع ارزی ما به هر دلیلی مثل پایین آمدن قیمت نفت در دنیا یا تحریم و... محدود شد، همواره شاهد مداخله در قیمت ارز بودیم.

او یادآور شد: از سال ۸۱ به بعد که پول داخلی ما تقویت شد مرتب تولید و اشتغال ضعیف شد. وقتی پول داخلی ما تقویت می‌شود تقویت پول داخلی به این معنی است که کسی که بخواهد در بازار داخلی بفروشد باید با کالای ارزان‌تر خارجی که می‌آید، مقابله کند.

دکتر مشایخی از اعضای پانل نیز در این بخش با ورود به بحث افزود:

با تقویت پول ملی به پایه‌های پولی‌مان که تولید و اشتغال است، ضربه می‌زنیم. عجیب است که این فهمیده نمی‌شود. در صورتی‌که، پول ملی زمانی قوی می‌شود که پایه‌های تولید قوی شود. او افزود: برای تقویت پول ملی نرخ ارز را تثبیت می‌کنیم در حالی‌که تولیدمان را داریم ضعیف می‌کنیم. پایه‌های تولید ضعیف می‌شود، جوان‌های ما بیکار می‌شوند، واردات می‌آید و سرمایه‌گذاری صنعتی را کم می‌کند و تمام این مصیبت‌ها را سر کشور می‌آوریم برای اینکه قصدمان این است که پول ملی را قوی کنیم. در صورتی که باید دقت کنیم که پول ملی زمانی قوی می‌شود که تولید قوی شود.

مشایخی خاطرنشان کرد: ارز هر چه می‌خواهد بشود. اگر تولید قوی شد، پول ملی هم قوی می‌شود. چنین دعوایش با غرب این است که می‌گویند چرا پول ملی‌ات را قوی نمی‌کنی؟ می‌گوید: برای اینکه نمی‌خواهم صادراتم را از دست بدهم. برای اینکه می‌داند اگر پولش را گران‌تر کند به صادراتش لطمه می‌خورد.

او یادآور شد: این خیلی برای من عجیب است و من متحیر می‌شوم که چرا سر یک شعار سطحی اینقدر ما مملکت را معطل می‌کنیم. تثبیت نرخ ارز، در حالی که تورم ما رو به بالاست، یعنی

تضعیف تولید و در نتیجه تضعیف پول ملی.

ثابت نگه داشتن قیمت ارز عقلایی نیست

فاطمی ادامه داد: تا وقتی که تورم را کنترل نکنیم و نتوانیم تورم را در ارقام پایین نگه داریم، ثابت نگه داشتن قیمت هیچ کالایی از جمله ارز و کالاهای وارداتی نه امکان پذیر است و نه عقلایی است.

بدتر این است که تورم را از جیب همه پنهانی درمی‌آوریم.

او اظهار داشت: اگر بخواهم نرخ ارز را پیش بینی بکنم، اگر فرض کنم که پایان خرداد ۹۳، نرخ ارز روی سه هزار تومان بماند. با فرض تورم ۲۴ درصدی بانک مرکزی، نرخ ارز حقیقی در پایان سال ۹۳، سی درصد پایین‌تر از پایان سال ۸۱ خواهد بود و اگر این نرخ به ۴ هزار تومان برسد، همچنان ۱۰ درصد پایین‌تر از پایان سال ۸۱ است. او یادآور شد: اگر توانایی بانک مرکزی برای مداخله زیاد و علاقمند به مداخله باشد، می‌تواند نرخ را پایین نگه دارد. اگر بانک توانایی‌اش برای مداخله زیاد نباشد، این رقم افزایش پیدا خواهد کرد و این فاصله، یک زمانی فشار خودش را به اقتصاد وارد خواهد کرد. اگر بتوانیم به تدریج اصلاحش کنیم و حواسمان باشد با داستان تثبیت نرخ ارز دچار مشکل نمی‌شویم.

تفاوت ثبات با تثبیت نرخ ارز

فاطمی یادآور شد: تثبیت نرخ ارز با ثبات نرخ ارز فرق دارد. شما می‌توانید به ثبات نرخ ارز در یک بستر فکر کنید و بگویید که نرخ ارز من ثابت دارد. الان که ارز ۳۰۰۰ تومان است پایان سال ۳۸۰۰ تومان می‌شود. یعنی این کار را با ثبات انجام دهیم، این با تثبیت که به معنای ثابت نگه داشتن است و نگذاریم جابه‌جا شود متفاوت است. او به صراحت گفت: فشار عوامل سمت عرضه و تقاضا، در جهت افزایش نرخ ارز در سال ۹۳ قوی‌تر خواهد بود. در تحریم‌ها حتی اگر به توافق‌هایی هم برسیم اتفاق زیادی روی عرضه‌ی ارز نمی‌افتد. او ادامه داد: با توجه به اینکه آینده رخدادهای سیاسی هم مشخص نیست، تحلیل اثردهی درصدی از عوامل هم بسیار دشوار است. توان مداخله‌ی بانک مرکزی در بازار ارز شدیداً تابع این گفتار است.

فاطمی یادآور شد: با فرض مبنا گرفتن نرخ ارز سال ۸۳، در آینده میان‌مدت که منظور یک ساله است، نرخ ارز می‌تواند تا سطحی حتی بسیار بالاتر از سطح فعلی هم افزایش پیدا کند.

یکی از فعالان صنعت پسته کالیفرنیا در دومین گردهمایی انجمن پسته ایران تاکید کرد:

نقش موثر شکل های غیردولتی در توسعه صنعت پسته آمریکا

او بیان داشت: هدف از تشکیل این سازمان غیردولتی این بود که کیفیت پسته را در آن زمان بهبود بدهند. تولیدکننده هایی بودند که پسته را با کیفیت خیلی پایین عرضه می کردند و این باعث تحلیل رفتن بازار شده بود و برای آینده بازار بسیار مضر بود. عده ای از تولیدکننده ها پسته لکه دار را با مواد شیمیایی سفید می کردند و پسته ی مکانیک خندان (آب خندان) را با پسته خندان مخلوط می کردند. این باعث عدم اعتماد عده ی زیادی از مصرف کننده ها و کسادی بازار شده بود. در این تشکل توافق کردند که با مواد شیمیایی، پسته لکه دار را سفید نکنند و در ضمن روی محصول برچسبی مبنی بر مکانیک خندان بودن یا طبیعی خندان بودن را صادقانه نصب کنند. اعضا هم به این توافق پایبند بودند.

او با بیان این که حتی در کالیفرنیا هم بعضی اوقات همکاری پایدار نیست، گفت: سال ۲۰۰۵ پارامونت که بزرگترین تولیدکننده ی آن زمان بود، از توافق نامه کناره گیری کرد و متأسفانه این تشکل هم منحل شد؛ چرا که سهم این تشکل در صنعت از حد توافق دولت کالیفرنیا با صنعت پایین تر آمد و دولت کالیفرنیا این تشکل را منحل کرد.

او افزود: شاید شما در ایران از CPEC شناختی نداشته باشید. CPEC که مخفف شورای صادرات پسته کالیفرنیا است، تشکلی از فراوری کننده ها و تجار عمده پسته است که ۶ عضو دارد. این تشکل ارائه دهنده رهنمود به صنعت پسته و حمایت از آن در رابطه با تعیین قیمت ها، شرایط بازار و سیاست گذاری در صادرات می باشد. به نظر من این تشکل خیلی برای فعالان ایران مهم است. چون این تشکل باعث همگنی و استحکام قیمت در بازار می شود و این برای آینده پسته مهم است.

او بیان داشت: ACP کمیته اجرایی پسته نام دارد که در سال ۲۰۰۵ زیر نظر وزارت کشاورزی آمریکا شکل گرفت و از نظر قانونی عضویت در آن توسط دولت مرکزی آمریکا الزام شده و برای توسعه بازاریابی پسته در دنیا فعالیت می کند. هیأت مدیره این تشکل یازده نفر هستند؛ هشت نفر تولیدکننده که توسط تولیدکنندگان انتخاب می شوند، دو نفر تاجر و فراوری کننده که توسط تجار و فراوری کنندگان انتخاب می شوند و یک نفر که از طرف مردم کالیفرنیا انتخاب می شود و نماینده مردم است. اهداف این تشکل، تضمین امنیت غذایی به خصوص آزمایش آفات و کسین برای کل پسته ای است که در آمریکا توزیع و صادرات می شود، علاوه بر آن مسوولیت جمع آوری آمار در مورد تولید، مصرف داخل و خارج از آمریکا را نیز برعهده دارد. این تشکل هیچ نوع تبلیغات یا ترویج تولید انجام نمی دهد.



او یادآور شد: بعد از آن هم تشکل های دیگری آمدند و رفتند. مثلاً کمیسیون پسته کالیفرنیا، هیأت پسته کالیفرنیا و انجمن پسته غرب آمریکا دیگر وجود ندارند، اما تشکل های Ad- American Pistachio Growers (APG), California Pistachio Administrative Committee for Pistachios (ACP), California Pistachio Research Board (CPRB), California Pistachio Export Council (CPEC) هنوز فعال هستند.

این فعال صنعت پسته کالیفرنیا خاطر نشان کرد: انجمن پسته کالیفرنیا در سال ۱۹۷۸ شکل گرفت و تا سال ۱۹۸۱ فعال بود. در سال ۱۹۸۱ کمیسیون پسته کالیفرنیا به جای این تشکل تأسیس شد و تمرکزش در رابطه با دولت ایالتی و دولت مرکزی و مسائل تولید پسته بود. انجمن پسته کالیفرنیا که در سال ۱۹۸۱ غیرفعال شده بود در سال ۱۹۸۹ نامش را به انجمن پسته غرب آمریکا تغییر داد و در سال ۲۰۰۷ که کمیسیون پسته کالیفرنیا منحل شد انجمن پسته غرب آمریکا مجدداً جای آن را گرفت.

او ادامه داد: کمیسیون پسته کالیفرنیا بر تبلیغات کلی برای ترویج مصرف پسته، تحقیقات مربوط به ارزش غذایی پسته و کمک به تولید پسته تمرکز داشت که البته در سال ۲۰۰۷ این تشکل منحل شد. همکاری باغداران و تولیدکننده ها با این تشکل، توسط قانون الزامی شد.

نیکولز افزود: California Pistachio Board (CPB) یعنی هیأت پسته کالیفرنیا در سال ۱۹۹۴ شکل گرفت و یک تشکل اختیاری بود برای اشخاصی که در تجارت و فراوری پسته نقش داشتند؛ نه برای باغداران.

ماهنامه پسته - چارلز نیکولز مدیرعامل یکی از بزرگترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان پسته کالیفرنیا در دومین گردهمایی انجمن پسته ایران در کیش، در خصوص ساختارهای مدیریت در صنعت پسته کالیفرنیا با اذعان به این که تاریخچه پسته در کالیفرنیا خیلی کوتاه تر از ایران است، گفت: در پنجاه سال اخیر که صنعت پسته کالیفرنیا تاریخچه دارد، کارهای زیادی انجام شده و تشکل های مختلفی وجود داشتند.

او با بیان این که اولین برداشت پسته در کالیفرنیا در سال ۱۹۷۶ به میزان ۴۰۰ تن بود، افزود: زمان کوتاهی بعد از آن در سال ۱۹۷۸ انجمن پسته کالیفرنیا California Pistachio Association (CPA) تشکیل شد که خیلی شبیه انجمن پسته ایران بود.

نیکولز یادآور شد: کمیسیون پسته کالیفرنیا California Pistachio Commission (CPC) در سال ۱۹۸۱ شکل گرفت که یک تشکل اجباری برای باغدارها بود و برای ۲۶ سال فعال بود.

اهداف اصلی CPC پشتیبانی از انجام تحقیقات جهت بهبود شرایط تولید و تضمین کمیت و کیفیت محصول تولیدی، ترویج و سازماندهی تبلیغات جهت معرفی و افزایش محبوبیت و فروش پسته به مصرف کنندگان خشکبار (۷۵ تا ۸۰ درصد کل بودجه این تشکل صرف فعالیت بازاریابی می شد)، رایزنی با مسوولان دولت مرکزی آمریکا جهت تقلیل تعرفه های گمرکی کشورهای واردکننده پسته کالیفرنیا و اعمال تعرفه های بازدارنده جهت جلوگیری از ورود پسته ایران به بازار داخل آمریکا بود.

او ادامه داد: CPRB مخفف تشکل "هیأت تحقیقات پسته کالیفرنیا" است که در سال ۲۰۰۷ به وجود آمد تا جای خالی بخشی از فعالیت های کمیسیون پسته آمریکا (CPC) که در همان سال منحل شده بود، را پر کند. CPRB فقط در کالیفرنیا فعال است و به تحقیقات در مورد تولید مربوط می شود.

او با بیان این که در صنعت پسته کالیفرنیا تشکل هایی وجود دارد که عضویت در آن ها از نظر قانونی الزامی و برخی اختیاری است، گفت: در دو تشکل ACP و CPRB اعضا هر پنج سال یکبار رأی می دهند که آیا فعالیت این تشکل ادامه یابد یا نه. دلیل این امر هم آن است که مطمئن شویم این تشکل ها اعضا را نمایندگی می کنند. در برگزاری انتخابات، وزن آرا براساس میزان تولید و تعداد اعضا است.

نیکولز خاطر نشان کرد: حق عضویت توسط اعضای هیأت مدیره این تشکل ها مشخص می شود و در چهار سال گذشته ثابت بوده است. کل رقم حاصل از حق عضویت در مورد ACP حدود پانصد هزار دلار است و در مورد CPRB که مسوول تحقیقات تولید است یک میلیون دلار است.

در سال ۲۰۱۱ انجمن پسته غرب آمریکا به "انجمن باغداران پسته آمریکا" APG تغییر نام داد. تشکل تولیدکنندگان پسته آمریکا APG خیلی شبیه انجمن پسته ایران است، APG نماینده حدود ۳۸ درصد تولید و ۴۶ درصد فرآوری کنندگان/تجار آمریکا است و شرکت پارامونت بزرگترین تولیدکننده آمریکا در این تشکل حضور ندارد.

یکی از هدف های مهم APG، امکان بازگشت بیشتر

سرمایه به تولیدکننده هاست. یک راه رسیدن به این هدف بالا بردن تقاضا است. این تشکل برنامه هایی دارد که اعضا به صورت انفرادی نمی توانند خودشان انجام بدهند؛ شامل تحقیقات درباره ارزش غذایی پسته، تبلیغات کلی برای پسته، ترویج بازار و رابطه با تشکل های دولتی به خصوص برای پایین آوردن گمرک در کشورهایی که پسته به آن کشورها صادر می شود.

او با بیان این که در کالیفرنیا فرآوری کننده ها و تجار خیلی اوقات یکی هستند و جدا نیستند، گفت: در سال محصولی ۲۰۱۲، در این تشکل ۷ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار از اعضا جمع آوری شد. این تشکل از دولت آمریکا نیز تقاضای کمک های مالی کرد و در سال ۲۰۱۲، یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار از این طریق به دست آورد. از کل دارایی که جمع شد حدود ۶ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار برای مسائل مربوط به بازاریابی و ترویج پسته، ۸۹۰ هزار دلار برای تحقیق در رابطه با ارزش مواد غذایی و بهبود وضعیت مصرف کننده، ۸۲۰ هزار دلار برای جذب و ارتباط با اعضا و ۴۰۰ هزار دلار برای رابطه با ارگان های دولتی مصرف شد.

نیکولز اظهار داشت: تنها دلیلی که این سیستم کار می کند این است که در کل کالیفرنیا فقط ۲۰ تاجر و فرآوری کننده هست و ۹۹ درصد کل تولید از طریق ۶ نفر از این تجار به بازار می رسد.

او با اذعان به این که در گذشته اختلافات زیادی در داخل صنعت پسته کالیفرنیا برای تبلیغات و گسترش بازار و بازاریابی وجود داشت، خاطر نشان کرد: از وضعیت فعلی نسبتاً راضی هستیم و این تشکل برای اعضا خوب کار می کند.

نیکولز در گفت و گوی اختصاصی با ماهنامه انجمن پسته ایران مطرح کرد:

مشکل اصلی پسته ایران آفاتوکسین نیست!

کار تولید یک کار محلی است

همکاری و همراهی نمی بینند. شاید برای این است که اهمیت این تشکل را برای صنعت و دستاوردهایی که می تواند در آینده برایشان داشته باشد را درک نمی کنند. **سپاس** و شما عضویت اجباری را برای این دسته از فعالان صنعت پیشنهاد می کنید؟ با توجه به اینکه در کشورتان تجربه ی عضویت اجباری در انجمن را دارید؟

با توجه به تجربه ای که من با تشکل های مشابه داشتم که حضور برای باغداران در آن ها اجباری بوده است، واضح است که لازم نیست همه چنین تشکل هایی را تایید کنند و بخواهند در این تشکل شرکت کنند تا این تشکل ها معنی دار باشند و بتوانند فعالیت کنند. چیزی که لازم است این است که اکثریت بزرگی، شاید بیشتر از ۸۰ درصد کل صنعت حاضر باشند در چنین تشکلی شرکت کنند. این اتفاق در کالیفرنیا افتاده که عده ای که حاضر نبودند در این تشکل ها شرکت کنند از آن تشکل

امروز در اینجا حضور داشتند و تعاملی که بین بخش خصوصی و بخش دولتی ظاهراً وجود دارد و قصدی که برای ادامه این همکاری دارند، من جای امیدواری می بینم که بتوانید صنعت را به حد بالاتری از کارایی، بیش تر از چیزی که تا به حال داشتید، برسانید.

سپاس علاقمندم بدانم که چه ذهنیت و قضایاتی درباره صنعت پسته ایران دارید؟

اشخاصی که من دیدم به طور کلی دل بستگی زیادی به این صنعت دارند. پایداری زیادی در مقابل مشکلاتی که وجود دارد، دارند و همه ی این ها نشان دهنده ی آینده خوبی برای صنعت است و این مطلب سازنده و امیدوارکننده است. اشخاصی که در کیش حضور دارند اکثراً یا همه ی آن ها اعضای انجمن هستند، ولی عده ی زیادی در صنعت پسته ی ایران هستند که فعال هستند، که یا از حضور و فعالیت انجمن آگاهی ندارند یا اینکه دلیلی برای

ماهنامه پسته - انجمن پسته ایران در دومین گردهمایی خود، مهمانی هم از پسته کالیفرنیا داشت. چارلز نیکولز به همراه پسرش مهمان انجمن در کیش بودند تا باب تعامل با صنعت پسته آمریکا کلید بخورد. ماهنامه از آقای نوید ارجمند که در هنگام مصاحبه زحمت ترجمه را کشید، سپاسگزار است.

سپاس آقای نیکولز! برای شروع گفت و گو از سفر به کیش شروع کنیم. گردهمایی انجمن پسته ایران را چطور دیدند؟

خیلی جالب بود. پذیرایی و مهمان نوازی مسوولین انجمن و اعضای انجمن بسیار بسیار جالب و چشمگیر بود.

سپاس ارزیابی شما از محتوای گردهمایی چیست؟ صنعت پسته ایران صنعت بسیار قدیمی است ولی تشکل تان نسبتاً تازه است و با توجه به جمعیتی که

یک کالای غذایی خوب و سالم هزینه می‌کنند. این در شرایطی است که در حال حاضر به هر صورت تقاضا خیلی فراتر از عرضه است و ما با توجه به اینکه می‌دانیم در آینده این شرایط تغییر خواهد کرد، این کارها را انجام می‌دهیم. شرکت ما فعالیت زیادی در زمینه مارکتینگ می‌کند، به این معنی که کالا را در اختیار فروشنده‌ها با قیمت‌های پایین‌تر گذاشتن و تشویق مصرف‌کننده به مصرف. این چیزی است که برای ما ادامه دار است و واضح است که نیاز است به طور مستمر روی آن کار شود.

سازمان صنعت پسته آمریکا با صنعت پسته ایران یک چالش مشترک به نام کمبود آب دارند. برای مدیریت بحران آب و خشکسالی که در آمریکا حادث شده چه برنامه‌ای دارید و نگران این نیستید که تولیدتان دچار تهدید جدی شود؟

در کالیفرنیا ۳۰۰ نوع کالای مواد اولیه غذایی کشت می‌شود و مسئله آب زمانی مهم خواهد شد که قیمت کالاهای پایین بیاید. اگر چنین اتفاقی بیفتد آن وقت صرفه تولید پایین خواهد آمد و بنابراین سطح زیر کشت پایین می‌آید و آن زمان است که عرضه کالا پایین خواهد آمد ولی فعلاً قیمت بالاست و تولید صرفه دارد و این چرخه به صرفه و تولید ادامه پیدا می‌کند چون اشخاصی که پسته تولید می‌کنند توان پرداخت هزینه آب را دارند و به یک ترتیبی به ضرر تعداد دیگری از تولیدات کشاورزی کالیفرنیا تمام می‌شود نه به ضرر پسته.

سازمان فارغ از رابطه دو دولت با هم، توسعه همکاری‌های بین دو صنعت چه اثراتی می‌تواند روی هر دو صنعت داشته باشد؟

شناخت بین دو گروه هنوز در بدو کار است. نمی‌دانم این مطلب به چه صورت پیش خواهد رفت. ولی در حال حاضر در کالیفرنیا تعداد زیادی ایرانی هستند که مشغول تولید پسته هستند و برعکس در حال حاضر صدق نمی‌کند یعنی هیچ آمریکایی در ایران نیست که مشغول کار تولید باشد. این را در آینده می‌بینم که یکسری کارهای بازاریابی و شاید همکاری در فروش بین بعضی از فعالان در ایران و آمریکا برای بازارهای خاص تحت شرایطی که هنوز تعریف نشده، باشد. شاید هنوز به اندازه کافی توانایی‌های یکدیگر را در این بازارها نمی‌شناسیم.

آیا دانشتان را در حوزه تولید می‌توانید با هم به اشتراک بگذارید؟

امکان دارد که یکسری کارهایی که در کالیفرنیا انجام می‌شود به درد بخور باشد ولی کار تولید یک کار محلی است و شرایط بسیار خاص دارد و چیزی است که خود ایران باید روی آن کار کند و در شرایط خاص خودش بتواند این مشکلات را حل کند. خیلی وقت‌ها جواب‌هایی که ما داریم برای شما معنی دار نخواهد بود و آزمایش ما جوابگو نخواهد بود.

روش‌ها متفاوت است ولی رقابت بر سر بازار است. در برخی جاها ایران و آمریکا بازار مشترک دارند. نوع رقابت با پسته ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ایران چقدر رقیب جدی در بازار است؟

درست است چنین بازاری در اروپا هست که در آنجا مساله آفاتوکسین مهم و اثرگذار است. چیزی که من در بازارهایی که ما رقابت مشترک داریم بیشتر می‌شنوم این است که قراردادهایی که بسته می‌شود عموماً قراردادهایی است که طرف خریدار دوست دارد، بلند مدت باشد، کالا به موقع برسد و اشخاص به شرایط قراردادهایی که می‌بندند از نظر حجمی و زمانی پایبند باشند. شاید مشکل اصلی این باشد و نه فقط آفاتوکسین.

در هر صورت، تجربیات خریدارها در این بازارها باعث شده که پسته کالیفرنیا را از نظر نحوه عملکرد صادرکننده‌های آمریکایی در مقایسه با صادرکننده‌های ایرانی قابل اطمینان‌تر بدانند و به هر صورت بازارهای دیگری هم هست که این محدودیت‌ها را کمتر دارد مثل بازار چین که حد مجاز آفاتوکسینی وجود دارد ولی من هیچ زمان نشنیده‌ام که کالا یا کانتینری از چین برگشت بخورد. مساله دیگری که ایران با آن روبرو هست مساله تحریم هست و تبعاً این تحریم‌ها صادرات و تبادل کالا را برای تولیدکننده و صادرکننده ایرانی سخت‌تر می‌کند. تحریم مساله‌ای است که ما نداریم.

حد مجاز آفاتوکسین که افزایش پیدا کرد. از طرفی برندهای معتبری هم دارد در ایران شکل می‌گیرد که به تعهدهایشان پایبند هستند. شما فکر می‌کنید چقدر طعم و مزه پسته ایرانی یا نسبت وزن مغز به وزن کل پسته ... می‌تواند تهدیدی برای بازار پسته آمریکا حساب شود آیا ویژگی‌های ۴ گانه پسته ایرانی در معادلات بازار مطرح است؟

این سوال مشکلی برای جواب دادن است. چون تا به حال تقاضا برای کالا خیلی بیشتر از عرضه بوده و برای اینکه بتوانیم بفهمیم که مصرف‌کننده به کدام سمت خواهد رفت در شرایطی این مطلب به طور واضح جواب می‌دهد که عرضه کالا بالا باشد. یعنی هم ایران و هم آمریکا در یک سال مشخص تولید بسیار بالایی داشته باشند و آن زمان باشد که عرضه از تقاضا پیشی بگیرد تا ما بدانیم که وقتی که مصرف‌کننده انتخاب دارد به کدام سمت خواهد رفت.

با توجه به تحولاتی که ممکن است در آینده در میزان عرضه پسته اتفاق بی‌افتد و آمریکا سهمش در عرضه افزایش پیدا کند، برنامه‌ای برای بازاریابی پیش‌بینی کرده‌اید؟

بله هم APG و هم پارامونت مقدار زیادی هر سال برای دو بخش یعنی بازاریابی و تبلیغ پسته به عنوان

شکایت کردند برای همین درصد بسیار بالایی نیاز داریم که چنین چیزی را واقعی کنیم و این درصد احتمالاً باید بالاتر از ۸۰ درصد باشد.

سازمان جلب مشارکت را با چه مکانیزم‌هایی توصیه می‌کنید؟

به نظر من شما فعلاً دارید کار درستی را انجام می‌دهید، اینکه به صورت داوطلبانه عضویت و مشارکت انجام می‌شود. ولی برای اینکه بتوانید چنین تشکلهایی را ایجاد کنید باید نشان بدهید که در زمینه‌هایی موفقیت‌های چشمگیری داشته‌اید تا مردم راغب به عضویت شوند.

ارزیابی شما از انجمن پسته ایران چیست و فکر می‌کنید که این تشکل چقدر توانمند است؟

سنجش کیفیت کار، راه خیلی مشخصی دارد. برای مثال برنامه‌ای برای ترویج و آموزش روش‌های کشت و داشت به صورت علمی بین بخش خصوصی و دولتی در باغاتی به صورت نمونه، که صحبتش هست - می‌تواند نشان بدهد که این توانمندی وجود دارد تا میزان تولید را از چیزی که هست بالا ببرند و به حدی برسانند که مردم را راغب کند در این تشکلهای عضو شوند و یک نتیجه مثبت از فعالیت‌شان ببینند و نشان بدهید که توانمندی این را دارید که روند نزولی تولید صنعت را به طرف بالا بیاورید و این فقط با نشان دادن توانمندی بالا بردن کارایی در هکتار زمین و کارایی در آب است که می‌شود مردم را متقاعد کرد که بیایند و ببینند و پرداخت اجباری وجوه به چنین تشکلی را قبول کنند.

سازمان علاقمند هستم تحلیل شما از صنعت پسته آمریکا و ایران را بدانم. تمایزها و تفاوت‌های این دو صنعت را در چه می‌بینید؟

به طور واضح تفاوت‌های بسیار زیادی بین ما هست. ولی بازار دنیا بازار بزرگی است. کشورهایی هستند مانند هند، شوروی، روسیه، آمریکای جنوبی و آسیای جنوب شرقی که پتانسیل‌های عظیم دارند. در ضمن خیلی خوب است که یک صنعت مثل پسته در یک موقعیت جغرافیایی خاص تولیدش انجام نشود و در دنیا برای امنیت صنعت پخش باشد. این مطلب مثبتی است چون ایران و آمریکا در دو نقطه‌ی مختلف دنیا هستند و دارند تولید انجام می‌دهند و ریسک برای کل صنعت پسته برای ورود به بازار کم می‌شود. به هر حال روش کار ما از نظر بازاریابی و نحوه برخورد ما با بازارها فرق می‌کند و من نمی‌بینم که این تفاوت روش، در آینده‌ای نزدیک تغییر خاصی پیدا کند. شاید در آینده این تغییرات به وجود آید ولی فعلاً چنین تغییری را خیلی ممکن نمی‌بینم. در ضمن ایجاد ارتباط بیشتر بین ما در آینده مستلزم این است که دولت‌های ما به هم نزدیک شوند تا موانعی که در حال حاضر برای همکاری بین صنعت‌های دو کشور وجود دارد برداشته شود و تحت این شرایط است که می‌توانیم همکاری نزدیک‌تری در بازار بین‌الملل داشته باشیم.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در گفت و گوی اختصاصی با ماهنامه انجمن پسته ایران مطرح کرد:

بخش خصوصی روی پای خودش بایستد

نقص جدی در قانون به رسمیت شناختن چاه‌های غیر مجاز

ما این مسیر را مسیر درستی نمی دانیم.

سپاس منظور تان ستاد عالی است؟

بله؛ ستاد عالی. ما این مسیر را یک مسیری که به نتیجه برسد نمی دانیم. مسیر همان است که بخش خصوصی با قدرت روی پای خودش بایستد و دست روی زانوی خودش بگیرد و از جا بلند شود. البته حاکمیت یعنی مجلسی‌ها، دولتی‌ها، قوه قضاییه هم باید بروند به سمت وظایف حاکمیتی. یعنی حمایت، هدایت، برنامه‌ریزی و این قبیل مسائل. انجمن پسته ایران هم می‌تواند در این مسیر قدم‌های مثبت خوبی را بردارد.

سپاس یکی از قوانینی که مجلس در خصوص کشاورزی

به تصویب رساند قانون بهره‌وری کشاورزی بود. چه شد

که این قانون نتوانست آنطور که مجلسی‌ها پیش‌بینی

می‌کردند، بر کشاورزی ایران تأثیر بگذارد؟

اصولاً وقتی ما قانونی را تصویب می‌کنیم ممکن است نواقصی داشته باشد. یک قانون که تصویب می‌شود سه، چهار آسیب می‌تواند داشته باشد؛ اینکه درست اجرا نشود. ناقص اجرا شود. یکی هم این‌که درست اجرا شود ولی خود قانون نقص و مشکل داشته باشد. این تعاملات مستمر بخش خصوصی، مجریان قانون و تصویب‌کنندگان قانون، خودش یک مسیر اصلاح و تکمیل است. یکی از توقعاتی که از شورای گفتگو داریم، این است که یک شورای بزرگ قانونمند و با ضمانت اجرایی تصمیمات، و حلقه مفقوده‌ای باشد که یک قانون که تصویب می‌شود اول دقت کنند که این قانون کامل و درست اجرا شود. اگر در حین اجرا احساس کرد که خود قانون نقص دارد می‌توان آن را به سرعت اصلاح کرد.

سپاس بی‌تعارف باید بگویم، هر قدر هم که

تشکل‌های بخش خصوصی پیگیر این مسایل

باشند اما در برخی مقاطع، تصمیم‌گیری‌هایی

که از طرف بخش خصوصی تعبیر به "تصمیمات

سیاسی" می‌شوند، در مجلس گرفته می‌شود؛

نمونه‌اش قانون به رسمیت شناختن چاه‌های غیر

مجاز. انجمن پسته مصمم بود و تمام تلاشش را

کرد تا این قانون به تصویب مجلس نرسد و در

کمیسیون‌های مختلف موضوع را پیگیری کرد. از

آن طرف مجلس رأی به رسمیت شناختن چاه‌های

غیرمجاز داد. ارزیابی شما نسبت به این مساله

چیست؟

من هم بی‌پرده صحبت می‌کنم. مجلس، دولت و مجمع

تشخیص مصلحت نظام یعنی حاکمیت، باید مسایل را

خیلی جامع ببیند. در کشور گروه‌های مختلف وجود

دارند که مطالباتی دارند. بعضاً این مطالبات مخالف

هم هستند. نقض‌کننده هم هستند. مهم این است که

بخش خصوصی و جریان حاکمیت، که چه کمک‌های متقابلی می‌توانند بکنند، ساز و کارهایی را در قوانین مشخص کردیم. از جمله در قانون برنامه پنجم، شورای گفتگو را راه انداختیم که تعداد مشخص از وزرای مؤثر و یکسری فعالان اقتصادی کشور که فکر می‌کنم یک لابی خوب و قدرتمند می‌تواند باشد. اگر چه دولت دهم یک مقدار از کارها را انجام داد و جلو رفت، اما متأسفانه در دو سال اخیر دولت دهم شورای گفتگو را تحویل نگرفت. در دولت یازدهم مجدداً بحث شروع شده است. اما از دولتی‌ها گلایه‌ای را داریم. در اولین اجلاس شورای گفتگو متأسفانه از ۶، ۷ وزیری که قرار بود شرکت کنند، فقط یک وزیر شرکت کرد. درحالی که نمایندگان مجلس تعدادی که موظف بودند، شرکت کردند. بخش خصوصی هم حضور خوبی داشت. من از همین تریبون به دولت یازدهم که کار و شعارش را با قانونمندی شروع کرده، پیام می‌دهم که ما تقاضای جدی داریم که در این بخش هم دقت کنند و حتماً این لابی را جدی بگیرند. اگر دولت بخواهد که مباشر نباشد، هادی و حامی باشد، برنامه‌ریز و سیاستگذار باشد، باید از طریق همین ابزارها به بخش خصوصی اعمال حاکمیت کند و در ضمن حمایت و هدایت کند. اگر دولت این تیپ کارها را کمک کند، بخش خصوصی خیلی می‌تواند فربه‌تر شود. یک بحث دیگر داشتیم به نام باز شدن فضای کسب و کار که آن را هم یک قانون بسیار متری در پایان سال ۹۰ تصویب کردیم، ولی متأسفانه دولت دهم خیلی روی این متمرکز نشد. خوشبختانه دولت یازدهم که روی کار آمد به محض اینکه خودش را پیدا کرد، شنیدم که بخشنامه کرد و قانون را یک مقدار پیگیری کرد. آن قانون جامعی است اگر ناقص اجرا شود، ممکن است آثار و نتایجی را که می‌خواهیم ندهد. مدعی هستیم که اگر این نوع قوانین درست و به موقع اجرا شود خیلی می‌تواند در جهت واگذاری کارهایی که غیرضروری و به دوش دولت هست و مردم می‌توانند این کارها را انجام دهند، موفق باشیم.

سپاس نقش تشکل‌های بخش خصوصی را در این

میان چطور می‌بینید؟ فکر می‌کنید که انجمن

پسته ایران به آن بلوغ رسیده که بتواند این

مسئولیت‌هایی را که در قانون پیش‌بینی شده

ایفا کند؟

فکر می‌کنم که هنوز اول کار انجمن پسته است. دلایل

هم این است که اینجا مطرح شد دولت بایاید و انجمن

پسته را فعال کند و راه بیاندازد یا وزیر جهاد کشاورزی

باید بیاید. و دولت یک زمانی تصویب کرده بود که

انجمن پسته در رأس آن حامیان وزارت خانه‌ها باشند.



ماهنامه پسته - عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام
و نماینده مردم شهرهای تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر در مجلس شورای اسلامی در دوره‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم، هفتم و هشتم و نهم بوده است. محمدرضا باهنر ریاست فراکسیون اکثریت مجلس پنجم و عضو هیات رئیسه‌ی مجالس چهارم، پنجم، هفتم، هشتم و نهم بوده است و نیابت رئیس مجلس هفتم و هشتم و نهم را بر عهده دارد. این چهره‌ی کرمانی در شمار باسابقه‌ترین و متنفذترین نمایندگان مجلس محسوب می‌شود. از این رو دیدگاه‌ها و نظرات او می‌تواند حایز اهمیت باشد. بر این اساس با او به گفتگو نشستیم. حاصل این گفتگو پیش روی شماست که می‌خوانید.

سپاس آقای باهنر! دومین گردهمایی انجمن پسته

ایران در کیش را چطور دیدید؟

جلسه خوبی بود. من اولین مرتبه بود که در جلسات انجمن پسته شرکت کردم و البته زیاد هم نتوانستم در همه‌ی جلسات این گردهمایی شرکت کنم. اما کلیت بحث‌هایی که مطرح کردند، مطالباتی که داشتند. انجمن پسته ملی است و کرمانی‌ها بیشتر در آن نقش دارند. فکر می‌کنم که انجمن پسته و کرمان می‌تواند خدمات متقابل خوبی را داشته باشند و انشاالله فعال می‌مانند.

سپاس ارزیابی شما از توان بخش خصوصی فعال

در این بخش چیست؟

در هر صورت در این تیپ کارها، خیلی به کمک‌های دولت نباید چشم داشته باشیم. دولت هم از نظر بودجه وضعیت مناسبی ندارد و هم اینکه مدت‌هاست دنبال این هستیم که همه‌ی کارها را به بخش خصوصی واگذار کنیم. غیر از بعضی از کارهای حاکمیتی، این تیپ کارها قطعاً کار بخش خصوصی است. اما برای حلقه وصل

گندم را تولید کنیم. حتی آن موقع اگر لازم باشد ممکن است درختان مان را قطع کنیم و گندم بکاریم. ولی باید این ظرفیت را داشته باشیم. اگر بخواهیم صرفاً اقتصادی فکر کنیم دیگر مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کنار گذاشته می شود. از این مثال های دولت مخصوصاً دولت دهم و یازدهم زیاد می بینیم؛ هدفمندی یارانه ها! خیلی ها می گویند که روز اول غلط شروع شده است. من هم الان قبول دارم که بد شروع شده است. اما الان می توانیم قطع اش کنیم؟ از هفتاد میلیون جمعیتی که از ما یارانه ی نقدی می گیرند، حداقل بیش از ۵۰ درصدشان بر این اساس زندگی شان را تنظیم کرده اند. نمی توانیم به یک دفعه قطعش کنیم.

سپاس **باز نظر گرفتن تمام ملاحظات اجتماعی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی، برای آب استان چه برنامه ای دارید؟**

آب استان به شدت بغرنج شده و در بحران است. در کمیته ی کشاورزی مجلس بحث هایی مطرح شد. باید یا مصرف آب را کاهش دهیم یا منبع جدید به آب مصرفی کرمان اضافه کنیم. یک گپ وجود دارد یعنی یک فاصله سنگین بین مصرف و بین تأمین منابع آب، چه نزولات آسمانی چه هدایت آب ها، وجود دارد. باید هر دو طرف اقدام کنیم. من تخصص ندارم. به عنوان نمونه بچه های کشاورزی می گفتند که اگر بتوانیم در کرمان آبی را که از چاه بیرون می آوریم تا کنار مزرعه در لوله ببریم، کل کمبود فعلی آب کرمان جبران می شود. بهره وری آب مصرفی ما در کرمان در کشاورزی زیر ۳۰ درصد است.

سپاس **حتماً می دانید که استان کرمان رتبه دهم جذب اعتبارات آبیاری تحت فشار را دارد.**

نمایندگان مجلس چه می کنند؟

این رتبه برای استان بد است یا خوب است؟

سپاس **برای استانی که رتبه اول باغات کشور را دارد، حتماً بد است!**

بالاخره ما در ایران خیلی تشنه داریم. اگر بخش خصوصی بخواهد خیلی چشم بدوزد به تسهیلات دولتی، معلوم نیست مشکلات ما حل شود. چون بخشی از شرایط است که به این سادگی حل نمی شود. اولاً باید به صورت جدی در مصرف آب صرفه جویی کنیم. جاهایی که بهره وری و بازدهی باغاتمان غیراقتصادی است، فکری باید برایشان کنیم. من جرأت نمی کنم اما می خواهم بگویم که باید این باغات را تعطیل کنیم. باید خشک شان کنیم. خلاصه برای اینکه بتوانیم باغاتی که بهره وری بالا دارند، زنده نگه داریم، باید از این باغات دندان کند. متأسفانه ما صد واحد آب داریم و این مقدار آب را در زمینی که هزار واحد آب نیاز دارد استفاده می کنیم. همایش لطمه می خورد. ممکن است مناطقی داشته باشیم که درخت بیست ساله دارد، ولی به این جمع بندی برسیم که دیگر نمی توانیم درخت را حفظ کنیم. این شوخی نیست که باغ پسته ما هکتاری ۵۰۰ کیلو پسته می دهد در حالی که نرمالش باید سه تن باشد. خیلی ضرر و زیان دارد.

اعلام کرده است. از آن طرف دولت و مجلس نگرش خاص خودشان را دارند. نگاه شما به مقوله ی خودکفایی چیست؟

ما در این نوع تصمیمات، اصولاً صفر و صد نمی توانیم فکر کنیم. یعنی خودکفایی یا خوداتکایی مان یک مساله استراتژیک و ضروری است. حاکمیت هیچ وقت و هیچ زمانی نمی تواند از آن صرف نظر کند. ما در بعضی از مناطق مرزی مان اگر بخواهیم که مناطق مسکونی داشته باشیم باید ده برابر یک شهر هزینه کنیم تا بتوانیم به عنوان مثال ۵ هزار آدم را در منطقه مرزی قانع کنیم که ساکن شوند. مغز اقتصادی می گوید این کار ابلهانه است. اما مغز امنیتی می گوید حتماً باید این کار انجام شود. اینجاست که تضاد کسی که امنیتی فکر می کند با کسی که اقتصادی فکر می کند با کسی که به رفاه اجتماعی فکر می کند، روشن می شود. بعضاً پیشنهاداتشان نه تنها متفاوت بلکه متضاد است و حاکمیت باید این ها را جمع کند. از آن طرف هم که شما سوال کنید، حتماً خواهیم گفت که اصلاً نمی شود همه مسائل اقتصادی را فدای امنیت کرد. اگر قرار باشد که کشوری تمام پول هایش را فدای امنیت کند، مردم شورش می کنند. پیدا کردن نقاط ایتیم مهم است. ما معتقد هستیم کشور ایران با توجه به وضعیتی که در نظام بین الملل دارد، باید ظرفیت تولید کالای اساسی را بالقوه داشته باشد. اما معنایش این نیست که بالفعل این اتفاق بیافتد. یعنی اینکه بگوییم ما هر سال می خواهیم تمام گندم و روغن و پنبه و چیزهای دیگر را خودمان تولید کنیم؛ نه! اما این ظرفیت باید وجود داشته باشد. باز یک مثال خیلی ساده تر بزنم. ممکن است یک ایستگاه آتش نشانی را به مدت ۵ سال نگهداری کنیم و برایش هزینه کنیم که به روز شود. کسی بیاید و بگوید این کار احمقانه ای است. بله؛ ممکن است تا چند سال ما استفاده ای نداشته باشیم. اما اگر یک ساعت از آن استفاده کنیم تمام هزینه ۵ سالی که برایش کردیم جواب می دهد. در کالای اساسی پاسخ نهایی من این است که باید توان بالقوه تولید کالای اساسی را داشته باشیم اما ضرورت ندارد که همیشه بالفعل نگه داریم.

سپاس **حتی وقتی که منابع را نداریم؟**

بله. همه ی این مثال ها را به همین خاطر زدم.

سپاس **نگاه شما به مفهوم تجارت آب مجازی چیست؟**

موافق هستم و این مساله خیلی باید جدی گرفته شود.

سپاس **الان که نه جنگی داریم نه شرایط امنیتی است و نه مشکلی داریم. چرا سیاست های دولت هنوز در راستای تشویق خودکفایی است؟**

فقط ما دنبال ظرفیت سازی هستیم. دنبال عملیات نیستیم. اینکه شما فکر می کنید در برنامه ریزی ما این است که سال ۹۳ گندم وارد نکنیم، این را قبول ندارم. وارد می کنیم و هیچ اشکالی هم ندارد. اما اگر زمانی جلوی وارداتمان را گرفتند، باید بتوانیم که در داخل

حاکمیت بتواند نقطه ایتیم را پیدا کند که حداکثر سود به همه و حداقل ضرر به همه وارد شود.

سپاس **حتی اگر مطالبات گروهی به ناحق باشد، باز هم باید دنبال نقطه ایتیم بگردیم؟**

ناحق و باحقش را باید تشخیص دهیم. یک مثال ساده تری می زنم. شما امروز به عنوان خبرنگار یک رسانه از بچه هایی که کلاس آخر دبیرستان هستند یک نظر سنجی کنید بگویید که شما می خواهید دانشگاه ها چقدر ظرفیت داشته باشد، قطعاً جوابشان این است که آنقدر باید ظرفیت داشته باشد که همه ی ما را جا دهد. بعد از بچه های سال دوم دانشگاه همین نظر سنجی را بکنید، خواهند گفت که آنقدر کم باید بپذیرد که اساتید بتوانند به ما برسند. یک شهروند در یک فاصله دو ساله از عمرش دو مطالبه کاملاً متضاد از حاکمیت دارد. هر دوی این ها درست می گویند و هر دو ناقص می گویند.

سپاس **اما این جابجایی از کسانی است که غیر مجاز برداشت می کردند و دارند صاحب حق می شوند؟**

در رابطه با غیر مجاز باید دید کی به این ها جرأت داده که این کار را انجام دهند. سی سال گذشته انقلاب است. زمانی یک استاندار یا یک امام جمعه آمده و یک حرفی را زده است. مثل این است که در کشورمان مناطق بزرگی داریم از حاشیه شهرهای بزرگ که خلاف قانون، خلاف مقررات رفته اند ساخت و ساز کرده اند. خانه های ساخته اند و دارند زندگی می کنند. کسانی که خانه هایشان مجاز است از ما مطالبه می کنند که غیر مجازها را جaro کنید و بریزیدشان بیرون. اما به عنوان حاکمیت نمی توانیم این کار را بکنیم. خیلی ملاحظات دیگر را باید داشته باشیم. فرض کنید در کرمان خودمان روستایی نزدیک الله آباد بود که حاکمیت ۱۰، ۱۵ سال مقاومت کرد و به مردم این روستا برق، آب و امکانات نداد. آدم هایی بودند که در این روستا بدون برق دنیا آمده بودند و الان ۱۵ ساله شده بودند. اما این ۱۵ سال فشار نتوانست آن ها را قانع کند که خانه شان را تخریب کنند و بروند جایی زمین بخرند که امکانات داشته باشند. حاکمیت نمی تواند با این آدم ها شلاقی عمل کنند. باید برگردد و برایش راه حل پیدا کند. بعضی موارد هست که راه حل نیاز دارد. من قبول دارم که مصوبه ای که مجلس داده بود، مصوبه جامعی نبود. ما چون در مجلس یک تعصب صنفی هم داریم ممکن است بسیاری از قوانین را در مجلس رأی ندهیم. اما زمانی که رأی آورد باید قانون باشد و اجرا شود.

سپاس **شخص شما مخالف بودید؟**

بله من رأی نادم. اما علیرغم اینکه رأی نادم می گویم قانون که تصویب می شود باید اجرا شود. باید بگردیم راه حلی پیدا کنیم. من فکر می کنم که این قانون نقص های جدی داشت.

سپاس **یکی از بحث های دیگری که این روزها باز هم دارد تکرار می شود بحث خودکفایی است. بخش خصوصی نظر مخالفش را با این نگرش**

رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در گفت‌وگوی اختصاصی با ماهنامه انجمن پسته ایران تاکید کرد:

ضرورت توانمند سازی بخش تولید در کشاورزی ایران

انجمن پسته ایران الگوی موفق تشکلهای وابسته به اتاق



پست از نظر شما خود بخش خصوصی چقدر می‌تواند به سمت مسیر درست حرکت کند؟

بخش خصوصی می‌تواند نظر کارشناسی ارائه دهد تا در اجرا دچار مشکل نشود. اما در بخش کشاورزی نسبت به ایجاد تشکل کمبود داریم. از دو سال پیش برای اولین مرتبه است که در اتاق بازرگانی ایران بر اساس قانونی که مجلس مصوب کرد کشاورزی به اتاق متصل شد و دو، سه سالی است که با ایجاد دفتر آب و کشاورزی و ایجاد تشکلهای وابسته به کشاورزی در اتاق ایران، بخش خصوصی به دنبال جبران مافات گذشته است، تا بتواند صدای بخش کشاورزی را از نظر بخش خصوصی به مسوولان کشور برساند. متأسفانه آنچه تا کنون شاهد آن هستیم - شاید بیش از سایر بخش‌های اقتصادی کشور - بخش کشاورزی دچار معضل و مشکل شده است. بخش تولید کشاورزی از بخش صنعت دچار مشکلات بسیار بیشتری است. به نظر من کشاورزی دردهایی دارد که همچون بغض در گلو خفته شاهد آن هستیم. امروز اقتصاد روستایی ما به شدت دچار معضل و مشکل شده است. در طول سال‌های گذشته، با کمال تأسف به جای توانمندسازی بخش روستایی، به سراغ کمک‌های اعانه‌ای رفتیم که این کمک‌ها حتی تولید را دچار رشد منفی کرد. باید این قضیه را تغییر جهت داد. آنچه قرار است به بخش روستایی کشور کمک کند باید بتواند در جهت توانمندسازی تولید بخش کشاورزی قدم بردارد.

پست در مورد آب، اتاق ایران چه برنامه‌ای دارد؟

در مورد آب، دفتر ویژه‌ای را تأسیس کردیم. دفتر مطالعات آب در اتاق ایران مشغول کار است. آقای جلال پور و آقای کریمی‌پور در اتاق ایران خیلی زحمت کشیدند که شورای عالی آب هم در کشور تشکیل شده است. علاوه بر آن دفتر آب اتاق ایران در استان‌های بحران‌خیز در مورد آب هم اقدام به تشکیل شعبی کرده و مطالعات منطقه‌ای هم دارد انجام می‌شود.

پست بخش خصوصی انتظار دارد از فعالیت دفتر

مطالعات آب ایران خروجی ملموس ببیند. شما این مساله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دفتر آب و کشاورزی اتاق ایران اقدامات بسیار سازنده‌ای داشته است و این اقدامات را به حاکمیت

ماهنامه پسته - برخی به او لقب سلطان انار ایران داده‌اند، اما رییس شورای ملی زعفران است. غلامحسین شافعی رییس اتاق بازرگانی مشهد که اینک عهده‌دار ریاست اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران است، در حاشیه‌ی سفر کیش به سوالات پاسخ گفت که می‌خوانیم.

پست آقای شافعی! از نظر شما به عنوان رییس پارلمان بخش خصوصی، جای چه سیاست‌هایی در بخش کشاورزی ایران خالی است و شما دولت را در عرصه‌ی کشاورزی به چه سیاست‌هایی توصیه می‌کنید؟

بزرگترین کمبودی که داریم این است که برای بخش کشاورزی یک نقشه راه جامع نداریم. آنچه تاکنون انجام شده با چشم‌های بسته و بدون تعیین اولویت‌ها در بخش کشاورزی و مکان‌یابی در این بخش بوده است. یکی از مسائل بسیار مهمی که به عنوان یک اولویت باید در بخش کشاورزی مورد توجه قرار گیرد تعیین الگوی کشت در کشور است. اینکه الگوی کشت در نقاط مختلف کشور چه هست؟ آیا در کل کشور باید بر اساس شعار خودکفایی به عنوان مثال گندم بکاریم؟ آیا در بعضی محصولاتی که مصرف آبشان زیاد است مثل هندوانه، چغندر قند و... در این محصولات مزیت و اولویت داریم؟ و باید در نقاط مختلف کشور روشن شود. تعیین الگوی کشت می‌تواند میزان بهره‌وری را در کشاورزی بالا ببرد.

پست پس فکر می‌کنید که دولت باید مداخله کند، ولی نوع مداخله‌اش تغییر کند؟

تا الان دولت برای الگوی کشت کاری نکرده است.

پست اما مدیران جهاد کشاورزی مدعی هستند

که الگوی کشت وجود دارد و دارد پیاده می‌شود!

ما الگوی کشتی ندیدیم و می‌بینیم که تکیه بر شعار خودکفایی است و این که هرچه لازم داریم باید خودمان تولید کنیم. این طرز تفکر درستی نیست. بدون توجه به محدودیت آب می‌گویند باید بکاریم و خودمان تولید کنیم. در شرایط بحران آب در کشور باید اولویت‌ها را در الگوی کشت مورد توجه قرار دهیم و به مرحله اجرا در بیاوریم.

هم منتقل کردیم با اینکه این دفتر جوان است به نظر من کارنامه‌اش فوق‌العاده کارنامه درخشان و خوبی بوده. از اینکه الان هم به فکر آب افتادند مدت‌ها است که اتاق ایران این موضوع را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است.

پست یعنی این توجه به بحران آب را اثرات تشکیل دفتر مطالعات آب می‌دانید؟

دفتر مطالعات آب خیلی تلاش کرد تا شورای عالی آب در کشور تشکیل شود. دفتر مطالعات آب برای دریاچه ارومیه مطالعات بسیار سازنده‌ای انجام داده است. در دو استان کرمان و خراسان، دفتر آب و کشاورزی اتاق ایران کارهای سازنده‌ای کرده است و این‌ها را منتقل کرده است.

پست در قالب اندیشکده تدبیر آب می‌فرمایید؟

دفتر کشاورزی ما با سازمان‌های بیرون هم همکاری داشته است؛ چه بخش دانشگاهی چه بخش دولتی. الان هم می‌دانید که دفتر مطالعات آب دست دو نفر از معاونان وزیر کشاورزی است. آقای شریعتمداری و آقای کشاورز دو یا سه سال است که در اتاق ایران مستقر

زودی آیین‌نامه‌ها ابلاغ می‌شود و عملاً این قانون، کار اجرایی خودش را شروع خواهد کرد. شورای گفت‌وگو هم مرتب در حال برگزاری است. خوشبختانه استقبال وزرا از مصوبات شورای گفت‌وگو هم مناسب است و فکر می‌کنیم که شورای گفت‌وگو، هم در مرکز و هم در استان ها، در آینده نتیجه‌ی مثبتی را برای اقتصاد کشور خواهد داشت.

عملکرد تشکلهایی مثل انجمن پسته ایران را چطور می‌بینید؟

به نظر من انجمن پسته یکی از انجمن‌های بسیار بسیار کارآمد است. آنچه که در جلسه دیدم، امیدوارم الگوی کرمان به کل کشور تسری کند. در انجمن پسته دیدگاه‌های قابل توجهی است و نگاه ملی به مسائل دارند. حتی نگاه منطقه‌ای ندارند که این قابل تقدیر است. اینکه تشکلی ایجاد شده است و منافع فردی در آن خیلی جایگاه ندارد نشانه‌ی بلوغ یک تشکل است. انجمن پسته در بین تشکلهای وابسته به اتاق ایران یک الگوی موفق و مثبت است. ما نیازمند هستیم که در سایر رشته‌های کشاورزی‌مان چنین تشکلهایی ایجاد کنیم و برای کمک به اقتصاد ملی در بخش کشاورزی، آن‌ها را تقویت کنیم.

دومین گردهمایی انجمن پسته ایران را در کیش چطور دیدید؟

فوق العاده عالی بود. نگاهی که نسبت به انجمن پسته دارم بیشتر آن، از همین جلساتی که برگزار شده به وجود آمده است. به کرمانی‌ها باید تبریک گفت از این اتحاد و انسجام و یگانگی که در انجمن پسته است و نگاه ملی که نسبت به اقتصاد کشور دارند. واقعا جای قدردانی و تشکر دارد.

به نظر شما جای چه مباحثی در این گردهمایی خالی بود؟

مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌شود از این گردهمایی‌ها گرفت این است که قوای حاکمیتی، هم مجلس، هم دولت و هم قوه قضاییه به نظرات تشکلهای اتاق ایران اعتماد کند و آنچه که به عنوان راه حل‌های مناسب برای بخشی از کشاورزی در این گردهمایی‌ها مطرح می‌شود، مورد توجه دقیق و مورد عمل قرار بگیرد.

نکته ای است که بخواهید به آن اشاره کنید؟

نه؛ من از اعضای انجمن پسته ایران صمیمانه قدردانی می‌کنم. انجمن پسته به عنوان یک الگوی موفق و مثبت در اتاق ایران هم مورد توجه قرار خواهد گرفت و آنچه لازم باشد که اتاق ایران در این ارتباط انجام دهد، حتماً در این جهت اقدام خواهد کرد.

چقدر می‌پذیرید؟

ممکن است در خیلی از موارد انتقادات منطقی باشد. اما باید توجه کرد که ما هیچ‌گاه با تقابل نمی‌توانیم مشکل را حل کنیم. هیچ زمان مشکل با دعوا حل نمی‌شود. ما باید در یک تعامل سازنده حرف‌های کارشناسی خودمان را به درستی و با دقت و با یک ادبیات درست منتقل کنیم. اگر قرار باشد که نتیجه بگیریم باید محیط را برای یک تعامل سازنده آماده کنیم. هیچ زمان این موضوع با تندروری یا با ادبیات نامناسب نتیجه مثبتی نخواهند گرفت. باید در تعاملی که داریم افراد مقابل خودمان را نسبت به نظریات کارشناسی خودمان معتقد کنیم. آنقدر بحث کنیم تا نظرات ما را مورد قبول قرار دهند. اگر این مقبولیت پیدا کند خودشان اقدامات لازم را انجام خواهند داد. موضوعی که فرمودید درست است خیلی اوقات هم صحبت می‌شود. اما به نظر من ما در یک محیط آرام و پر از اعتماد می‌توانیم نظراتمان را به قوای حاکمیتی منتقل کنیم.

بعد از اینکه شما بر صدر اتاق ایران نشستید. این تلقی پیش آمد که به واسطه نزدیکی شما به آقای نهاوندیان و حضور ایشان در دولت، حفظ تعامل با دولت برای شما ارجحیت دارد. خود شما فکر می‌کنید که این مساله چقدر تأثیر گذاشته است؟ آیا تفکر دولتی دارد به اتاق ایران تسری پیدا می‌کند؟

حفظ تعامل با دولت از نظر من خیلی خوب است ما به عنوان یک مشاور صدیق باید نظرات خودمان را به قوای حاکمیتی منتقل کنیم. یک مشاور این نیست که هر چه طرف مقابل بگوید، مشاور بگوید هرچه شما می‌فرمایید، اما یک مشاور اپوزیسیون هم نیست. بنابراین ما نظراتمان را صریح، صحیح و منصفانه، حتماً با یک ادبیات درست باید منتقل کنیم.

پیگیری مصوبات شوراها گفت‌وگو در سراسر کشور به اتاق‌های بازرگانی واگذار شده است. اتاق ایران در این بخش چقدر توانسته کارنامه قابل دفاعی داشته باشد؟

شورای گفت‌وگو که از اول سال ۹۱ کارش را شروع کرد اما با کمال تأسف تا قبل از دولت آقای روحانی آیین‌نامه‌های اجرایی شورای گفت‌وگو تصویب و ابلاغ نشد و عملاً شاید یکسال را برای اجرای قانون بهبود فضای کسب‌وکار و شورای گفت‌وگو از دست دادیم. اما با آمدن دولت جدید، آقای روحانی یکی از مواردی که مرتباً و کراً مطرح کردند اجرای قانون فضای مساعد کسب و کار بود که آیین‌نامه‌های آن در دولت جدید در وزارت‌خانه‌های مختلف در حال تدوین است و به

هستند و این کار را دارند انجام می‌دهند.

شاید به همین دلیل است برخی فعالان بخش خصوصی می‌گویند اتاق ایران خیلی دارد به دولت متکی می‌شود. برخی از منتقدان می‌گویند مدیرانی که سال‌ها سابقه حضور در بخش دولتی دارند اگر که می‌توانستند کاری انجام دهند در جایگاه خودشان انجام می‌دادند. چه این که آنجا هم اختیارات قانونی داشتند، هم دستوراتشان ضمانت اجرایی داشت و هم بودجه کافی داشتند. واقعا در بخش خصوصی که محدودیت هایش به مراتب بیشتر است چه کاری از دستشان ساخته است؟

من این اعتقاد را ندارم. اینکه ما مدیران را بگوییم دولتی و خصوصی درست نیست. ما در دولت مدیران بسیار توانایی داریم. اعتقاد دارم این مدیران، اگر در بخش خصوصی کار کنند، حتماً توفیقات بسیار بالایی دارند. سیستم، بندهای مختلف را بر پای این مدیران پیچیده است که آن‌ها قدرت توانایی انجام کار نتیجه بخش را نداشتند. مدیران دولتی ما نبوغ و توانایی دارند اما نظرات کارشناسی جامع ندارند. چون در داخل پبله‌ای قرار گرفته اند که قدرت حرکت از آن‌ها گرفته شده است. اگر وارد بخش خصوصی شوند، می‌شود از آن‌ها استفاده‌های درستی کرد.

برخی فعالان بخش خصوصی در کرمان نگرانند اتاق ایران، همان راهی را برود که دولتی‌ها می‌روند. تفکر دولتی در بخش خصوصی ریشه بزند و شاهد جلسات فرمایشی، بروکراسی اداری و عریض و طویل شدن دستگاه بخش خصوصی باشیم. این نقد را می‌پذیرید؟

نقص‌هایی در اتاق ایران بی‌تردید وجود دارد. اما در مقام مقایسه، یک موضوع را باید مورد توجه قرار داد. اتاق ایران به عنوان مشاور سه قوه مطرح است و هیچ‌گونه قدرت اجرایی ندارد. یکی از وظایف اتاق ایران این است که نظرات نخبگان را بگیرد و به قوای حاکمیتی منتقل کند. این که چقدر به آن نظرات توجه می‌شود دست ما نیست. بنابراین برگزاری جلسات، جمع‌آوری نظرات و نهایتاً انتقال آن نظرات به قوای حاکمیتی، کار اتاق ایران است. اینکه چقدر اثرپذیر خواهد بود، اتاق ایران کاری نمی‌تواند بکند.

برخی فعالان بخش خصوصی انتقاد دارند که گاهی اوقات تعاملی که اتاق سعی می‌کند با دولت داشته باشد آنقدر اهمیت پیدا کرده که در بعضی از مباحث، مسوولیت نمایندگی بخش خصوصی را به فراموشی سپرده است. این نقد را

معاون تولیدات گیاهی وزارت جهاد کشاورزی در گفت و گوی اختصاصی با ماهنامه پسته ایران مطرح کرد:

فضایی برای توسعه باغات نمی بینم

داریم از هزینه های ملی به خودکفایی می پردازیم

دارند. انتظاراتی که برای دسترسی به تکنولوژی نیاز دارند. انتظاراتی که برای تفویض اختیارات یا اجازه واگذاری بعضی مسوولیت ها به خود دارند؛ این ها را بایستی عملیاتی کنند. اصولاً در موارد کلی همه با هم موافق هستیم ولی زمانی که می خواهیم عملیاتی کنیم، تازه متوجه می شویم که اختلافات زیادی بین ما وجود دارد. توصیه می کنم که انجمن با بررسی کارشناسی کافی این انتظارات را تنظیم و عملیاتی کند یعنی تبدیل به برنامه های فنی، اجرایی و اعتباری کند.

سینا این برنامه های فنی چقدر ضمانت اجرایی دارند بخش دولتی چقدر راغب است که پیشنهادات بخش خصوصی را بشنود و عمل کند؟
قوانین ما، هم این اختیار را داده اند و هم بعضاً مانع این اختیارات هستند.

سینا در چه مواردی؟ بیش تر توضیح می دهید؟
مثلاً اصل ۴۴ یک حکم کلی است که دولت به جز موارد حاکمیتی، مسوولیتی را به عهده خودش نگیرد. حتی در موارد حاکمیتی هم توصیه می کند که تا می شود از روش های خصوصی سازی استفاده شود. پس حکم قانونی و صورت کلی اش وجود دارد. زمانی که می خواهد عملیاتی شود مدیران اجرایی و منطقه ای تفاسیر مختلفی را از این قانون دارند. و این مواردی است که گاهی اوقات ایجاد تناقض می کند.

موضوع بعدی نگرش دولت به بخش خصوصی است که چقدر بخش خصوصی را تحمل می کند یا چقدر نسبت به فعالیت بخش خصوصی نگران است. این ها تقریباً موارد مثبت و منفی است که برای مداخله بخش خصوصی مطرح است.

مورد دیگری که لازم است صنعت پسته به آن توجه کند این است که در گذشته کلاً دولت در خصوصی سازی خیلی رویه ی شفافی را در پیش نگرفته است. بلکه به نهادها یا تشکل ها یا ارگان هایی که به نحوی به دولت وابسته بودند یا دخیل بودند، به نام خصوصی سازی، واگذاری صورت گرفت.

به استثنای بخش تولید صنعت پسته که در اختیار تولیدکنندگان است، در بقیه ی قسمت های صنعت پسته ممکن است فعالیت ها با مداخلات دولت باشد. بنابراین صنعت پسته باید این سابقه را بداند. اما امروز در دولت تدبیر و امید، جناب آقای رئیس جمهور و جناب مهندس حجتی وزیر جهاد کشاورزی، هر دو به صراحت اعلام کردند که بدون مشورت بخش خصوصی تصمیم گیری نکنید.



به نظر من بسیار خوب بود. به علت این که هم تولیدکننده ها که صاحبان صنعت پسته هستند در آن نظر می دادند و هم صاحب نظران اقتصادی، و این دو مکمل هم بود. مقالاتی که ارائه شد برای تصمیم گیری صاحبان صنعت و برای تعیین انتظاراتمان از دولت روشنگری کرد.

در ادامه باید انجمن پسته ایران این یافته ها و توصیه ها را تنظیم کند و برای خود دو دستور کار تنظیم کند؛ یکی، دستورکارهایی است که در درون انجمن بایستی به آن بپردازند مثل اینکه پسته را در کدام مناطق و چگونه تولید کنیم؟ چگونه کارمان را رونق ببخشیم؟ این موارد را بیابرد و عملی کند.

دومین گام، انتظارات این صنعت از دولت است مثل انتظاراتی که برای سرمایه گذاری در این بخش وجود

ماهانما پسته - پیش از این معاون وزیر کشاورزی و رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در دوران وزارت عیسی کلانتری بود. با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، عباس کشاورز عهده دار مسوولیت معاونت تولیدات گیاهی وزارت جهاد کشاورزی شد. کشاورز در این گفت و گو هشدار می دهد: "اگر امروز یارانه ی انرژی پرداخت نشود ما در پسته نمی توانیم با آمریکا رقابت کنیم. برای ایرانی ها پسته و بادام آمریکایی ارزان تر است". با هم این گفت و گو را می خوانیم.

سینا آقای کشاورز! گردهمایی صنعت پسته ایران را در کیش چطور دیدید؟

مکزیکی را آورده بودند یا می‌خواستند کشاورزان با کود شیمیایی آشنا شوند این ترویج به ایران منتقل شد و سازمان ترویج تشکیل شد و منجر به انتقال تکنولوژی یا اطلاعات و افزایش دانش کشاورزان شد. ولی امروز به علت تخصص‌های مختلف کشاورزی، دنیا به این نتیجه رسیده است که بهترین مروج‌ها همان محققین هستند. یعنی محقق که قادر شده است دستاورد جدیدی را عرضه کند، همین شخص باید برای آشنایی بهره‌برداران و استفاده کنندگان، هر سوال، هر ابهام و هر کمکی را فراهم کند.

برای این که مروجین خوبی داشته باشیم، باید یافته‌های کافی داشته باشیم. برای داشتن یافته‌های کافی، بایستی محققین در شناسایی مسائل و تعیین هدف‌هایشان، در صحنه‌های اجرا کنار کشاورزان بروند و مشکلاتشان را حل کنند. این دو سیاست را، در دهه هفتاد سازمان تحقیقات در پیش گرفت و یک دستورالعمل ارزشیابی، هم برای ارتقاء علمی و هم رفتاری برای اداره محققین تنظیم شد. محققان مسوول شدند ۲۰ درصد اوقاتشان را صرف حل مشکلات کنند. یعنی در اراضی کشاورزان در صحنه‌های تولید بروند مسئله یابی کنند. ۳۵ تا ۴۰ درصد وقت‌شان را به انتقال یافته‌ها بپردازند. هفته انتقال یافته‌ها برگزار شد تا کشاورزان خیلی راحت بیایند در آزمایشگاه، در مزرعه و در یک محیط صمیمی، محققان یافته‌هایشان را ارائه کنند و آن‌ها هم هر سوال و ابهامی دارند مطرح کنند.

برای اینکه این یافته از حرف خارج شود محققین موظف بودند که اگر یافته‌شان منجر به کالا است، مثلاً رقم جدیدی را معرفی کردند، مقدار زیادی از این رقم در اختیارشان باشد تا هر کشاورزی که می‌خواهد در اختیارش بگذارند تا ترویج صورت بگیرد. گام دیگری که در آن مقطع برداشتیم این بود که آزمایشات نهایی منطقه‌ای را، ایستگاه‌های تحقیقاتی انجام دهند. بلکه محققین به کمک مروجین در زمین‌های کشاورزان انجام دهند. یعنی زمانی که ما فکر می‌کنیم حرفی برای گفتن داریم و مراحل آخر است که می‌خواهیم انتخاب کنیم، این یافته‌ها را بین کشاورز و مروج و محقق به اشتراک می‌گذاریم که اتفاقاً خیلی در انتقال یافته‌ها کمک کرد. مواردی را شاهد بودیم که بدون اینکه تلاشی کرده باشیم، چون یافته خیلی ارزشمند بود، کشاورزان استقبال کردند و رفتند و منتقل شد. بعد از آن دنبال ایجاد بانک اطلاع‌رسانی برای کشاورزان بودیم که این‌ها همه در دهه‌های هفتاد عملیاتی شد. خیلی اقدامات مجدانه‌ای انجام شد تا این دستورالعمل عملی شود. متأسفانه در دهه هشتاد سازمان تحقیقات رفت به سمت الگوی وزارت علوم و تمرکز بر مقاله و تدریس و تز و کارهای کامپیوتری، و خروج از مزرعه کشاورز یا باغدار اتفاق افتاد و تقریباً موجب ناکارآمدی تحقیقات در حل مشکل در صحنه شد.

سما پس شما معتقدید که دهه هفتاد در بخش ترویج موفق بودید؟
به نظر من، در اواخر بله.

سما پس چرا کارشناسان برجسب "پشت میز"

باغی متمرکز می‌کنم. در دهه‌های هفتاد، تعداد سه موسسه تحقیقات تک محصولی باغی در کنار سه محصول زراعی در نظر گرفتیم؛ محصولات دیه، برنج و پنبه. این واحدها ساماندهی شدند و تا حدودی می‌توان بگوییم توفیقشان قابل ارزیابی است. منهای پنبه، دو مورد دیگر اقدام بجا و مناسبی بود و تلاش‌های خوبی تا حد مقدمات انجام شد. سه موسسه هم در مورد محصولات باغی خیلی مهم ایجاد شد؛ موسسه تحقیقات پسته، موسسه تحقیقات خرما و موسسه تحقیقات مرکبات. در مورد موسسه تحقیقات مرکبات به علت سابقه و نهاد علمی خوبی که آقای مهندس ابراهیمی در رامسر ایجاد کرده بود، می‌توانست موفق باشد. اگر سازمان تحقیقات به حمایت‌های خود ادامه می‌داد، حتماً دستاوردهای درخشانی را می‌آورد. ولی باز هم از نظر من عملکرد خوبی داشته است. در ایجاد موسسه خرما دچار مشکل ایستگاه، تجهیز کردن و تقویت نیرویش بودیم. به جاهایی رسیدیم اما حداقل در منابع و گزارشات توفیق چندانی شاهد نبودم. در مورد موسسه پسته که مرکزش در رفسنجان پیش‌بینی شد، اوایل با یک چالش سیاسی مواجه شد و فشار بر این بود که کرمان باشد یا نباشد و بالاخره ثابت شد که تصمیم ما درست بوده و به مرکزیت رفسنجان تشکیل شد. قبلاً در آنجا، هم یک ایستگاه تحقیقات داشتیم هم آزمایشگاه وجود داشت. درواقع مثل موسسه تحقیقات مرکبات، پایه‌ای را داشتیم و مثل خرما صفر کیلومتر نبود. در اساسنامه پیش‌بینی شده بود و ما هم اصرار داشتیم و بنای ما بر این بود که از تولیدکنندگان پسته در شورای تصمیم‌گیری حضور داشته باشند و این موسسه به مشتری محوری و تقاضا محوری هدایت شود. متأسفانه این اتفاق در دهه‌های هشتاد نیفتاد و هم‌ماش هم مربوط به دولت نهم و دهم هم نیست. از سال ۸۰ و ۸۱ این پایه گذاشته شد و مدیران خیلی مناسبی در این موسسه منصوب نشدند و موسسه دچار تلاطم مدیریت بود حتی زمانی که من بودم. ما مرتب مجبور می‌شدیم که مدیران جدیدی را بیاوریم و به علت دوری منطقه، جذب نیرو سخت بود و خیلی حاضر نبودند که بروند رفسنجان و کار کنند. در دهه هشتاد آن کارشناسان از فرصت نابسامانی استفاده کردند و هر کس به سمت شهر خودش یا جایی که خودش می‌خواست، رفت. و این مناطق از نیروهای انسانی لازم برخوردار نشدند. خیلی از وضعیت علمی امروز موسسه پسته اطلاع دقیقی ندارم ولی یافته‌هایی که در افکار عمومی است حاکی از عدم رضایت تولیدکنندگان است و این نشان می‌دهد که موسسه نتوانسته به انتظارات تولیدکنندگان پسته پاسخ کافی دهد.

سما به نظر می‌رسد پای وزارت جهاد کشاورزی همیشه در بخش ترویج هم می‌لنگیده است. اگر هم یافته‌ها و تحقیقاتی داشتند، در انتقال دانش جدید به کشاورزان چندان موفق نبودند. این نقد را قبول دارید؟

ترویج یک بحث ریشه‌ای است. ترویج را اصل چهار آمریکایی‌ها به ایران آورد. در مقطعی که کشاورزان می‌خواستند با بذرها آشنا شوند به عنوان گندم سرخ، گندم

این برای ما، هم سخت است برای اینکه سیستم ما با حضور بخش خصوصی اصلاً مانوس نشده است، هم برای ما خیلی امیدوارکننده است برای اینکه مطمئن می‌شویم تصمیمات مان یک جانبه نیست و منافع ذینفعان را هم رعایت می‌کنیم.

وزیر محترم جهاد کشاورزی ابلاغ کردند که بایستی از گروه‌های کشاورزان متناسب با امکانات و ظرفیت‌هایشان حمایت کنیم. بنابراین کشاورزی فقط یک دیدگاه عدالت اجتماعی در نظرش نیست. اگر کشاورزی دارای زمین بزرگ است بایستی متناسب با انتظارش به آن جواب داد. کشاورزانی هم که امکاناتشان کم است باید مورد توجه قرار بگیرند. بنابراین الان وزارت جهاد کشاورزی از صنعت پسته به دلیل سرمایه‌گذاری‌های زیادی که پسته کاران انجام داده‌اند با روی باز استقبال می‌کند.

سما کشاورزان پیشرو می‌گویند در بخش تحقیقات، پای کشاورزی ایران می‌لنگد. نظر شما در این خصوص چیست؟

این اعتراض کشاورزان کاملاً وارد است. ما به طور کلی در چند زمینه‌ی کشاورزی از جمله محصولات باغی که پسته هم جزء آن‌هاست، بنیه‌ی علمی‌مان در کشور ضعیف است. یعنی دانشگاه، تحقیقات و دانش کشاورزی ضعیف هستند.

سما چرا؟

علت ضعف‌مان هم این است که ارتباطات علمی خارجی برای ما فراهم نشده است یا بسیار سخت است. دوم این است که موسسات تحقیقاتی بین‌المللی که بتوانند به ما کمک کنند و بتوانیم این دانش را آسان کسب کنیم در مورد محصولات باغبانی وجود ندارد و بطور کلی سرمایه‌گذاری کافی برای افزایش دانش روز در علم باغبانی در ابعاد علمی، فنی و تکنولوژی فراهم نشده است.

سما ارتباطات هیچ وقت وجود نداشته یا بعد از تحریم‌ها این گونه شده است؟

موسسات تحقیقات بین‌المللی محصولات باغی وجود ندارد. در مورد ارتباطات بین‌کشوری هم تلاش‌هایی را در دهه‌های هفتاد انجام دادیم. چندین قرارداد با هلندی‌ها، با ایتالیایی‌ها، با بلاروس‌ها داشتیم که به ما کمک کنند. ولی در دهه هشتاد تقریباً همکاری‌ها متوقف شد. اگر این قراردادها ادامه پیدا می‌کرد شاید می‌توانستیم بگوییم یک اتفاقی می‌افتاد. به هر حال در دهه‌های هشتاد همکاران ما در تحقیقات جهاد کشاورزی خیلی به این همکاری‌ها نپرداختند و حتی در مورد بقیه‌ی محصولات هم که همکاری‌های خوبی در گذشته شاید از ده‌ها شصت در کشور وجود داشت شاهد به تعطیلی کشاندن آن‌ها هم بودیم. این رویکرد، رویکرد توسعه علمی و فناوری نبود. علیرغم اینکه مراکز بین‌المللی مشکل رابطه‌ی سیاسی بر آن‌ها حاکم نیست.

سما شما در مقطعی رییس تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی بودید. خود شما چه نقشی ایفا کردید؟

به علت تمرکز شما بر پسته، بیشتر پاسخ‌ها را روی محصولات

نشینی "را در دهه‌ی هفتاد هم می‌خوردند؟

به این طریق نباید تعبیر کنیم. محقق باید برای انجام تحقیقات در فضای آزمایشگاه و مزرعه باشد و بخشی از کارش را ببرد در صحنه اجرایی و برای انتقال یافته‌اش هم شرایط و تسهیلات برایش فراهم شود. ممکن است تسهیلات و شرایط در همه جا یکسان نباشد. ممکن است همکاری که می‌خواهند با محققین کار کنند گاهی دچار تضادهای کاری شوند.

مثلاً در دهه هفتاد بعد از بیماری زنگ گندم که به کشور خسارت زد. این مسئله را در اراضی زراعتین حل کردیم و از نتیجه یافته خود مطلع شدیم. پس ما دستاوردهای محکمی داشتیم. این دستاوردها منتقل شد و کشاورزان از نظر زنگ مزارعشان بیمه شدند. به عنوان مثال سال ۷۶ و ۷۷ سال‌های بسیار مستعدی برای زنگ بود، اما هیچ گزارشی از زنگ در کشور وجود نداشت. این نشان می‌داد که خوب عمل کردیم. وقتی که این فاصله زیاد شد ۲ تا ۳ سال است که گندمان دارد خسارت زیادی از زنگ می‌بیند که نشان می‌دهد یا یافته نداریم یا اگر هم داریم به زمین زارع نرفته است و این تاسف بار است که علیرغم افزایش امکانات و نیروهای متخصص و محقق، کارائی در مزرعه کمتر شده است.

سینا یکی از بحث‌هایی که در دومین گردهمایی سالانه انجمن پسته زیاد به چالش کشیده می‌شد بحث خودکفایی بود. نگرش شما به مقوله خودکفایی چیست؟

این سوال شما یک سوال سیاسی است.

سینا چرا؟ من فکر می‌کردم دارم از شما یک سوال اقتصادی می‌پرسم!

وقتی موضوعاتی در قوانین و اسناد بالاسری می‌آید، جنبه ابلاغ سیاست دارد. اما از دید کارشناسی، همه‌ی تلاش و کوشش بخش کشاورزی باید این باشد که تولیداتی که در کشور مناسب و دارای مزیت است و در بهره‌وری از آب، به علت کمبود آب در کشور مزیت بیشتری دارد به حداکثر بهره‌وری ممکن برسد. این به عنوان اساسی‌ترین خط مشی هر مدیر بخش کشاورزی باید مد نظر باشد.

پس اگر فرض کنیم بتوانیم جایگاه هر تولیدی را با این چند شاخص تعیین کنیم و عدد بهره‌وری مناسب شود، تکلیف‌مان را انجام دادیم. تولید ناشی از این اقدام چقدر می‌تواند نیاز کشور را تأمین کند، می‌شود درصد خودکفایی! باین دو تعریف از دید من در مورد بخش غلات (به جز برنج و ذرت) یعنی گندم و جو به علت اینکه بخشی از آب مورد نیاز این محصولات از آب باران تأمین می‌شود آب سطحی هم بعضاً و عموماً آب زمستان و بهار است که آب فراوان‌تر و ارزانتری است و رقیبی ندارد، یعنی اگر کشاورزان گندم و جو نکارند (غیر از جنوب کشور) محصول جایگزین برایشان فقط کلزا است. اگر پاییز گندم و جو نکارند چیزی نمی‌توانند بکارند. پس افزایش تولید این محصولات با تکیه بر افزایش عملکرد آنها امری منطقی و اقتصادی است که می‌تواند به رفع نیازهای کشور نیز کمک کند.

دوم این که پرداختن به محصولاتی مثل برنج به دلیل مصرف زیاد آب، غیر از گیلان و مازندران به صلاح و مصلحت ملی ما نیست. برای این که تقاضای آب بسیار زیاد و بهره‌وری خیلی محدودی دارند. پس ما محدودی حمایت‌مان از برنج را عموماً باید به گیلان و مازندران محدود کنیم.

محصولات تابستانه و کشت دوم نظیر ذرت باید خیلی با احتیاط با آن‌ها رفتار شود. چون تقاضای آبی را در فصل گرم تابستان دارند و نیاز عمده‌ی آبی‌شان متکی بر استفاده از چاه‌هاست و چاه‌ها هم در همه جا وضعیت خوبی ندارند و بنابراین باید با ذرت با احتیاط برخورد شود و بقیه محصولات هم از نظر مصرف آب، نه مساحت عمده‌ای دارند و نه تولید عمده‌ای.

به طور کلی این تصویر، چشم‌اندازی برای خوداتکائی است. اما در مورد برخی محصولات، ما شکنندگی‌های جدی داریم. بیشترین شکنندگی اقتصادی ما روغن و فرآورده‌های آن است. اگرچه همیشه ما را به خاطر گندم زیر سوال بردند ولی وابستگی شدید ما به دانه‌های روغنی است. مجموعه‌ی دانه‌های روغنی غیر از کلزا در ایران فعلاً هنوز داری مزیت نسبی مناسب نیستند، مگر اینکه در آینده تکنولوژی‌های جدیدی بیاید. در مورد کلزا ظرفیت بسیار خوبی است. اولین توصیه‌ها و نظراتی که به آقای وزیرمان اعلام کردیم این بود که باید کمک کنید سطح زیر کشت گندم آبی کاهش پیدا کند. ایشان هم قبول کردند و انشا... ظرف ۴ تا ۵ سال آینده، ۸۰۰ هزار هکتار سطح زیر کشت گندم آبی کم شود. بدلیل اصلاح تناوب، کاهش مصرف آب و با افزایش عملکرد می‌توان تولیدات را نیز افزایش چشمگیر داد. مورد اساسی دیگری که ما داریم عامل بهره‌وری است. به جز ذرت و چغندر قند که به علت منابع ژنتیکی خوب (بذره‌های اصلاح شده) عملکردهای ما قابل قبول هستند، در بقیه‌ی محصولات فاصله زیادی بین عملکردهای موجود با ظرفیت‌های قابل حصول داریم. نمونه بارز هم کشاورزان پیشرو هستند. در حالی که گندم، متوسط عملکردش زیر سه تن است، کشاورزان بالای ده تن، دوازده تن زیاد هستند. یک یا دو سال هم نیست شاید ۱۵ یا ۲۰ سال است. این نشان می‌دهد ظرفیت دارد و بنابراین تمرکز ما بر تقویت خودکفایی است به جز مواردی که عرض کردم. مثل برنج که ممکن است از طریق افزایش عملکرد، همین وضع موجود را حفظ کنیم. تنها موردی که می‌توانیم بگوییم توسعه آن جدی است، توسعه کشت کلزا با استفاده از بخشی از اراضی برنج در زمستان است. چون کلزا هم یک محصول زمستانه است و از نظر تولیدی رقابتی با بقیه محصولات ندارد. این تقریباً چشم‌انداز خودکفایی است. من فکر می‌کنم اگر قادر شویم تکنولوژی‌های مناسب و خوب را راحت در اختیار تولیدکنندگان قرار دهیم، خودکفایی کشور از این نابسامانی سال‌های اخیر، بسیار بسیار ترمیم و تقویت خواهد شد. از نظر من خودکفایی گندم مشکلی نیست برای اینکه ما با همین یک میلیون و هشتصد هزار هکتار و انشالله حصول عملکرد بالای ۴ تن و بهبود زراعت دیم آن می‌توانیم دوازده، سیزده میلیون تن گندم تولید

کنیم و بخش عمده نیاز کشور را تأمین کنیم.

بحث اینکه خودکفایی چقدر درست است یا چقدر غلط است، بایستی منطقی و واقع بین باشیم. نه قول نشدنی بدهیم. در مورد روغن وابستگی ما بالای ۹۳ درصد است که حذف ۹۳ درصد در عرض ده سال هم عملی نیست. ولی اگر در برنامه بتوانیم خودکفایی ۶ تا ۷ درصد را به ۲۶ یا ۳۶ درصد برسانیم، خیلی کار بزرگی است. حالا عده‌ای نگویند که ما خودکفایی را کنار گذاشته‌ایم. ما باید ببینیم که چقدر امکانات داریم. این تقریباً چشم‌انداز ما برای محصولات زراعی است.

در مورد محصولات باغی مثل محصولات زراعی، از دید من بزرگترین تهدید، پایین بودن عملکرد است. اگر آمارهای وزارتخانه را قبول کنیم، حدود ۵ تن در هکتار محصول باغی برداشت می‌کنیم که این خیلی کم است. بنابراین توسعه باغات از نظر اقتصادی صحیح نیست. برای اینکه باغات موجود، آب، سرمایه و زمین را به خودشان اختصاص داده‌اند و بهره‌وری نامطلوبی دارند. اولین و اساسی‌ترین گام این است که به بازسازی و نوسازی و مدرن‌سازی باغات بپردازیم و عملکرد متوسط ما به ۸ تن تا ۱۲ تن برسد. بعد اگر فضایی برای توسعه بود، ممکن است سراغ توسعه برویم. ولی من به علت محدودیت آب، فضایی برای توسعه باغات نمی‌بینم. به خصوص اینکه عملکردشان در اغلب موارد کمتر از عملکردهای اقتصادی است و واقع این است که محصولات صادراتی مثل پسته اگر تفاوت قیمت ارز اتفاق نیافتاده بود، ما مزیت رقابتی نداریم. دوم این که اگر دولت پارانه‌های انرژی را کاهش دهد این تولیدات یک تهدید جدی دارند. برای ثبات این سرمایه‌ها بایستی کمک کرد که باغداران با تکنولوژی و سرمایه‌گذاری با تسهیلات، باغشان را تبدیل به باغ‌های اقتصادی کنند.

سینا شما در صحبت‌هایتان محصولات زراعی و باغی را جدا کردید و هر کدام از این محصولات را جداگانه بررسی کردید. اما بسیاری از فعالان بخش باغبانی یا پسته‌کاران می‌گویند باید سرجمع مقایسه کنیم و ببینیم که کدام یک اقتصادی‌تر است تا منابع کشاورزی خود به خود و حتی بدون مداخله دولت به سمت آن محصولات سوق پیدا کند. ظاهراً شما این نگرش را ندارید. برداشت من درست است؟

برداشت شما کاملاً صحیح نیست. اصولاً یک نفر صاحب زمین هر چقدر سرمایه پیدا کند و بتواند از سرمایه‌اش سود کسب کند، کشاورزی‌اش را به آن سمت سوق می‌دهد. منتهی کشاورزی که سرمایه ندارد، نمی‌تواند ده سال منتظر بماند. پس اولین گام وجود سرمایه است. اگر کشاورز سرمایه‌گذاری کرد، باید بتواند محصولش را به فروش برساند. پس وجود بازار چه داخلی چه خارجی، گام دوم است. سوم این که در مورد زراعت ریسک حداکثر ۶ ماه الی یک سال است. یک اشتباه در انتخاب محصول، زیاد یا کم کاشتن، ممکن است سرمایه شما را ۹ ماه تکان دهد، ولی در مورد باغبانی خیلی باید مطمئن باشید که ده سال سرمایه‌ای را بگذارید. بنابراین ذهنیت رفتاری از زراعت به

قیمت انرژی باشد. اگر قیمت گازوئیل یا بنزین یا برق به قیمت نصف ترکیه شود، آیا باز بیزینس‌های ما همینطور هست؟ همه این‌ها یک به یک تکان می‌خورند. من بحث احساسی و یک جانبه و مقطعی را در امور اقتصادی شخصاً نمی‌پسندم. در کشاورزی و در درون باغ، یک جابه‌جایی در زراعت اتفاق می‌افتد.

سوال آخر من در مورد بحث تجارت آب مجازی است. می‌شود در مورد این مقوله هم صحبت کنید و نوع نگرشی که در وزارت جهاد کشاورزی نسبت به این مساله وجود دارد؟

این موضوع یک مقوله بزرگی است و در زمانی که در اتاق بازرگانی بودم و هستیم این مطلب را عرضه کردیم و کتابی را ترجمه و تدوین کردیم. اخیراً هم من مقاله‌ای منتشر کردم. تجارت آب مجازی، در ابتدا بعد از گران شدن نفت، در ۱۳۵۴ که غربی‌ها نگران شدند این بحث را روی میز گذاشتند که اگر کشورهای نفت دارند، ما هم در مقابل آن آب داریم و کالاهایی که از آب تولید می‌کنیم ارزان نمی‌فروشیم؛ به عنوان یک حربه. ولی دنیا با این حربه موافقت نکرد و موفق نشدند که این نظریه را پیش ببرند. بعد از این، نظریه تبدیل به ترم بازرگانی شد. الان هم می‌گویند تجارت آب مجازی، ولی ابتدا تجارت آب مجازی نبود، اول آب مجازی بود. اگر سیاستمداران تجارت آب مجازی را قبول کنند به نفع دنیا است. چرا که می‌تواند ۳۰ درصد در آب مصرفی فعلی دنیا صرفه‌جویی کند. مشروط بر این که سیاستمداران به این معتقد باشند. توافق سیاسی هنوز حاصل نشده ولی منوط به این است که اگر می‌خواهیم کالایی را تولید کنیم، باید در دنیا کالاهایی را تولید کنیم که کمترین آب را داشته باشیم و بالعکس. کالاهایی را وارد کنیم که در اینجا آب بیشتری برای تولیدشان باید مصرف شود. اصل این، منوط به یک توافق نامه‌ای مثل WTO است که بعید است در ده، پانزده سال آینده دنیا به آن برسد. اما در کوتاه مدت در داخل می‌توانیم این کار را بکنیم. از صادرات محصولاتی حمایت کنیم که برای تولید آن‌ها آب کمتر مصرف می‌شود. برای آن‌هایی که آب زیاد مصرف می‌کنند محدودیت ایجاد کنیم، یا بالعکس؛ اگر می‌خواهیم محصولاتی وارد کنیم محصولاتی که آب بیشتری برایشان صرف می‌شود وارد کنیم تا محصولاتی که آب کمتری صرف می‌شود. از نظر محصولات زراعی یا دامی، گوشت قرمز بالاترین آب مجازی را دارد. هر یک کیلوگرم گوشت قرمز بین ۱۳ تا ۱۵ تن آب می‌خواهد. بعد از آن شیر و گوشت سفید است. ماهی عدد کمی را دارد. در جهان به ازای هر کیلوگرم گندم نزدیک یک و نیم متر مکعب آب مصرف می‌شود که این‌ها تجارت آب مجازی است که فعلاً باید گذاشت روی میز سیاست‌یون و از آنطرف هم بایستی تولیدکنندگان را قانع کرد که با لحاظ کردن تجارت آب مجازی به صحنه بیایند. البته الان صادراتی که انجام می‌دهیم حجم زیادی از آب را داریم صادرات می‌کنیم.

می‌کنند ممکن است در رقابت با محصولاتی که حجم تولید می‌کند، مقایسه خوبی نباشد. فرض کنید ده هزار متر مکعب آب مصرف می‌کنیم یک تن پسته برداشت می‌کنیم. با همین مقدار آب می‌توانیم هفت تن گندم برداشت کنیم. این در ظاهر نشان می‌دهد که هفت به یک ارجح است. این یک مقایسه است. این مقایسه هم در دنیا اعتبار دارد و عمل می‌شود. دومین مقایسه به دلار تبدیل می‌کنند که از هر متر مکعب آب چند دلار یا چند سنت تولید می‌کنند. در آن زمان این معادلات کمی به هم می‌خورد. ممکن است محصولی مثل پسته، گل، زعفران و امثال این‌ها عدد بالاتری از نظر دلاری ایجاد کند و محصولی مثل شکر، گندم، ذرت و امثال این‌ها عدد کمتری پیدا کنند و ما فکر کنیم که در آن حالت داریم به کشور ظلم می‌کنیم اگر از این محصولات حمایت کنیم، یا فرصتی را از دست می‌دهیم اگر از محصولات بالایی حمایت کنیم. اگر این دو را کنار هم بگذاریم و ببخواهیم که در رابطه با آب ارزیابی کنیم، به یک موضوع باید توجه کنیم و آن این است که امنیت غذایی هنوز در دنیا یک شاخص اعتباری است. این امنیت غذایی می‌گوید که شما از هر متر مکعب چقدر کالری یا پروتئین تولید می‌کنید. با اضافه شدن این شاخص این تراز کمی عوض می‌شود. چهارمین مطلب این است که من به شخصه با نظریات یک جانبه و یک بعدی و مقطعی موافق نیستم. علت هم این است که فرض کنیم - علیرغم میل باطنی ما - وضع پسته سه، چهار سال قبل خیلی بد بود و اگر این تفاوت نرخ ارز ایجاد نمی‌شد و به هر دلیل ما دچار تحریم نمی‌شدیم و بالعکس فراوانی دلار داشتیم و دولت این اشتباه را ادامه می‌داد که دلاری ۸۰۰ تومان به مردم دهد، مجبور بودیم همه باغات پسته را رها کنیم. پایداری، اهمیتش از سودهای مقطعی خیلی بالاتر است. پس باید تعادلی ایجاد کنیم و نباید یکی را به پای دیگری گذاشت. هر کدام به جای خودشان اعتبار دارند و به این طریق بحث می‌کنیم و می‌گوییم که صلاح ما در این است که اگر یک میلیارد متر مکعب آب برای پسته مصرف می‌کنیم و از آن ۲۰۰ هزار تن تولید می‌کنیم، صلاح ماست و باید ۴۰۰ هزار، ۵۰۰ هزار تن تولید کنیم. یعنی ابتدا باید عملکرد پسته را به یک نقطه آپتیمم و بهینه برسانیم، چون الان وضعیت پسته شکننده است. بعد بگویند که به جای چغندر، پسته بکاریم. با این شکنندگی نمی‌توانیم رقابت کنیم. الان فشار صنعت پسته، به علت شور شدن و کمبود شدید آب در کرمان است. صاحبان این صنعت آدم‌های دانایی هستند و این خطر و نگرانی را درک می‌کنند. به عبارت دیگر دارند تدریجاً باغاتشان را از رفسنجان به سایر نقاط می‌برند. پسته دارد جابه جا می‌شود. اینطور نیست که ما یک‌دفعه بگوییم چه نشسته ای ۲۰۰ هزار هکتار خراسان رفته زیر پسته، هر چقدر می‌خواهد برود، برود نه مخالف هستیم نه نگرانیم ولی جابه جایی‌ها خیلی محدود است. علتش این است که خود این تجارت، اگر مشکلات اساسی رفع نشود، شکننده است. همینطور که آقای آگاه نگران نرخ ارز است همین قدر هم بایستی نگران

باغ، اولین گام بین انتخاب سرمایه، ریسک، بازار و عرضه است. به همین دلیل انواع سیاست‌های حمایت از کشاورزی را در دهه‌ی شصت تا دهه‌ی نود داشتیم. الان برنامه پنجم هستیم، هشت سال هم برنامه نداشتیم. معهذا شما تغییر آنچنانی در زراعت کشور نمی‌بینید. ولی در مورد باغات رویکردی بوده و از حدود یک میلیون هکتار به نزدیک دو و نیم میلیون هکتار رسیده است. البته بخشی از این گرایش‌ها ناشی از حمایت و تجویزهای دولت بوده است. فرض کنید در دهه‌ی هفتاد دولت به دنبال ایجاد ۵۰۰ هزار هکتار باغ زیتون هم برای پایداری اراضی و هم برای تولید روغن بود. بعضی اتفاقات مثل توسعه باغداری در بعضی مناطق در واحدهای صنعتی بزرگ اتفاق افتاده، همه این‌ها را که جمع کنیم ما در عرض ۳۵ سال یک و نیم میلیون هکتار باغمان - اگر آمارمان درست باشد - اضافه شده است و چیزی نیست که فکر کنیم به یکباره زراعت حذف می‌شود زیرا سطح زیر کشت زراعی نیز کاهش نداشته است. تولید همه محصولات زراعی و باغی کشور به شدت در معرض از دست دادن مزیت هستند اگر امروز یارانه‌ی انرژی پرداخت نشود ما در پسته نمی‌توانیم با آمریکا رقابت کنیم. برای ایرانی‌ها پسته و بادام آمریکایی ارزان‌تر است، مرکبات آمریکایی هم ارزان‌تر است و تنها راه استمرار و پایداری تولید آنها تامین سرمایه و تکنولوژی و تحقق افزایش بهره‌وری آنهاست.

سوال حتی اگر قیمت دلار واقعی شود؟

بله؛ عامل اصلی‌اش هم پایین بودن عملکردهای ماست. عملکردهای ما پایین است. محصول ما کیفی نیست. کشاورزی ما با تولیدات صنعتی یعنی تولیداتی که بتوانیم گروه‌بندی کنیم خیلی فاصله دارد و این‌ها باعث می‌شود که کشاورزی در تهدید باشد. ما دهه‌ی چهل در سه تا چهار محصول، مزیت نداشتیم، ولی بقیه محصولاتمان مزیت مطلق داشتند. در سال‌های اخیر تقریباً همه‌ی مزیت‌هایمان را از دست دادیم. مثلاً نرخ تضمینی خرید گندم ما از معادل نرخ جهانی کمتر نیست. پس این نشان می‌دهد که اگر عملکرد را بالا ببریم، داریم از هزینه‌های ملی به خودکفایی می‌پردازیم که به صرف و صلاح اقتصاد کشور نیست. این تهدید پایین بودن بهره‌وری برای باغات شدیدتر از زراعت است. زراعت به علت توان جایگزینی کشاورز برای ریسک، آسان‌تر است و فشاری به کشاورز نمی‌آید. به همین دلیل است که می‌بینید کشاورزان یک محصول کاشت نمی‌کنند.

سوال ما باید به یک سرمایه به اسم آب هم توجه کنیم. شما در معادلات آن آب را حذف کردید و گفتید چون در زراعت قدرت جایگزینی داریم تهدید کمتری است. به هر حال آب مصرف می‌شود و محصولی کمتر اقتصادی تولید می‌شود. به این مساله چگونه نگاه می‌کنید؟

در رابطه با آب، کشاورزی را می‌توانیم به دو صورت ببینیم؛ یکی از هر متر مکعب آب چند کیلو کالا تولید می‌کنیم که این در مورد محصولاتی که مغز تولید می‌کنند یا دانه تولید

رییس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگوی اختصاصی با ماهنامه انجمن پسته ایران مطرح کرد:

وزارت نیرو تخلف کرده؛ نه مردم!

شد که به طور مستقیم با کشاورزی مرتبط بود. سال ۱۳۸۹ قانون افزایش بهره‌وری به تصویب رسید. ارزیابی شما این بود که این قانون می‌تواند منشأ ورود تحولات اساسی به کشاورزی ایران باشد. چرا اینطور نشد؟

متأسفانه این قانون در حد ده درصد ظرفیتش اجرایی شد و به نظر می‌رسد دولت تعلل کرده است. البته ما در مجلس در سال ۹۲ روی نظارت بر اجرای این قانون کارهای جدی را دنبال کردیم و قطعاً برای عملیاتی شدن همه‌ی مواد و مفاد این قانون، تلاش خواهیم کرد. اعتقادم همچنان این است که اگر وزارت جهاد کشاورزی در دولت یازدهم فقط همین قوانین را اجرایی کند و هیچ کار دیگری نکند، یعنی هیچ نوآوری نکند و هیچ تحول آفرینی دیگری نکند، این چند قانون از جمله قانون برنامه پنجم، قانون افزایش بهره‌وری، نظام جامع دامپروری و قانون مربوط به تمرکز وظایف کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی که به قانون انتزاع موسوم شد، را اجرایی کند، تحولات عظیمی در بخش کشاورزی اجرا خواهد شد.

سپید یک قانون هم مجلس داشت مبنی بر به رسمیت شناختن چاه‌های غیرمجاز! این قانون را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ما چاه‌های غیرمجاز را نمی‌خواهیم به رسمیت بشناسیم. ما داریم ساماندهی می‌کنیم. اعتقاد من این است که وزارت نیرو هنوز این قانون را عملیاتی نکرده است.

سپید و شما معتقدید که این قانون باید عملیاتی شود؟

بله؛ کمی توضیح می‌دهم که چرا این قانون مفید است. تمام چاه‌های مجاز و دارای پروانه، افزون بر پروانه‌شان دارند آب برداشت می‌کنند. در این قانون گفتیم که همه‌ی چاه‌ها باید دارای یک کنتور حجمی باشند. معنایش این است که اندازه ظرفیت پروانه‌ی چاه، برداشت صورت بگیرد. دوم اینکه چه بخواهیم چه نخواهیم، متأسفانه امروز چاه‌های غیر مجاز و قابل پروانه دارند آب برداشت می‌کنند و هیچ کس هم نمی‌داند چقدر برداشت می‌کنند. این قانون تعریف کرده که اولاً بررسی کنند که چقدر می‌توانند به چاه‌های فاقد پروانه اجازه دهند که طبیعتاً خیلی بخواهند به آن‌ها ارفاق کنند یک دهم چیزی است که برداشت می‌کنند؛ چون در دشت‌های ممنوعه است. دوم

مناسبتی طراحی کرد تا همچنان در دنیا مطرح باشد. در مجموع بایستی تشکر کنم از انجمن پسته ایران برای این برنامه؛ هم از نظر پذیرایی، مکان، تشریفات کار و هم از نظر محتوای همایش. **سپید** از منظر کارشناسی به خود شما هیچ کمکی کرد؟ یعنی از نظر شما مطالب قابل تأمل بود؟

مطالبی که مطرح شد به خصوص در قسمت مارکتینگ خوب بود. موضوعات دیگری مثل مباحث تخصصی آب و مسائل مربوط به حوزه‌ی باغداری و ... در سایر مقوله‌ها هم مطرح است. ولی در بُعد مارکتینگ پسته، به نظر من رسید که مطالبی که ارائه کردند می‌تواند برای برخی از مسائل راه گشا باشد. مثلاً سهم بازار ما در مقایسه با ایالات متحده آمریکا، نکته قابل توجه و تأملی است. این سهم بازار ایران متأسفانه از رتبه‌ی یک خیلی فاصله می‌گیرد و نشان می‌دهد که ما برای این، باید راهکارهای جدی پیدا کنیم. دوم کمیت تولید است. البته از نظر کیفیت تولید، اعتقاد من این است که همچنان رتبه یک دنیا هستیم. ولی از نظر کمیت در واحد سطح بایستی کار جدی کنیم. رکوردهای خوبی در ایران داریم، بایستی متوسط کشور را هم به سطح رکورد افزایش دهیم. با این حساب به نظر می‌رسد نکاتی که در مباحث مطرح شد، می‌تواند راهکار عملیاتی برای رسیدن به این نقطه باشد. یک نکته‌ی دیگری که بایستی به آن بپردازیم خود انجمن است. اعضای انجمن پسته ایران عمدتاً از باغداران استان کرمان هستند؛ ولی ما در جاهای دیگر هم پسته داریم. اگر ما نتوانیم همه‌ی باغداران پسته در سراسر کشور را در این رابطه مجتمع کنیم و از پتانسیل و مجموعه مباحثشان استفاده نکنیم، طبیعتاً آسیب خواهیم دید. وقتی که ما یک انجمنی را تعریف می‌کنیم، بایستی مردم باغدار استان سمنان و شهرستان دامغان باشند، مثلاً زرنديه ساوه یا استان‌های دیگری مثل خراسان که در زمینه‌ی پسته کارهایی انجام دادند، حتماً بایستی حضور داشته باشند. باید دایره این انجمن را سریع‌تر فراگیر کنند تا همه‌ی نیروها در اینجا مجتمع و استفاده شود. این همان تجربه‌ای است که آقای آمریکایی هم به آن اشاره‌ای داشتند و در صحبت‌های همه‌ی اساتید هم بود که در این زمینه باید یک کار متمرکز و سطح بالایی انجام شود.

سپید آقای رجایی! در مجلس قوانینی مصوب



ماهنامه پسته - رییس کمیسیون کشاورزی آب و منابع طبیعی، ادوار هفتم و هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی است. نماینده استان اراک، کمیجان و خنداب در مجلس شورای اسلامی است و در عین حال رییس فراکسیون صنایع غذایی مجلس هم هست. پیش از آن هم مدیر طرح و برنامه جهاد کشاورزی بوده است. با عباس رجایی در خصوص کشاورزی ایران و برخی قوانین مصوب مجلس در این حوزه به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن پیش روی شماست.

سپید آقای رجایی! گردهمایی دوم انجمن پسته ایران را چطور دیدید؟

البته من همایش اول را چون نبودم نمی‌دانم چگونه برگزار شد و چه موضوعاتی مطرح شد. ولی همایش دوم هم کیفیت برگزاری خوب بود و هم افرادی که شرکت کرده بودند، از باغداران پیشرو در حوزه پسته بودند. علاوه بر آن، سطح مطالبی که مطرح شد قابل توجه و تأمل بود. به نظر می‌رسد که بایستی برای آینده‌ی پسته فکر اساسی‌تری کرد و برای این ثروت ملی راهکارهای

اشاره کرده بودید سرمایه‌گذاری خارجی است. با چه مکانیزمی فکر می‌کنید می‌شود سرمایه‌های خارجی را جذب کشاورزی ایران کرد؟

ما در قانون برنامه پنجم ماده‌ای تحت عنوان شرکت شهرک‌های کشاورزی آوردیم. بحث و هدف من از اینکه این ماده را در قانون آوردیم و تعبیه کردیم این بود که مقیاس کشاورزی را بزرگ کنیم. وقتی این مقیاس بزرگ شود بایستی در مباحث مختلف سرمایه‌گذاری مناسب صورت بگیرد. صحبت از مکانیزاسیون مطرح است. الان در کشاورزی مکانیزاسیون اصلاً معنا ندارد. این‌که ما یک تراکتور یا یک کمباین را می‌آوریم و وقتش را تلف می‌کنیم، به جای اینکه بتواند کارهای بزرگ انجام دهد، از تراکتور برای سواری و برای بار بردن استفاده می‌کنیم، اسمش مکانیزاسیون نیست. مکانیزاسیون زمانی مفهوم دارد که مقیاس کشاورزی، مقیاس معناداری باشد. ما در شرکت شهرک‌های کشاورزی به دنبال این هدف هستیم که کشاورزی کشور را به سمت و سویی ببریم که مقیاسش بزرگ شود. بتوانیم علمی روی آن کار کنیم، تکنولوژی رویش سوار کنیم.

این شرکت‌ها زیر مجموعه‌ی جهاد کشاورزی می‌شوند؟

زیر مجموعه‌ی جهاد کشاورزی است. خودش یک ساز و کار است. شرکت شهرک‌های کشاورزی هم در وزارت جهاد کشاورزی درست شده است و خوشبختانه از ابتدای امسال شروع به کار کرده است. این شرکت شهرک‌های کشاورزی شروعاتش با کشت و صنعت‌ها و تعاونی‌های تولید است. ولی من اعتقادم این است که در آینده باید کاری کنیم که اولاً مقیاس کشاورزی ما بزرگ شود، دوم مالکیت و مدیریت از هم جدا شود، سوم سرمایه‌گذاری و تکنولوژی روی آن فراهم و سوار شود.

فکر می‌کنید این شرکت‌های دولتی‌ساز کمکی کند؟

اصلاً دولتی نباید باشد. به صورت غیر دولتی است. شرکت شهرک‌های کشاورزی که بسترش در وزارت جهاد است، بسترش دولتی است. ولی قرار است که شهرک‌های کشاورزی غیر دولتی درست کند. بحث، بحث دولتی نیست.

به هر حال نوعی از مداخله دولت است در اقتصاد کشاورزی!

نه؛ باید این را به مردم آموزش داد. وقتی آموزش دادیم خودشان راه را پیدا می‌کنند و جلو می‌روند.

اجتماعی را حل می‌کردیم. وقتی که نیروی انتظامی به دستور مقامات مربوط به آب استان‌ها، می‌رود چاهی که زیر دستش کشت سبز است پر می‌کند و شورش و مسائلی از این دست ایجاد می‌کند، اگر این فراگیر می‌شد بحران اجتماعی درست می‌کرد. شما نمی‌توانید به جوانی که برایش کار درست نکردیم و امروز می‌خواهد زندگی تشکیل دهد و اموراتش را بگذراند، بگویید که شما حق این کار و حق آن کار و حق ... را ندارید. هیچ مجموعه‌ای که بیاید و ایشان را از نظر اجتماعی بیمه کند هم وجود ندارد؛ بیمه بیکاری هم که نمی‌گیرد؛ بیمه شغل نداشتن هم که نمی‌گیرد؛ هیچ چیزی وجود ندارد و بعد ادعا کنیم که شما حق نداری؛ نمی‌شود از قید حیات هم ساقطش کنیم؛ این که نمی‌شود. وقتی بخواهیم مباحث کشور را تدبیر کنیم باید همه امورش را با هم ببینیم. همانطور که گفتم به مردم می‌گوییم که بروید کشاورزی کنید؛ هم از آنطرف اجازه نمی‌دهیم زمین داشته باشند و هم اجازه نمی‌دهیم آب داشته باشند؛ اینطوری که نمی‌شود.

اما خود شما اذعان کرده بودید که بخش کشاورزی کشور از بیکاری پنهان رنج می‌برد. چرا فکر می‌کنید هنوز زمینه اشتغال در کشاورزی هست؟

برای اینکه ما همیشه فقط برای یک سوم سرزمین فکر کردیم. به ظرفیت‌های جدید و برنامه‌ریزی‌های جدید اصلاً فکر نکردیم.

چه ظرفیت‌های جدیدی؟ منظورتان از آن دو سوم، کدام مناطق ایران است؟

مجموعه مناطقی که تحت عنوان اراضی کم بازده و بیابان‌ها و مناطقی که در حاشیه کویری قرار دارند. وقتی امروز می‌توانید با استفاده از روش کشت هیدروپونیک گلخانه‌ای روی سنگ هم تولید محصول کشاورزی کنید، روی پشت بام خانه هم می‌توانید این کار را بکنید، چه دلیلی دارد که در بیابان‌هایمان این کار را نکنیم؟ حداقل می‌توانیم این ادعا را بکنیم که از نظر انرژی می‌توانیم ذخیره‌ی انرژی را دنبال کنیم. می‌توانیم از آب‌های غیرمتعارفشان استفاده کنیم و به این لحاظ، اعتقاد من این است که اگر جمعیت را همچنان در آن یک سومی که از قدیم کشاورزی در آن صورت می‌گرفته، شیفت دهیم، بیکاری پنهان را افزایش می‌دهیم ولی اگر برای کل سرزمین برنامه‌ریزی کنیم نتیجه عکس خواهد شد.

در مورد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران یکی از راهکارهایی که شما

اینکه گفتیم حتماً باید آبیاری نوین و تحت فشار استفاده شود. سوم کنتور حجمی داشته باشند و تعدادی از آن‌ها که شرایط لازم در قانون را ندارند مصلوب‌المنفعه شوند. یعنی اگر در حریم چاه دیگری است و مشخصاتش با شرایط اقلیم نمی‌خواند، همه مصلوب‌المنفعه شوند. همین کار را اگر انجام دهیم دست کم ۲۰ درصد آب را بیشتر صرفه جویی کرده ایم.

به قانون‌شکنان هم جایزه ندادیم؟

نه؛ من اعتقاد ندارم. ما کم کاری دولت در زمینه تأمین آب را نباید به حساب مردم بگذاریم. از یک طرف داریم همه را تشویق می‌کنیم که بروند کار کشاورزی و تولید کنند. پس باید زیر ساخت‌هایش را هم فراهم کنیم. وقتی فراهم نکنیم، طبیعی است که چنین اتفاقی می‌افتد. همین بحث در مورد شهرداری‌ها هم مطرح است. اگر شهرداری‌ها جلوتر از مردم نروند و ساختارهای شهری را تعریف نکنند، مردم مسکن نیاز دارند و بالاخره می‌آیند و مسکن‌شان را می‌سازند. ما نمی‌گوییم که مردم خلاف کردند، می‌گوییم که دولت خودش را نرسانده است. در بحث آب هم اعتقادمان این است که وزارت نیرو تخلف کرده، نه مردم! اگر وزارت نیرو کاری می‌کرد که دشت‌های ممنوعه‌ی ما ممنوعه نباشد، نیاز نبود که مردم کار غیر مجاز انجام دهند. روی این حساب اعتقاد ندارم که این را جایزه به تخلفات نام بگذاریم.

اگر تبعات این طرح نتیجه‌ای مثل نهضت حفر چاه باشد، چه؟

برای اینکه این اتفاق نیفتد آمدیم در قانون چی گفتیم؟ به نظرم می‌رسد که قانون برای رسانه‌ها و مردم درست تشریح نشده است. مثلاً این تکه قانون که می‌گوید چاه باید حتماً قبل از سال ۸۵ حفر شده باشد و در وزرات نیرو قبل از آن سال‌ها ثبت شده باشد و دارای پرونده باشد. بنابراین هر چاهی که ثبت نشده باشد، حتی اگر قبل از این سال‌ها هم باشد در این محدوده قرار نمی‌گیرد.

این محدودیت زمانی تا به حال دو بار عوض شده است. خیلی‌ها به دنبال حفر چاه رفتند به امید اینکه بار سومی هم مجلس چنین قانونی را به تصویب خواهد رساند. حتی برخی از کارشناسان انگشت اتهام به سمت نمایندگان مجلس دراز کردند که می‌خواهند با این اقدام‌شان رأی بخرند. چه پاسخی دارید؟

ما که جزء تصویب کنندگان این طرح بودیم، دنبال رأی خریدن نبودیم. اتفاقاً ما داشتیم یک بحران

مشاور عالی وزیر جهاد کشاورزی در گفت‌وگوی اختصاصی با ماهنامه انجمن پسته ایران مطرح کرد

خودکفایی هدف نیست!



را به دلیل نداشتن کنجاله سویا به کشتارگاه بفرستیم. گفتند: گندم غذای اصلی مردم است. باید توجه داشته باشیم که توان تولیدمان را بالا ببریم؛ منتهی نه به هر قیمت! بایستی یک طرح برای راهبرد کشاورزیمان داشته باشیم. از آب چگونه استفاده کنیم؟ چگونه سرمایه‌گذاری کنیم؟ چگونه جلوی ضایعات را بگیریم؟ و بهره‌وری تولید را بالا ببریم؟ اگر در این راستا به خودکفایی گندم رسیدیم، برای کشور خوب است. نه اینکه بگوییم که حتماً در گندم باید خودکفا شویم.

آی اگر به جای اینکه آب را صرف محصولی مثل پسته کنیم، به سمت گندم سوق دهیم. این اتلاف منابع نیست؟

دست دولت که نیست. هر کسی می‌تواند این کار را بکند. امسال قیمت خرید تضمینی گندم برابر قیمت‌های بین‌المللی است. سال‌های قبل کمتر از قیمت بین‌المللی بود.

شما حساب کنید که کل پسته‌کاران ما چند نفر هستند ما حدود سه میلیون گندم‌کار داریم. کسانی که کم بضاعت هستند. اگر این‌ها زندگی نداشته باشند خیلی مسائل اجتماعی ایجاد می‌شود. نمی‌گوییم که گندم خودکفا شود، می‌گوییم که استفاده بهتر از آب، خاک و سرمایه کنیم. اگر در این راه رسیدیم به خودکفایی گندم خوب است.

آی استفاده بهتر از آب، خاک یا همان بهره‌وری با مکانیزیم‌های سنتی که پیش از این بوده، به نظر شما شدنی است؟

بالاخره باید به آن سمت برویم. الان عملکرد چغندر قند ما به بالای ۵۰ رسیده است. عملکرد ذرت به بالای ۷۰ رسیده است. عملکرد گندم الان پایین آمده، دهه هشتاد نزدیک چهار تن بود.

آی ذرت یک محصول خیلی آب‌بر است، درست است؟

بله.

آی ولی تولیدش را داریم دنبال می‌کنیم. نگاه شما به مفهوم تجارت آب مجازی چیست؟

آن یک مقوله دیگری است. اولین کتابش را خودمان در اتاق بازرگانی چاپ کردیم. یکی از راه‌های ما این است که به سراغ آب مجازی برویم. منتهی باید مطالعه کنیم در چه زمین‌هایی، چه محصولاتی در کنار راهکار استفاده بهینه از آب داشته باشیم. راهکارهای استفاده‌ی

ماهنامه پسته - دردوره قبلی محمود حجتی به عنوان وزیر جهاد کشاورزی، معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی بود. اینک سیدمحمدحسین شریعتمدار مشاور عالی وزیر جهاد کشاورزی است. شنیدن دیدگاه‌ها و نظرات شریعتمدار که هم در بخش خصوصی و هم در بخش دولتی تاثیرگذار است، خالی از لطف نیست.

آی آقای شریعتمدار! گردهمایی کیش را چطور دیدید؟

گردهمایی را خیلی موفق دیدم. بخصوص از دو جنبه؛ یکی موافقت‌نامه‌ای که بین مسوولان وزارت جهاد کشاورزی و انجمن پسته ایران منعقد شد که از این به بعد مسایل تحقیقات پسته توسط انجمن پسته ایران دنبال شود و این یک موفقیت برای بخش کشاورزی است. در همه‌ی دنیا کشورهای پیشرفته در مسایل ترویج، آموزش، تحقیقات و ... بخش خصوصی مشارکت می‌کند. در کشور ما از پسته که شروع می‌شود به دو دلیل امکان توفیق دارد؛ یکی به این دلیل است که کسانی که در پسته هستند، از نظر تجربی، بینش و علمی، آدم‌های برجسته‌ای هستند که ممکن است در سایر محصولات کشاورزی به این تعداد نباشد. یکی هم توان مالی انجمن و بخش اقتصاد پسته، ضامن توفیق همکاری جدید است. اگر موفق شود و دلیلی ندارد که موفق نشود، برای سایر محصولات هم مثل پنبه، شکر، نخیلات می‌شود همین راهکار را جلو رفت. دولت توانش محدود است و هیچ جای دنیا دولت مطلقاً تمام کارهای تحقیقات و آموزش و ترویج را به عهده ندارد.

آی اما دولت و بخش خصوصی در پاره‌ای از مسایل، با هم اشتراک نظر ندارند. بخش خصوصی معتقد است دولت دارد با سیاستگذاری‌هایی که می‌کند در اقتصاد کشاورزی مداخله می‌کند. مثلاً نگاه دولت‌مردان بخش کشاورزی به حمایت جدی از دانه‌های روغنی است. این سیاست‌های حمایتی را در بخشی مثل پسته شاید کمتر ببینیم. شما این مداخلات را چطور ارزیابی می‌کنید؟

آدم باید کل مسائل کشور را ببیند. یک زمانی من در دانشگاه روم در جمع اساتید علوم زراعی بودم. گفتند ما گندم را بیش از قیمت بین‌المللی از کشاورزان‌مان خریداری می‌کنیم. از ایشان سوال کردم دلایل چیست؟ گفتند: ما یادمان نمی‌رود که سال ۱۹۸۰ آمریکا برای واردات کنجاله‌ی سویا محدودیت برایمان قائل شد و ما مجبور شدیم که تعداد زیادی از گاوهایمان

بهینه از آب هم، بالا بردن water productivity است. یعنی به ازای یک متر مکعب آب، چقدر محصول به دست می‌آید. یکی هم به ازای هر متر مکعب آب، چقدر درآمد دارد. باید این دو مورد را در نظر بگیریم. در کنارش مساله تجارت آب مجازی را در نظر بگیریم. فرض کنید هر کیلو گوشت قرمز ۱۶ متر مکعب آب مصرف می‌کند. هر کیلو گوشت مرغ ۶ متر مکعب آب مصرف می‌کند. بعضی سراغ مساله آب مجازی می‌روند و می‌گویند گوشت قرمز وارد کنیم که قبل از انقلاب پیشنهاد مهندس مشاور بوکرز بود. نمی‌توانیم هم در غلات خودکفا شویم، هم گوشت قرمز تولید کنیم. باید یکی را انتخاب کنیم. خود کشاورز انتخاب می‌کند. ما در فارس دشتی داریم به نام سروستان که بحران آب دارد. زمانی ۹ یا ۱۰ هزار هکتار گندم در آن می‌کاشتند. الان به زیر دو هزار هکتار رسیده است. کسی مانع نیست. ولی باید در نظر بگیریم که درآمد کشاورز گندم‌کار را هم از دو طریق بالا ببریم؛ یکی از طریق افزایش عملکرد، و دیگری بهره‌وری آب و زمین. چون گندم را برای غذای‌مان نیاز داریم، اعمال نظری باید داشته باشیم. باید هر جا که لازم است، تکنولوژی ببریم. تضمین قیمت کنیم. البته تضمین قیمت نباید به گونه‌ای باشد که مانع سایر محصولات شود که آن هم درست نیست. مهم این است که در بحث خودکفایی، سیاست وزارتخانه این است که خودکفایی هدف نیست. در زمان بحران‌ها می‌تواند هدف شود. باید نتیجه‌ی یک استراتژی و راهبرد مطلوب در کشاورزی باشد.

تاملی در باب صنعت پسته ایران

صادرکنندگان رتبه بندی شوند

۳. برگزاری گردهمایی سالانه فعالان صنعت پسته ایران که یک گردهمایی علمی و کاربردی است باید به سمت کاربردی تر شدن گام بردارد. در همایش امسال، امضای تفاهم‌نامه‌ای با وزارت جهاد کشاورزی یک اقدام کاربردی و عملی مهم و ضروری بود. هر ساله موضوعات مبتلابه این صنعت باید به صورت کارشناسی شده در گردهمایی مطرح و ضمن اخذ نظر و در نهایت تأییدیه شرکت کنندگان اجرائی شود. علاوه بر موضوعاتی که در ابتدای گفتار آمد سایر مسائلی که میتواند مورد بحث قرار گیرد عبارتند از:

- بررسی اجرای روش آبیاری مدرن در باغات پسته
- انتخاب نوع پسته سازگار با محیط
- بررسی راههای افزایش بهره وری در بخشهای تولید و فرآوری
- بررسی راه کارهای عملی برای کاهش هزینه های تولید
- بررسی عملکرد نهاده های مختلف و معرفی نهاده های با بهترین عملکرد به باغداران
- معرفی پایه و پیوندهای مناسب
- بررسی راهکارهای عملی برای کاهش هزینه های تولید
- شناسائی نقاطی که امکان کشت و توسعه پسته را دارد

۴. امروزه واحد تحقیق و توسعه (R&D) یکی از بخش‌های مهم در هر واحد تولیدی است. لزوم ارائه محصول با کیفیت و قابل رقابت در سطح جهانی ضرورت تقویت مرکز تحقیقات را اهمیت بخشیده است. اختصاص بخشی از درآمد پسته به امر تحقیقات و بررسی مشکلات مبتلابه این بخش نقش مهمی در تولید محصولی با کیفیت بهتر، با هزینه کمتر و قابل رقابت در سطح جهانی دارد. در همین رابطه انجمن پسته ایران می‌تواند علاوه بر تقویت و همکاری تنگاتنگ با مرکز تحقیقات پسته با بهره‌برداری از تحقیقات و ظرفیت‌های دانشگاهی، موضوعات مهم را بعنوان پایان نامه دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای بخش کشاورزی معرفی نماید و در صورت ارائه راه‌کارهای مناسب هزینه‌های آنها را تأمین نماید.

بصورت فراگیر همه دست اندرکاران صنعت پسته ایران را پوشش دهد در این صورت ضمانت اجرای تصمیمات این انجمن نیز بیشتر می‌شود. به گمان نگارنده اهم موضوعاتی که توسط انجمن پسته ایران باید مورد بحث و بررسی و پیگیری قرار گیرد بشرح ذیل است:

۱. نقش آمار و اطلاعات بعنوان پیش نیاز کلیه تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بر کسی پوشیده نیست. پایه هر برنامه‌ریزی بر مبنای آمار و اطلاعات دقیق استوار است. فقدان آمار صحیح، اجرای برنامه‌های مختلف را با مشکل روبرو می‌سازد.

هم اکنون در بخش‌های مختلف صنعت پسته خصوصاً در بخش تولید، آمار دقیق و قابل اتکائی وجود ندارد. آمارهای تولید شده و موجود کارآیی لازم را در بهره‌برداری برای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ندارد. یکی از اقدامات اساسی و مهم پیش روی انجمن پسته ایران برنامه‌ریزی برای ایجاد یک نظام کارآمد و مؤثر در تولید و عرضه آمار در بخش‌های مختلف صنعت پسته است. در این صورت می‌توان با اتکاء به آمار تولید شده برنامه‌ریزی مناسب برای ارائه خدمات فنی، مهندسی انجام داد و نیز نظارت و کنترل را در دستور کار قرار داد و در قدم بعدی نسبت به شناسنامه‌دار نمودن باغات بزرگ پسته، صادرکنندگان و واحدهای صنعتی مرتبط اقدام نمود.

۲. هم اکنون بسیاری از باغات پسته بصورت سنتی اداره می‌شود. افزایش بهره‌وری خصوصاً به منظور افزایش تولید در واحد سطح و تولید پسته قابل عرضه در بازارهای جهانی، مستلزم اعمال مدیریت علمی باغات پسته است. وجود تجربیات موفق در مدیریت باغات پسته کرمان باید مورد ارزیابی انجمن پسته قرار گیرد و بعنوان یک الگوی موفق به باغداران معرفی شود.

انجمن پسته باید با بررسی راهکارهای قانونی و ارائه یک چارچوب حقوقی محکم این روشها را در کلیه استان‌های پسته خیز تعمیم دهد. در این صورت است که می‌توان به آینده باغات پسته ایران امیدوار بود.

مهدی سیاوشی - بررسی مسایل پسته ایران به دلایل متعددی از اهمیت ویژه برخوردار و از ضروریات است. پسته بعنوان موفق ترین محصول کشاورزی ایران رتبه نخست از حیث درآمد و ارزآوری را به خود اختصاص داده است تا آنجا که اشتغال هزاران خانواده در بیش از ۱۰ استان کشور وابسته به پسته است. اما تولید این محصول مهم که ۸۰ درصد آن باید به بازارهای جهانی صادر شود، با موانع و محدودیت هائی مثل ازبین رفتن منابع آبی باغداران (از نظر کیفیت و کمیت)، رقابت با پسته تولیدی کالیفرنیا، آلودگی افلاتوکسین، سطح پائین اطلاعات عمده کشاورزان و عدم اعمال مدیریت علمی باغات، تعدد صادرکنندگان حقیقی و حقوقی و برداشت کم پسته در واحد سطح در مقایسه با رقیب اصلی پسته ایران روبرو است. مسائل فوق و نیز مشکلات دیگر پیش روی صنعت پسته ایران باعث شده که صادرات پسته ایران در حدود ۱۵۰ هزار تن در سال ثابت بماند در حالی که صادرات رقیب اصلی پسته ایران از سال ۲۰۰۲ از ۴۰ هزارتن به حدود ۱۴۰ هزار تن در سالجاری افزایش یافته است.

بنابراین اگر مسائل و مشکلات مختلف صنعت پسته ایران در بخش‌های تولید، فرآوری و صادرات بصورت جدی و فوری مورد بررسی قرار نگیرد و راهکارهای علمی و عملی مناسبی برای رفع آنها ارائه نگردد، بزعم همه‌ی دلسوزان بخش کشاورزی، ایران در آینده با مشکلات زیاده‌تری روبرو خواهد شد و ضربات جبران ناپذیری به این بخش مهم وارد می‌گردد.

انجمن پسته ایران که براساس قانون و با مشارکت همه ذینفعان پسته ایران یعنی تولیدکنندگان، فرآوری کنندگان و صادرکنندگان و همچنین صاحبان صنایع و نهادهای سازمانهائی که بنحوی دست اندرکار پسته‌اند تشکیل گردیده است، مناسبترین تشکل برای بررسی و جمع‌بندی موانع و محدودیت‌ها و نیز استفاده از نظرات کارشناسان، نخبگان و دست‌اندرکاران پسته برای ارائه راهکارهای مناسب است. همچنین این تشکل باید با استفاده از ظرفیت‌های قانونی، اعمال سیاست‌های تعریف شده را پیگیری نماید.

انجمن پسته ایران باید چتر خود را گسترده و

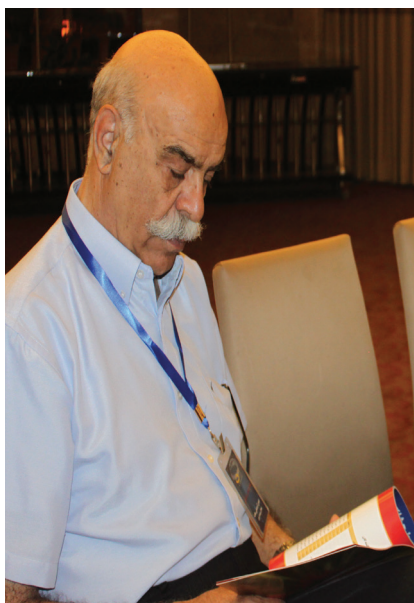
دومین گردهمایی انجمن پسته ایران زیر ذره‌بین شرکت کنندگان؛

تصمیم‌گیران دولتی به صنعت پسته حساس شدند

جاری کند که ریسک را کم کند و اغتشاش ایجاد نشود. تا در نظام بانکداری و بازده سرمایه‌گذاری‌شان، وقتی که براساس یک محاسبات اولیه شروع به کار می‌کنند، فرضیات و محاسبات به هم نخورد و این مستلزم این است که سیاست‌های کلان اقتصادی دولت ثبات داشته و معلوم باشد.

او ادامه می‌دهد: معنی‌اش این است که سیاست‌های دولت در زمینه آب و کشاورزی، وضعیت کسانی که وارد این صنعت می‌شوند را به مخاطره نیندازد. این انتظارات، معقول است. این نقش دولت است و با روحیه‌ای که اینجا دیدیم بیشتر از این هم از دولت انتظار ندارند و می‌خواهند با اتکا به خودشان جلو روند.

سامان دهندگان فوق‌العاده خوب عمل کردند



عضو هیات ریسه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان به ماهنامه انجمن پسته ایران می‌گوید: اولین دفعه بود که در گردهمایی انجمن پسته ایران شرکت کردم. در درجه اول فکر می‌کنم که سامان دهندگان این همایش فوق‌العاده خوب عمل کرده بودند. مهدی ایرانی یادآور می‌شود: ترکیب بسیار متناسبی از مجلسی‌ها، دولتی‌ها و دست‌اندرکاران صنعت پسته از سراسر کشور جمع شده بودند که اعتبار آن برای انجمن پسته است. خصوصاً آقای جلال‌پور که با همه‌ی ارتباطات گسترده‌ای که دارد و از زمانی هم که به عنوان نایب رئیس اتاق ایران انتخاب شدند با سهولت بیشتری

که چه خدماتی را می‌توانند بدهند و چگونه می‌توانند به افزایش بهره‌وری پسته کمک کنند. خود ارائه آن‌ها اگر جنبه فنی و اطلاع‌رسانی داشته باشد می‌تواند شکل‌گیری الماس را هم تقویت کند.

او تاکید می‌کند: صنعت پسته، بخش فعال و خوبی است. یعنی آدم‌های فرهیخته و تحصیلکرده در این بخش زیاد هستند و به نظر من آن‌ها هستند که دارند انجمن را شکل می‌دهند و جلو می‌برند. افراد آگاهی هستند. تعامل بین‌المللی آن‌ها خوب است، چون با دنیا مرتبط هستند. دیدشان باز و بلند است.

مشایخی می‌افزاید: وقتی که یک مجموعه‌ای در بازرگانی بین‌المللی وارد می‌شود، با خارج تعامل می‌کند، صادرات می‌کند، تولیدکننده‌های خارجی را می‌شناسد، نیاز مشتریان خارج و تجار خارجی را می‌شناسد، خود این تعامل سبب می‌شود که ذهن‌شان به روی سطح مدیریت، تکنولوژی و روش‌های کار جهانی باز شود. این خود سبب رشد می‌شود. برای همین است که بازرگانی و تعامل بین‌المللی برای کشورها مفید است. چون می‌شود از کشورهای دیگر یاد گرفت و این اتفاق دارد در پسته می‌افتد.

او ادامه می‌دهد: یکسری پسته کاران بخش خصوصی که سرمایه‌هایشان بزرگتر هستند و بزرگ هستند، این تعامل را دارند. کما اینکه از یک پسته‌کار موفق آمریکایی، دعوت کردند که ببینند چه کار می‌کنند. بدون این تعامل جهانی این دید پیدا نمی‌شد. مشایخی در پاسخ به این سوال که تداوم این گردهمایی‌ها را به صنعت پسته ایران توصیه می‌کنید؟ می‌گوید: بله؛ این گردهمایی‌ها برای پسته‌کاران خیلی مفید است.

او در پاسخ به این سوال که نگران این نیستید که این گردهمایی‌ها جنبه فرمایشی پیدا کند، می‌گوید: نه؛ چون بخش خصوصی است و اعضا باید هزینه گردهمایی‌ها را پرداخت کنند. مکانیزمی که اجازه ندهد این گردهمایی‌ها فرمایشی شود، همین است که اعضا خودشان علاقمند باشند که بیایند و هزینه شرکت در گردهمایی را پرداخت کنند. چه زمانی این کار را می‌کنند؟ زمانی که به دردشان بخورد و برایشان مفید باشد.

مشایخی تاکید می‌کند: یک رویه خوب دیگری که در انجمن دیدم این است که بیشتر می‌خواهند با اتکا به خودشان جلو بروند. دنبال گرفتن امتیازات از دولت نیستند. البته می‌خواهند که دولت مقررات و رویه‌ها را

ماهنامه پسته - در حاشیه‌ی برگزاری دومین گردهمایی انجمن پسته ایران نظرات و پیشنهادات شرکت‌کنندگان در گردهمایی را جویا شدیم.

جای خالی کارگاه آموزشی



دکتر علینقی مشایخی در خصوص دومین گردهمایی انجمن پسته ایران به ماهنامه انجمن می‌گوید: گردهمایی را نسبت به گردهمایی انجمن‌ها یا مجموعه‌های دیگری که برگزار می‌شود، خیلی خوب دیدم.

این استاد دانشگاه می‌افزاید: مطالبی که ارائه شد منهای مطالب من که بقیه باید قضاوت کنند، مطالبی بود که روی آن‌ها کار شده و مفید بود. علامتش هم این بود که شرکت‌کننده‌ها با علاقه تا آخر جلسات می‌نشستند و گوش می‌کردند و در بحث‌ها مشارکت می‌کردند.

مشایخی یادآور می‌شود: از نظر برنامه‌ریزی و پشتیبانی کار و امکاناتی که فراهم کرده بودند، انصافاً امکانات خوبی بود.

او در پاسخ به این سوال که جای چه مباحثی را در این گردهمایی خالی دیدید؟ اظهار می‌دارد: شاید اگر فرصت بیشتری داشتند و دو، سه کارگاه می‌گذاشتند تا به باغداران و پسته‌کاران کمک می‌کردند در زمینه‌های تکنولوژی کارشان را ارتقا دهند، خوب‌تر بود.

مشایخی برای گردهمایی سوم هم پیشنهاد می‌دهد: اگر طرح ایده‌ی الماس را که ارائه دادم، شرکت‌های پشتیبان، مرتبط و حامی پسته کاری بخواهند آن را شکل بدهند، باید مقداری ارائه‌ها را هم برای آن‌ها بگذارند که آن‌ها چه کار می‌کنند. ارائه‌ها نباید فقط جنبه تبلیغاتی داشته باشد، باید محتوایی را نشان دهد

انجمن تشکلهای جانبی ایجاد کند



دکتر علی وثوقی گردهمایی دوم انجمن را خیلی خوب ارزیابی می‌کند و می‌گوید: این گردهمایی اطلاعات اقتصادی کاملی در اختیار ما گذاشت ضمن اینکه راجع به پسته هم خوب صحبت شد. اطلاعات خوبی از پسته آمریکا گرفتیم. دیدیم که فاصله ما خیلی است.

این عضو پیوسته انجمن پسته ایران می‌افزاید: داریم روزبه‌روز به خاطر موضوعاتی مثل ارث و تقسیم املاک بزرگ به کوچک‌تر، خردتر می‌شویم و آمریکایی‌ها دارند روز به روز بزرگ‌تر می‌شوند. ما دانه‌های گندم زیر سنگ آسیا می‌شویم.

وثوقی در مقایسه گردهمایی اول با گردهمایی دوم انجمن می‌گوید: سال گذشته بیشتر تکیه روی پسته بود. امسال تکیه بیش‌تر روی مسائل جانبی پسته و مسائل اقتصادی کلان بود که مفید بودند. مسائل آب، باغداری هم خوب بود. صحبت‌های آقای آگاه خیلی خوب بود.

او در خصوص حضور مدیران دولتی و نمایندگان مجلس هم اظهار داشت: مدیران دولتی که صحبت نکردند. آقایان اقتصاددان صحبت کردند که خیلی خوب صحبت کردند. هم آقای مشایخی هم آقای هدایت، راجع به اقتصاد قضیه را باز کردند. نقاط و نکته‌های ابهام برطرف شد. ولی ما در راهی هستیم که انتخاب گزینه برای ما خیلی سخت است.

او ادامه داد: در جایی هستیم که بی‌آبی از یک طرف مشکل برای ما ایجاد کرده، خرده مالکی از یک طرف، وارپته‌های پایه‌ی ضعیف از سوی دیگر و پیوندهای متنوع و مدیریت‌های بسیار متغیر همه دست به دست هم داده است و ما را در تولید در سطح جهان عقب انداخته است.

وثوقی در پاسخ به این پرسش که چه توصیه‌ای برای انجمن پسته ایران دارید، تاکید می‌کند: انجمن می‌تواند

زمان گردهمایی کم بود



سید محمود ابطحی نیز در ارزیابی گردهمایی دوم انجمن پسته ایران می‌گوید: گردهمایی خیلی خوب بود. به خاطر اینکه مسوولین تصمیم‌گیرنده دولتی بودند. چون ما جایی زندگی می‌کنیم که اقتصادمان به شدت دولتی است، بنابراین پسته هم بسیاری از مسائلی به تصمیمات مسوولین دولتی مربوط می‌شود.

عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران با بیان این که وجود مسوولین دولتی و بحث‌هایی که شد به نظر من خیلی خوب و مفید بود، از جهت اینکه آن‌ها با مسائل پسته یک ذهنیت نسبتاً روشنی پیدا کردند، می‌افزاید: در جلسه آخر هم آقایان صحبت‌هایی می‌کردند که مشخص بود نسبت به مسائل اشراف دارند و آشنا هستند و حساس شدند. به نظر من این قسمتش خیلی خوب بود.

عضو هیات مدیره انجمن پسته ایران زمان گردهمایی را کوتاه می‌داند و می‌گوید: می‌بایست یک روز دیگر هم ادامه پیدا می‌کرد در آن یک روز مسایل داخلی انجمن و اعضا مطرح می‌شد. اما کلاً به نظر من خوب بود.

ابطحی در مقایسه بین دو گردهمایی که انجمن پسته ایران تا کنون برگزار کرده است، می‌گوید: گردهمایی اول بیشتر تخصصی روی پسته بود، گردهمایی دوم بیشتر روی اقتصاد مملکت و آثار این تصمیمات روی پسته بود. انشا... گردهمایی سوم ترکیبی از این دو گردهمایی باشد که کامل شود. یعنی ضمن اینکه مسایل کلان مملکتی که به پسته ارتباط پیدا می‌کند، مطرح شود، مسائل داخلی انجمن هم مطرح شود.

توانستند این ارتباط را برقرار کنند.

ایرانی در خصوص سخنرانان این همایش می‌افزاید: پاشنه‌ی آشیل کشاورزی ایران را مهندس کریمی‌پور برای ما باز کرد که مساله آب است. خیلی خوب بود. ای کاش باغداران و کشاورزان بیشتر به این موضوع توجه می‌کردند.

او با بیان این که اساتید محترم دانشگاه خیلی مستقیم به پسته کاری نداشتند، اظهار می‌دارد: دکتر مشایخی همان مطالبی که انجمن پسته به او منعکس کرده بود، مطرح کرد و مطالعه‌ی خاصی روی پسته انجام نداده بود. ولی زمانی که به وضعیت اقتصاد مملکت و مسائل کلان اقتصادی پرداختند، طبیعتاً فوق العاده بود. کاش وقت بود که شرح و بسط بیشتری می‌دادند.

ایرانی ادامه می‌دهد: دکتر فاطمی سیمای اقتصاد را در آینده تبیین کرد و خوب بود. هر چند که فکر می‌کنم اعداد و ارقامی که دادند بیش از تفاسیر بود. امیدوار بودم که تفسیرها را بیشتر می‌کردند. به خود ایشان هم ایراد گرفتم، گفتند: من سخنران‌ام را برای یک ساعت تنظیم کرده بودم ولی متأسفانه ۴۰ دقیقه بیشتر به ایشان فرصت ندادند.

او خاطر نشان می‌کند: یکی از بهترین سخنرانی‌ها به مهندس علی نظری مربوط بود که بسیار آدم فهمیده و خردمندی است. در سخنرانی‌شان با آمار و ارقام دقیق گفتند که نه آب آمریکایی‌ها از ما بیشتر و بهتر است و نه کیفیت خاکشان. ولی آن‌ها هکتاری بالای سه تن برداشت می‌کنند ولی ما ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلو برداشت می‌کنیم. پس اشکال و پاشنه آشیل پسته ما در مدیریت و اداره کردن باغات پسته است. به نظر من خیلی نکته مثبتی بود.

عضو هیات ریسه اتاق بازرگانی کرمان ادامه می‌دهد: آقای مهندس کشاورز -معاون وزیر جهاد کشاورزی- از صنعت پسته می‌خواستند که برای برون‌رفت از مسائل و مشکلات پسته به دانش توجه کنند. می‌گفتند با تکنولوژی و دانش مدرن خودتان را تجهیز کنید. من هم متقابلاً همین را می‌گویم. همین توصیه را خود دولتی‌ها بروند عمل کنند.

ایرانی می‌گوید: مهدی آگاه هم در حقیقت سخنرانی نکرد. ایشان بخشی از خشم فروخورده خودش را به صورت خروشان بیرون داد. قرار بود راجع به این صحبت کند که پسته بکاریم یا نکاریم، اما به کمترین چیزی که توجه کرد این مساله بود.

او با بیان این که مهدی آگاه دلسوز این دیار و مملکت است، یادآور می‌شود: مهدی آگاه از نحوه اداره اقتصاد این مملکت ظرف هفتصد سال گذشته عصبانی و خشمگین است.

کم کم تشکلهای جانبی ایجاد کند. مثلاً شرکتهای سرمایه‌گذاری که باغداران را کمک و راهکارهایی پیدا کنند که بتوانند در هر منطقه‌ای باغداران کوچک به شکل تعاونی یا هر ساختار دیگری با هم جمع شوند، تا از دخالت‌های مدیریتی خرد، جلوگیری شود.

او در پاسخ به این سوال که نظراتان این است که انجمن به سمت فعالیت اقتصادی برود، می‌گوید: نه؛ انجمن نرود. کادر، راهکار و امکانات قانونی‌اش را فراهم کند. بستر را برای این کار فراهم کند. به عنوان مثال، من نوعی به محض اینکه بروم با چند نفر شریک شوم و تعاونی ایجاد کنم، سر سال مالیاتی که باید بپردازم چیزی برای ما نخواهد ماند. مثل تعاونی‌های کودی که درست کردیم و در آخر هم چیزی گذاشتیم روی تعاونی و رفتیم. یا هر شرکتی که درست کردیم در آخر در شر مالیاتش ماندیم.

او ادامه می‌دهد: اگر قرار باشد که شرکتهای کشاورزی، باغداری و زراعی درست کنیم چند مالک با هم جمع شویم و یک شرکت بزرگ درست کنیم.

وثوقی می‌افزاید: انجمن می‌تواند هم بستر فراهم کند و هم موانع قانونی را برطرف کند که راه برای این نوع کارها باز شود.

گردهمایی هر سال برقرار باشد



از سوی دیگر ارسطو ایرانی در خصوص دومین گردهمایی انجمن پسته ایران می‌گوید: من انتظار نداشتم که گردهمایی به این خوبی برگزار شود. همه چیز آموزنده بود. اشخاصی که حضور داشتند اشخاص مطلعی بودند. حرف‌هایی که زدند به اطلاعات ما اضافه کرد. خیلی از مسائلی که برای ما مبهم بود تا حدی روشن شد.

این عضو پیوسته انجمن پسته ایران در خصوص حضور دولتی‌ها در این گردهمایی می‌افزاید: من اصولاً چون خودم قبلاً دولتی بودم، عقیده دارم که هر چقدر دولتی‌ها کمتر دخالت فیزیکی کنند، بهتر از آن است که دخالت فیزیکی کنند. ولی گاهی اوقات ممکن است نظارت لازم باشد.

او با ابراز رضایت از محل برگزاری گردهمایی، اظهار می‌دارد: امیدوارم که این گردهمایی هر سال برقرار

باشد و هر سال دعوت کنند.

مکان گردهمایی تغییر کند



علی اکبر نشاط عضو سیرجانی هیات امنا انجمن پسته ایران نیز در پاسخ به این سوال که از شرکت در گردهمایی دوم انجمن پسته راضی هستید، می‌گوید: بله؛ راضی هستم و از سال قبل هم خیلی پربرتر بود. مخصوصاً از سخنان آقای آگاه لذت بردیم و خیلی خوب بود.

پیشنهاد نشاط برای برگزاری گردهمایی سوم، تغییر مکان گردهمایی است و در این خصوص می‌گوید: اگر مکان گردهمایی را تغییر دهند بهتر است. هر سال در یک شهر برگزار شود تا تفریحات و گردهمایی بهتری باشد. هر سال در یک مکان برگزار شود دچار تکرار می‌شود و این خوب نیست.

او در پاسخ به این سوال که نظراتان در مورد محتوای مطالبی که مطرح شد و حضور دولتی‌ها چیست؟ می‌افزاید: حضور دولتی‌ها خیلی خوب بود تا از گرفتاری‌های ما مطلع شوند و این مطالب را در جاهایی که می‌توانند مطرح کنند تا گرفتاری ما رفع شود.

نشاط خاطر نشان می‌کند: انجمن پسته ایران باید این روند را ادامه دهد چون فعالیت و گردهمایی خوبی است. همه از کار هم مطلع می‌شوند.

او در خصوص نقش گردهمایی در انتقال آگاهی بین اعضا هم اظهار می‌دارد: به نظر من گردهمایی ۳۰ تا ۴۰ درصد می‌تواند تأثیر داشته باشد و حدود ۵۰ درصد گرفتاری‌هایی را که داریم می‌توانیم برطرف کنیم، چون برخی گرفتاری‌های ما شبیه هم هست، می‌توانیم برای رفع گرفتاری با هم تعامل کنیم.

هیچ انجمنی چنین تأثیرگذاری را ندارد



محمدکاشانیان از باغداران قم هم به ماهنامه انجمن در خصوص دومین گردهمایی انجمن پسته ایران می‌گوید: سفر به کیش بسیار عالی است. چون با خانواده همراه هستیم و با آرامش بیشتری می‌توانیم در جلسات شرکت کنیم و هم اینکه جلسات خیلی خیلی پر بار بود.

این عضو پیوسته گروه تولید انجمن پسته ایران با بیان این‌که سال گذشته هم در گردهمایی اول شرکت کرده است، می‌گوید: گردهمایی دوم خیلی عالی بود و نظر من این است که امسال حدود ۸۰ درصد بهتر از سال گذشته است و شخصیت‌هایی که دعوت شده بودند و توضیح دادند خیلی خوب بود. حتی روی برنامه‌ها و سیاست‌های کلان اقتصادی کشور صحبت شد. فکر می‌کنم هیچ انجمنی این برنامه و چنین تأثیرگذاری را نداشته باشد.

با دوستان جدیدی آشنا شدیم



علی ابراهیمی نیز با اعلام رضایت از حضور در کیش می‌گوید: انتظار زیادی نداشتم، ولی خیلی زحمت کشیدند.

این عضو پیوسته گروه خدمات انجمن پسته ایران در خصوص محتوای همایش هم می‌افزاید: مطالب جالبی مطرح شد و دوستان و مقامات را دعوت کردند و امیدواریم که بازتاب و نتایجش هم خوب باشد و مسؤولین هم بتوانند در حد توانشان کاری انجام دهند. او ادامه می‌دهد: تا جایی که انجمن کارش به مسایل دولتی وابسته است، یک مسؤول دولتی باید جوابگو باشد.

او در پاسخ به این سوال که این گردهمایی باید تداوم پیدا کند یا نه، می‌گوید: بله؛ خیلی خوب است. چند وقت پیش هم شیراز بودیم. آنجا هم خیلی خوب بود با دوستان جدیدی در آنجا آشنا شدیم.

ابراهیمی خاطر نشان می‌کند: دوستان خیلی زحمت کشیدند. هماهنگی و برگزار کردن چنین همایش‌هایی خیلی سخت است و خیلی زحمت می‌کشند و ما ممنون هستیم.



اطلاعیه مهم

بدینوسیله از همه اعضای انجمن پسته ایران که علاقمند به طرح موضوع یا موضوعات موردنظر خود در جلسات هیات مدیره می باشند دعوت می شود ضمن تماس با دفتر انجمن پسته ایران در تهران به شماره ۴۰۰ و ۸۸۹۴۷۳۰۰-۰۲۱ و اطلاع از تاریخ و ساعت برگزاری جلسه هیات مدیره، مراتب حضور خود و موضوع پیشنهادی جهت طرح در جلسه را اعلام نمایند.

حسب آئین نامه جلسات هیات مدیره، مطالبی که قرار است در جلسه مورد بحث و بررسی قرار گیرد باید یک هفته قبل از جلسه از طریق دبیرخانه انجمن برای همه اعضای هیات مدیره ارسال گردد تا آمادگی کافی برای اتخاذ تصمیم در جلسه وجود داشته باشد. بنابراین از اعضای که علاقمند به طرح موضوع موردنظر خود در هیات مدیره هستند خواهشمند است که خلاصه مطالب خود را به شماره فاکس ۸۸۹۴۷۳۸۴-۰۲۱ ارسال نمایند. بدیهی است در صورت تعدد متقاضیان، تاریخ حضور بر اساس وقت جلسات به متقاضیان اعلام خواهد شد.